

فرستاد و دستور داد تا مال آنان را<sup>۱</sup> مطالبه کند، پس او را سوار کرده بخانه‌اش برد و از آن مالی عظیم در آورد و سپس تبعید شد. راشد بن اسحاق درباره وی گفته است:

يَكْفِيكَ مِنْ غَيْرِ الْأَيَّامِ مَا صَنَعْتَ حَوَادِثَ السُّدَّهِرِ بِالْفَضْلِ بْنِ مِرْوَانَ  
«تو را کفایت است از سختیها و بلاهای زمانه، همانچه پیش آمده‌های روزگار با فضل بن مروان کرد».

معتمد (در مسئله) خلق قرآن، احمد بن حنبل را امتحان کرد، احمد گفت: من مردی هستم که دانشی تحصیل کرده‌ام و در علم خود این را ندانسته‌ام. پس برای (مناظره با) وی فقها را حاضر نمود و احمد با عبدالرحمان بن اسحاق و جزاو مناظره کرد و از اینکه بگوید: قرآن مخلوق است، امتناع ورزید و چندین تازیانه بر او زدند، پس اسحاق بن ابراهیم گفت: ای امیر المؤمنین مناظره با وی را بمن واگذار. گفت: با وی مناظره کن. پس اسحاق گفت: این دانشی که داری، فرشته‌ای آن را بر تو نازل کرده یا آن را از رجال آموخته‌ای؟ گفت: بلکه آن را از رجال آموخته‌ام. گفت: اندک اندک، یا بیکبار؟ گفت: اندک اندک آن را آموخته‌ام. گفت: چیزی مانده است که هنوز ندانسته باشی؟ گفت: آری مانده است. گفت: پس همین مسئله از آن چیزهایی است که ندانسته‌ای و اکنون امیر المؤمنین آن را بتومی آموزد. گفت: من هم بقول امیر المؤمنین قائلم. گفت: در (مسئله) خلق قرآن؟ گفت: آری در (مسئله) خلق قرآن. پس بروی گواه گرفت و او را خلعت بخشید و بخانه‌اش فرستاد.

معتمد در نیمه ذی القعدة سال ۲۲۰ رهسپار قاطول<sup>۲</sup> شد و گریه کرد جای شهری که بنا کرد خط بر کشید (و حدود آن را معین کرد) و بمردم زمینها بخشید

۱- ظ. مال وی را. ۲- نهری بوده در جای سامره پیش از بنای شهر که رشید آن را حفر کرده بود.

و در کار ساختمان کوشش کرد تا مردم کاخها و سراها بنا کردند و بازارها بپاشد. سپس از قاطول به سامره کوچ کرد و در همان جایی که دارالعامه است توقف کرد و آنجا دیری از نصاری بود، پس زمین را از اهل آن دیر خرید و گرداگرد آن خط بر کشید و آنگاه بجای قصر معروف به «جوسق» در کنار دجله رفت و آنجا چندین کاخ برای فرماندهان و منشیان بنا کرد و آنها را با اسمهای آنان نامید و در طرف شرقی دجله نهرها کند و عمارتها ساخت و دولابها و چرخابها بر سر نهرها نصب کرد و خرما بن و نهالها از دیگر شهرها بآنجا حمل نمود، و آغاز آن کار در سال ۲۲۱ بود، و قریه‌ها ساخت و از هر سرزمینی مردم را بآنها منتقل ساخت و بایشان دستور داد تا شهر خود را عمارت کنند و مردمی را برای ساختن کاغذ از مصر آورد اما کاغذی که ساختند بخوبی کاغذ مضر در نیامد.

پس از آنکه نیروی بابک بالا گرفت و محمد بن بعیت هم از وی پیروی کرد، و عصمت کردی فرمانروای مرند هم بفرمان وی بود، معتصم طاهر بن ابراهیم برادر اسحاق بن ابراهیم عامل شهر را فرستاد و او را دستور جنگ با آنان داد، پس چون از راه رسید، ابن بعیت به معتصم نوشت و گزارش داد که بفرمان وی و در فکر چاره کار بابک و یاران او است، سپس با عصمت کردی فرمانروای مرند مکر کرد و دختر او را تزویج نمود و رهسپار مرند شد، پس او را بخانه خود دعوت نمود و در حال میگساری بر او و همراهانش حمله برد و چون مست شدند شبانه آنان را بقلمه‌ای بنام «شاهی» حمل کرد و سپس آنها را نزد معتصم فرستاد، پس معتصم او را جایزه داد و عطیه بخشید، چه او طاهر بن ابراهیم را از کار خود با خبر ساخته و از او خواسته بود که برای فرستادن ایشان آهن و استر نزد وی فرستد و طاهر چنان کرد پس آنان را نزد معتصم فرستاد و خبر ایشان را بوی نوشت و معتصم با اسحاق درشتی کرد و گفت: نزد برادرت چیزی نمی‌بینم و مردانگی را جز نزد ابن بعیت نمی‌بینم.

افشین حیدربن کاوس اشروسنی را (بدفع بابک) فرستاد و او را بر هر ناحیه‌ای که از آن عبور کند فرمانروا ساخت و مالها و خزینه‌های اسلحه با وی فرستاد، پس چون افشین به (بلاد) جبل رسید رهنان و سران آنجا را گرفت و پیش رفت و میان او و بابک جنگهایی روی داد و سپاهش درجایی بنام «برزند» بود، پس بجایی بنام سادارس منتقل شد و یک سال درجنگ باوی بود تا بر آنها زیاد شد و سپس به برزند بازگشت و جانشین خود را به سادارس فرستاد و پیش رفت و در هر ناحیه‌ای .... قرار داد و بد [روز] رود رفت و خندقی کند و بارویی ساخت و کمینها نهاد و روز پنجشنبه نهم رمضان سال ۲۲۲ بسوی بد پیش رفت و بابک نزد وی فرستاده خواستار شد تا با او سخن گوید، پس با این پیشنهاد موافقت کرد و میان آندو نهری فاصله بود.

افشین بروی امان عرضه داشت و او درخواست کرد که آن روز را بوی مهلت دهد، پس باو گفت منظوری جز آن نداری که شهر خود را استوارسازی، راستی اگر امان می‌خواهی از رودخانه عبور کن. پس بابک بازگشت و جنگ بسختی کشید و مسلمین بشهر بد درآمدند و بابک باشش نفر از یارانش گریخت و اسیران مسلمین که هفت هزار و ششصد نفر بودند از شهر بد بیرون آورده شدند و بابک در حالی که جامه‌های پشمین پوشیده بود، سوار بر استری رهسپار شد و افشین بیطریقان ارمنستان و آذربایجان نوشت تا وی را تعقیب کنند و تعهد کرد که بهر کس او را تسلیم کند یک میلیون درهم بدهد و از بلادشان صرف نظر کند، پس بابک نزد مردی از بیطریقان بنام سهل بن سنباط رفت، و سهل او را دستگیر کرد و به افشین گزارش داد و او کس فرستاد تا وی را تحویل گرفت و مرده فتح و تدبیری را که بکار برده بود نوشت.

پس گزارش فتح خوانده و باطراف و نواحی نوشته شد، در ... تا بلاد را

اصلاح کرد و رهسپار شد و منکجور فرغانی خالوی فرزندان خود را جانشین گذاشت و در سامره بر معتصم وارد شد ، پس فرماندهان و مردم چندین منزل باستقبال وی شتافتند و در دوم صفر سال ۲۲۳ در حالی که بابک پیش روی اوسوار فیل بود ، وارد سامره شد تا بر معتصم در آمد ، معتصم دستور داد تا دودست و دوپای بابک را بریدند و سپس او را کشت و در سامره بدار زد و برادرش عبدالله را به بغداد فرستاد تا اسحاق بن ابراهیم او را کشت و در طرف شرقی بغداد بر سر پل بدار آویخت .

هنگامی که افشین به آذربایجان آمده بود ، محمد بن سلیمان از دی سمرقندی را حکومت ارمنستان داده بود ، و از طرفی سهل بن سنباط درران یاغی شده و بر آن ناحیه دست یافته و داخل آن بلاد شده بود ، پس سهل بر محمد شیبخون زد و او را شکست داد ، و نیز محمد بن عبیدالله و رثانی در ورثان یاغی شد و افشین منکجور را بر سر او فرستاد تا با وی بجنگد و علی بن یحیی ارمنی درباره او شفاعت کرد تا معتصم او را امان داد ، پس علی بن یحیی او را آورد ، سپس افشین محمد بن خالد بخارا خذاه را حکومت ارمنستان داد و چون وارد شد با صناریه جنگید و رهسپار تقلیس شد ، پس اسحاق بن اسماعیل با وی نیکی کرد و او را صلح داد ، سپس حکومت ارمنستان را به علی بن حسین بن سباع قیسی داد و مردم ارمنستان او را چنان زبون شمردند که از فاتوانی و زبونی «یتیم» نامیده می شد .

پس معتصم خالد بن یزید را والی ارمنستان و ناحیه ای اردیبار ربیعیه قرار داد و چون خبرش به ارمنستان رسید هر رئیس که آنجا بود متحصن گشت و سخت از وی بیمناک شدند و راه نافرمانی را در پیش گرفتند ، و چون منصور بن عیسی سبعی عامل برید ارمنستان (گزارش) آن را به معتصم نوشت ، معتصم خالد را باز گردانید و دستور داد تا علی بن حسین بر سر کار باشد ، لیکن چند روزی پیش نکشید که سپاهیان در برذعه بر وی فتنه انگیزتند و جیره های خود را مطالبه

کردند . پس گفت : من چیزی ندارم و مالها نزد اهل شهر است و از مردم شهر مطالبه کرد، اما مردم فرمان وی را نبردند و در قلعه های خود متحصن شدند ، سپس بیکدیگر پیام فرستادند و فراهم شدند و او را در برزعه محاصره کردند و آنگاه معتمص ، حمدویة بن علی بن فضل را بحکومت آن بلاد فرستاد و او رهسپار نشوی<sup>۱</sup> شد و یزید بن حصن امان یافته نزد وی آمد [ . . . . . ] پس از بیم آنکه بر او چیره شوند آنان را بر نمی انگیخت ( و با ایشان مدارا می کرد ) .

در سال ۲۲۳ رومیان داخل زبطره شدند و هر که را در آن بود، کشتند و اسیر گرفتند و بیرونشان بردند ، پس چون خبر به معتمص رسید بیدرنگ از جای خویش برخاست تا آنکه روی زمین نشست و مردم را بجهاد فراخواند و عطیه هاداد و همان روز در جایی بنام عیون در طرف غربی دجله اردو زد و اشناس ترکی را بر مقدمه اش پیش فرستاد و روز پنجشنبه ششم جمادی الاولی سال ۲۲۳ بیرون رفت و داخل کشور روم شد و آهنگ سرزمین عموریه کرد که از بزرگترین شهرهای آنان بود و جمعیت و مردان بیشتری داشت و آنرا سخت محاصره کرد پس پادشاه روم خیر یافت و با سپاهی عظیم پیش آمد و چون نزدیک شد ، معتمص افشین را با سپاهی عظیم پیش فرستاد تا با شاه رومیان روبرو شد و بروی تاخت و او را شکست داد و از سپاه وی کشتاری عظیم کرد، سپس پادشاه روم از طرف خود نمایندگانی را با این پیام نزد معتمص فرستاد که آنان که با زبطره چنان کرده اند ، از فرمان من تعدی کرده اند و من آن را با مال و مردان خود بنا می کنم و هر کس را از مردم آن گرفته اند باز می دهم و همه اسیرانی را که در بلاد روم هستند رها می کنم و مردمی را که با زبطره چنان کرده اند روی گردنهای بطریقان نزد تو

۱ - کسکری ، شهری است به آذربایجان و آن را نخجوان و نخشوان و نقشوان گویند .

می فرستم .

معتصم روز سه شنبه ۱۳ روز مانده از ماه رمضان سال ۲۲۳ عموریه را فتح کرد و هر که را در آن بود کشت و اسیر گرفت و یاطس خالوی پادشاه روم را دستگیر کرد و بهر شهری از شهرهای آنان عبور کرد آنرا ویران ساخت و آتش زد و سپس بازگشت و چون به اذنه رسید، عباس بن مأمون را بزندان انداخت، چه از نافرمانی و ناسازی و فراهم آمدن فرماندهانی نزد وی خبر یافته بود، و برصدو شانزده هزار دینار او دست یافت و دستور داد [که] بر سپاهیان بخش گردد و امر شوند که او را لعنت کنند، پس احصائی آنان بهشتاد هزار رسید و دو دینار دو دینار بآنها پرداخته شد و معتصم کمبود آن را از خود پرداخت و عباس را در بند به افشین سپرد تا وی را تبعید کند، پس چون به حمد رأس رسید درگذشت و بقولی افشین در روزی بسیار گرم خوراک پر نمکی باو خوراند و آب را از وی دریغ داشت، پس بسوی منبج حمل کردید و آنجا دفن شد .

معتصم بر عجیف بن عنبسه که سبب نافرمانی عباس شده بود، خشم گرفت و او را در (بند) آهن سنگینی، در حالی که در دهانش نمد هایی بود که بر آن دوخته شده بود و غل عظیمی بگردنش نهاده بود، از اذنه سوار کرد و چون بجایی بنام باعینا تا در یکمنزلی نصیب رسید، مرد و همانجا دفن شد و پسرش صالح بن عجیف درخواست کرد که باو نسبت داده نشود و او را صالح معتصمی بخوانند، و پدرش را لعنت کرد و از وی بیزاری جست .

مازیار محمد بن قارن بن بنداد هرمز اسپهد طبرستان پس از آنکه پدرش مرد و مملکت طبرستان بدست عمویش افتاد نزد مأمون آمد، و مأمون او را بر دو شهر از شهرهای طبرستان حکومت داد و بعمویش نوشت تا آندو را بوی تسلیم کند، مازیار رهسپار شد و چون خبر بعمویش رسید، او را بخشم آورد و

نگرانش ساخت و چنانکه گویی باستقبال وی می‌شتابد، بیرون آمد و با مازیار غلامی هوشمند از پدرش همراه بود؛ پس گفت که: عمویت باین هیئت بیرون نیامده است مگر برای آنکه تو را غافلگیر بکشد پس هر گاه باو نزدیک شدی و از یارانش برکنار ماندی، من حربه را بتو می‌دهم و آن را در سینه‌اش فرو بر. مازیار چنان کرد و عموی خود را کشت و مملکت بدست وی افتاد و کار حکومت را بدست گرفت و به مأمون نوشت که عمویش با حکومت وی مخالف بود. و چون کارش بالا گرفت نوشت: از کیل کیلان اسپهبد [اسپهبدان بشوار] خرشاد محمد بن قارن مولای امیر المؤمنین. سپس خود را برتر از آن دانست که مولای امیر المؤمنین بگوید، و چون کارش بالا گرفت نافرمانی را آشکار ساخت و باغی گشت و بقولی افشین با وی مکاتبه کرد و او را بیانیگری واداشت، پس معتصم محمد بن ابراهیم را با سپاهی بجنگک وی فرستاد و به عبدالله بن طاهر نوشت [که] او را با لشکرها کمک دهد، پس محمد با وی جنگید و عبدالله بر فرستادن لشکرها بسوی او اصرار ورزید؛ تا محمد با وی بجنگک ایستاد و دره‌ها و پشته‌ها را (بروی) گرفتند و مازیار شبانه بیرون رفت تا دست خود را در دست خویشاوندی از عبدالله نهاد و او را در سال ۲۲۶ (به بغداد) آورد، پس تازیانه‌ها بر او زده شد تا مرد و در پهلوی بابک بدار زده شد.

محمد بن عیسی مرا خبر داد و گفت: مازیار را آوردند و در همان وقت افشین هم زندانی شده بود، پس ابن ابی دؤاد آن دو را با هم روبرو کرد و به مازیار گفت: این همان افشین است که می‌گفتی تو را بنا فرمائی و ادا کرده است. پس افشین باو گفت: بخدا قسم که دروغ از رعایا ناپسند است تا چه رسد بیادشاهان، بخدا قسم دروغت تو را از کشته شدن‌رهایمی نمی‌دهد پس دروغ را پایان امر خود قرار مده. مازیار گفت: بخدا قسم بمن چیزی ننوشته

و پیامی نداده جز آنکه ابوالحارث و کیل من، مرا خبر داد که چون بر او وارد شده، با وی نیکی کرده و گرامیش داشته است. پس افشین بزندان باز گردانیده شد و مازیار را آنقدر زدند که مرد. و نخستین جهت حبس افشین آن بود که منکجور فرعانی خالوی فرزندان افشین و جانشین او در آذربایجان، در همانجا یاغی شد و اصحاب بابک را نزد خویش فراهم ساخت و رهسپار ورتان گشت و محمد بن عبیدالله ورتانی و جماعتی از هوا خواهان سلطان را کشت، پس معتصم به افشین گفت: منکجور را احضار کن. افشین ابوالساج معروف به دیو داد را با سپاهی عظیم نزد وی فرستاد و سپس معتصم خبر یافت که منکجور بدستور افشین یاغی شده و ابوالساج را تنها بمنظور کمک نزد وی فرستاده است، پس محمد بن حماد را بریاست (اداره) برید فرستاد و بغای ترکی را کسبل داشت تا با منکجور جنگید و چون در نبرد با وی پافشاری کرد منکجور از درزاری خواستار امان شد و بغا وی را امان داده به سامره آورد و پیش از آن افشین در سال ۲۲۶ زندانی شده بود، سپس در حبس بدرود زندگی گفت و در سامره نزد باب العامه ساعتی از روز برهنه بدار زده شد و آنگاه او را فرود آورده با آتش سوزانیدند.

کار خلافت معتصم بیشتر بدست احمد بن [ابی] دؤاد ابادی قاضی القضاة و فضل بن مروان منشی بود، سپس بر فضل خشم گرفت و او را تبعید کرد و دارایی او را گرفت و محمد بن عبدالملک زیّات در وی نفوذ یافت. ریاست پلیس معتصم را اسحاق بن ابراهیم داشت، و فرمانده نگهبانان او عجیف بن عنبسه و سپس افشین و پس از او اسحاق بن یحیی بن معاذ بود و جماعتی از ترکان از جمله: وصیف و سیما دمشقی و سیماشرابی و محمد بن حماد بن [دیعس] برای وی حاجبی کردند.

معتصم روز پنجشنبه یازده شب مانده از ماه ربیع الأول سال ۲۲۷ بدرود



زندگی گفت و پسرش هارون بروی نماز گزارد و در قصر خود که معروف به «جوسق» بود دفن شد و سن او ۴۹ سال و حکومتش ۸ سال بود و شش پسر بجای گذاشت: هارون واثق، جعفر متوکل، محمد، احمد، علی وعباس.

## ایام هارون واثق بالله<sup>۱</sup>

الوائق بالله هارون بن ابی اسحاق که مادرش کنیزی بنام قراطیس بود ، در همان روز مرگ معتمص یعنی روز پنجشنبه یازده شب مانده از ربیع الأول سال ۲۲۷ بحکومت رسید و آن روز مصادف بود با کانون آخر از ماههای عجم، و آن روز خورشید در ۱۵ درجه و ۲۲ دقیقه جدی بود.

اسحاق بن ابراهیم در همان ساعتی که بیعت کرد روی به بغداد نهاد و تمام شب را راه پیمود و پیش از طلوع فجر به بغداد رسید و بر اطراف (شهر) و زندانها (مأمورینی) گماشت و فرماندهان و سران (پایتخت) را احضار کرد و از آنان بیعت گرفت . توده سپاهیان و اوباش بر شعیب بن سهل قاضی طرف شرقی بغداد شوریدند و سرای او را غارت نمودند، پس اسحاق، جعفر [معشه] و ابراهیم دیزج و جماعتی را همراه آندو فرستاد تا شعیب بن سهل را بیرون آوردند و او را بسرای اسحاق رساندند و واثق که در این سال اراده حج داشت و تصمیم اوقطعی شده بود ، حجش بتأخیر افتاد و مادرش را اذن داد تا (بقصد حج) بیرون رفت و جعفر بن معتمص همراه وی بود ، اما چون به کوفه رسید در گذشت و واثق برادر خود جعفر را اذن حرکت داد و او هم رهسپار شد و با مردم حج گزارد.

نخستین کس از فرماندهان معتمص که فرمان حکومت وی را صادر نمود ،

اشناس تر کی بود که معتصم او را از دربار خویش تا آخرین نقطه مغرب حکومت داد و او هم عمال خود را فرستاد و فرمان حکومت مغرب را از طرف خود برای محمد بن ابراهیم اغلب نوشت و تدبیر امرش بدست احمد بن خصیب بود .

وائق ایتاخ تر کی را بر خراسان و سند و نواحی دجله حکومت داد و در آن موقع سند بهم خورده و عمران بن موسی بن یحیی بن خالد عامل سند کشته شده بود، پس ایتاخ عنبسه بن اسحاق ضبی را به سند فرستاد و او هنگامی رسید که چندین پادشاه بر آن بلاد غلبه یافته بودند ، اما چون عنبسه از راه رسید ، شنیدند و فرمان بردند و همگی بجز عثمان نزد وی آمدند .... پس عنبسه بسوی وی رهسپار شد [....] و نه سال بعنوان حکومت درسند [اقامت داشت].

ابن بیس کلایی با گروه بسیاری از طوایف قیس در دمشق شورش کرد و نیز مردی که او را تمیم لخمی می گفتند و معروف به ابو حرب و ملقب به مبرقع بود بهمراهی لخم و جذام و عامله و بلقین در فلسطین یساعی گشت و بشهرستان [اردن] رفت، و قومی بربری بهمراهی قومی از قریش از بنی اسید بن [ابی] العیص در برقه نافرمان شدند و بر عامل خود محمد بن عبدویه بن جله تاختند ، پس وائق رجاء بن ایوب حضاری را فرستاد و او ابتدا به دمشق رفت و بر ابن بیس حمله برد و او را دستگیر کرد و آنگاه رهسپار فلسطین شد و با تمیم لخمی جنگید و او را اسیر نمود و به سامره فرستاد تا او را در باب العامه نگه داشته با صدای بلند معرفی کردند . رجاء در سال ۲۲۸ رهسپار مصر شد و در جیزه فرود آمد و سپس متوجه برقه شد و هر که آنجا بود گریخت و بر جماعتی از آنان ظفر یافت و آنها را فرستاد و سپس باز گشت .

عبدالله بن طاهر در سال ۲۳۰ در سن ۴۷ سالگی در خراسان در گذشت، وی در نیشابور خراسان منزل داشت و حکومتش چهارده سال بود ، پس وائق طاهر بن

عبدالله را حکومت داد، عبدالله بن طاهر خراسان را چنان منظم و رام و آرام کرده بود که هیچکس چنان توفیقی نیافته بود و همه بلاد (خراسان) بفرمان وی درآمده و بی اختلاف حکم او را گردن نهادند.

طوایف قیس در راه حجاز دست بتهکاری زدند و رهنی کردند تا آنکه مردم از حج باز ماندند و مردی از سلیم بنام عزیزه خفافی برگزیدند و بر وی بخلافت سلام دادند، پس واثق بغای کبیر را در سال ۲۳۰ فرستاد و بوی دستور داد که با هر که از اعراب بیابد نبرد کند، بغا پیش از موسم حج براه افتاد و قیس از هر ناحیه‌ای فراهم آمدند و بیشترشان بنی سلیم بودند و رئیسشان عزیزه بود، بغا با آنان روبرو شد و با وی بنبرد ایستادند، پس خلقی عظیم از آنان کشت و آنها را بردخت آویخت و بسیاری از آنان را اسیر گرفت و در سرای یزید بن معاویه در مدینه زندانی کرد، اما نقب زدند و بر مردم مدینه تاختند، پس اهل مدینه بر آنها حمله بردند و بیشترشان را کشتند و بقیه را بغا، غل کرده فرستاد، و اسحاق بن ابراهیم در آن سال حج را برگزار کرد.

واثق بر ابراهیم بن ربیع خشم گرفت و این ابراهیم در ایام حکومت واثق بمنزلی که نزد وی داشت (بردیگران) مقدم بود و واثق دیوان ضیاع را بدست وی سپرد، پس بلهو (ولعب) سرگرم شد و کار خود را به نجاح بن سلمه منشی خود و یمان بن ... نصرانی واگذار کرد و آن دو هم برای خاطر مردم از مالهای بسیاری صرف نظر کردند، و بدگویان وی نزد واثق بسیار شدند و دستور داد که مستغلات و دارایی او را ضبط کنند و کار او را هم به عمر بن فرج رنجی واگذار کرد. شناس ترکی والی نواحی جزیره و شامات و مصر و مغرب، و تدبیر کار بدست احمد بن خصیب منشی وی بود، و به واثق خبر دادند که احمد مالهای بسیاری فراهم ساخته است پس بر وی خشم گرفت و مالهای او و مالهای برادرش ابراهیم را گرفت و هم آندو و هم مادرشان شکنجه شدند.

اشناس در همین سال (۲۳۰) بدرود زندگی گفت و مقام و بیشتر مناصب او به ایتاخ ترکی رسید و مستغلات و دارایی او برای فرزندانش بحال خود گذاشته شد و صاحبکاری آنها در عهد عبدالله بن صاعد قرار گرفت و تاروزی که مرد بآنها رسیدگی می کرد.

ارمنستان بهم خورد و قومی از عرب و بطریقان و یاغیان شورش کردند و پادشاهان جبال و باب‌الابواب بر نواحی مجاور خویش دست یافتند و کار سلطان بسستی کشید، پس و ائق خالد بن یزید بن مزید را حکومت (ارمنستان) داد و او را دستور بسیج فرمود و چند ناحیه از نواحی دیار ربیعہ راضیمه (حکومت) وی ساخت. خالد با سپاهی عظیم رهسپار شد و چون یاغیان آن بلاد از (حکومت) وی خبر یافتند، بیمناک شدند و بیشترشان نوشتند و یاد آور شدند که پیوسته فرمان بوده‌اند و هدیه‌ها فرستادند. خالد گفت؛ جز هدیه کسی را که خود نزد من آید، نمی‌پذیرم. و این سخن بر ترس و وحشت آنان افزود، آنگاه به اسحاق بن اسماعیل نوشت و او را فرمود تا نزد وی آید لیکن اسحاق فرمان نبرد و خالد بسوی وی پیش رفت و نزدیک بود اسحاق تسلیم شود که خالد [رنجور] شد و چند روزی بود و مرد و در تابوتی بسوی دبیل حمل شد و آنجا دفن گردید و یارانش پراکنده گشتند و ارمنستان بیدترین وضعی بر گشت، پس و ائق، محمد بن خالد را بجای پدرش حکومت داد و محمد گزارش بازگشتن (و پراکندگی) اصحاب پدرش را نوشت و خواستار شد که آنان را نزد وی بازگرداند، پس احمد بن بسطام را بسوی نصیبین فرستاد تا نزد و حبس کرد و خانه‌ها را آتش زد و در نتیجه اصحاب و موالی پدر محمد نزد وی فراهم آمدند و با صناریه و اسحاق جنگید تا او را بیرون کرد و آنان را شکست داد و بلاد ارمنستان را تابود بخوبی منظم داشت.

وائق مردم را در (مسئله) خلق قرآن امتحان کرد و بقضات نوشت تا در سایر شهرها چنان کنند و جز شهادت کسی را که قائل بتوحید باشد نپذیرند و از

این راه بسیاری از مردم را بزندان انداخت .

پادشاه روم در نامه خود ضمن گزارش بسیاری اسیران مسلمین که در دست وی گرفتارند ، پیشنهاد (پذیرفتن) سربها کرد و واثق هم پیشنهاد وی را پذیرفت و خاقان خادم را فرستاد [....] معروف به ابورمله ، و دیگر جعفر بن احمد حذاء که امیر لشکر بود ، و احمد بن سعید بن سلم باهلی را بر مرز حکومت داد ، پس رهسپار جائی بنام نهر لامس در دو منزل طرسوس شدند و در آن سر خرید بجز کسانی که نیزه نداشتند هفتاد هزار نیزه دار حاضر بودند ، و ابورمله و جعفر حذاء بر پل رودخانه ایستاده بودند و هر گاه مردی از اسیران عبور می کرد وی را در باره قرآن امتحان می کردند و هر کس می گفت که قرآن مخلوق است ، سربهای او داده می شد و دو دینار و دو جامه بوی می دادند ، پس شماره کسانی که سر خرید شدند پانصد مرد و هفتصد زن رسید و این پیشامد در محرم سال ۲۳۱ بود .

احمد بن نصر بن مالک خزاعی برای کاری که داشت نزد ابن ابی دؤاد رفت و جواب رد شنید و در حالی که وی را نکوهش میکرد باز گشت و سپس درباره وی زبان درازی می کرد و بکفر وی گواهی می داد ، پس جمعی از ایشان با او همراه شدند و شك نداشتند که آن خشمی است برای دین و دلهایشان بسبب قرآن بنا فرمائی مایل شد و قومی خروج کردند و طبلی زدند و بناحیه صحرای ابوالسری شتافتند و چون دستگیر شدند بروی اقرار کردند پس واثق به اسحاق نوشت تا وی را بفرستد و اسحاق او را فرستاد و با واثق بدرستی سخن گفت و جمعی حاضر شدند و بروی شهادتهایی دادند و او را بقرآن امتحان کرد و از اینکه بگوید قرآن مخلوق است امتناع ورزید و چون واثق او را دشنام داد ، وی را جواب گفت پس او را کردن زد و در سامره بدار آویخت و سرش را فرستاد تا در طرف شرقی بغداد نصب گردید .

محمد بن عمرو شیبانی خارجی در دیار ربیعہ خروج کرد و ابو سعید محمد بن

یوسف که آنجا بود با سپاه بجنک وی شتافت و محمد بن عمرو با سیصد یا چهارصد نفر از خوارج بود، پس بطرف سنجار رفت و سپس بناحیه موصل هزیمت یافت و ابوسعید وی را تعقیب کرده اسیر نمود و او را سوار بر گاوی داخل نصیبین کرد و نزد و ائق.... فرستاد و باو نوشت که کشتنش سزاوار نیست چه مادامی که زنده است هرگز خارجی خروج نخواهد کرد، و در ایام و ائق پیوسته بزندان بود.

وائق مالهای بسیاری در مکه و مدینه و دیگر شهرها بر هاشمیان و سایر قریش و همه مردم بخش کرد و در میان مردم بغداد براهل خانواده‌ها و بر عموم مردم تقسیمات بسیاری یکی پس از دیگری نمود و آتش سوزی در بغداد بسیار شد و بر جمعی از بازرگانان مالهای بسیاری تقسیم کرد و برای جماعتی (خانه) ساخت و ده یکی را که از هر که وارد دریای چین شود گرفته می‌شد، بخشید.

چیره بروائق احمد بن ابی دؤاد بود و محمد بن عبدالملک و عمر بن فرج رخجی، و رئیس پلیس او اسحاق بن ابراهیم، و فرمانده نگهبانان او اسحاق بن یحیی بن سلیمان بن یحیی بن معاذ.

وائق بیمار شد و بیماری او بسختی کشید تا آنکه برای او چالهای مانند تنور در زمین کنده شد و باهیزم گز گرم گردید و چندین بار در آن نهاده شد، و در بیماری خود می‌گفت: آرزو می‌کنم که از لغزش می‌گذشتم و بار بری بودم که روی سرم بارمی کشیدم. و چون بیعت پسرش باو پیشنهاد شد گفت: خدا مرا نبیند که زنده و مرده آن را بعهده گیرم. و ائق از کاخهای معتصم منتقل شده و برای خود در کنار دجله کاخی بنام «هارونی» ساخته و برای آن دو سکو یکی غربی و دیگری شرقی قرار داده بود، و مرگ او روز چهارشنبه شش روز مانده از ذی‌الحجه سال ۲۳۲ روی داد، و سن او در آن موقع ۳۴ سال، و خلافتش پنج سال و نه ماه و سیزده روز بود، و شش پسر بجای گذاشت: محمد، علی، عبدالله، ابراهیم، احمد و محمد اصغر.

## دوران جعفر متوکل<sup>۱</sup>

بیعت جعفر بن معتمد که مادرش کنیزی بنام شجاع بود، روز چهارشنبه شش روز مانده از ذی‌الحجه سال ۲۳۲ بانجام رسید و نخستین کس که با وی بیعت نمود سیمای ترکی معروف به دمشقی بود و وصیف‌ترکی، و همان ساعت سوار شد و بکاخ (سلام) عمومی آمد و دستور داد حقوق هشت ماه سپاهیان پرداخت شود و فرزندان هفت خلیفه فراهم بروی سلام کردند: منصور بن مهدی و عباس بن هادی و ابواحمد بن رشید و عبدالله بن امین و موسی بن مأمون و برادرانش و احمد بن معتمد و برادرانش و محمد بن واثق.

متوکل کارها را چهل روز چنانکه بود گذاشت و سپس بر محمد بن عبدالملک خشم گرفت و اموال او را ضبط کرد و شکنجه شد تا مرد و کارهایی بسیار بروی شمرده می‌شد.

محمد مردی سخت با قساوت و کم عاطفه بود، مردم را بتندی از نزد خویش می‌راند و بآنان اهانت می‌رساند، و دیده نشد که احسان او بکسی رسد و یا درباره احدی نیکی کند، و می‌گفت که: حیا شکستگی است، و مهربانی زبونی، و سخاوت احمقی. پس چون وی را نکبت رسید، کسی دیده نشد جز آنکه او را شمانت می‌کرد و بنکبت وی خوشحال بود.

متوکل به علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا بن جعفر بن محمد علیه السلام نوشت تا از مدینه رهسپار (سامره) شود، چه عبدالله بن محمد بن داود هاشمی نوشته و



گزارش داده بود که جماعتی می‌گویند او امام است. پس از مدینه بیرون آمد و یحیی بن هرثمه همراه وی رهسپار شد تا به بغداد رسید و چون بجایی رسید که آن را یا سریه<sup>۱</sup> می‌گفتند، آنجا فرود آمد و اسحاق بن ابراهیم برای استقبال وی سوار شد و اشتیاق مردم و فراهم آمدنشان را برای دیدن وی مشاهده کرد و تا شب ماند و آنحضرت را شبانه وارد (بغداد) کرد و پاسی از آن شب را در بغداد ماند و سپس رهسپار سامره شد.

متوکل مردم را از بحث در باره قرآن نهی کرد و زندانیان شهرها و کسانی را که در خلافت و ائق دستگیر شده بودند، آزاد کرد و همه رارها نمود و همگان را خلعت پوشانید و نامه‌هایی در نهی از جدال و خصومت باطراف نوشت و مردم (از جدل) باز ایستادند.

متوکل بر عمر بن فرج رنجی و بر برادرش محمد خشم گرفت و محمد در آنموقع عامل مصر بود، پس فرمان فرستادن وی را فرستاد و اموال آندورا گرفت و آن در سال ۲۳۳ انجام یافت و عمر - در بغداد و محمد<sup>۲</sup> در سامره زندانی بود و دو سال (در زندان) ماندند.

احمد بن ابی‌دؤاد را بیماری فلج گرفت و متوکل پسرش محمد معروف به ابوالولید را بجای وی قرار داد و در آن وقت [.....] ابوالعیناء گفت: بدانجهت زندانی شده که زبانش از کار افتاد و سخن نمی‌گفت.

متوکل بر فضل بن مروان خشم گرفت و مزارع و اموالش را مصادره کرد و خودش را تبعید نمود، سپس از وی خشنود گشت و او را باز گرداند.

و نیز در سال ۲۳۴ بر احمد بن خالد معروف به ابوالوزیر خشمناک شد و اموال وی را گرفت و سپس از او راضی گشت، و چون متوکل بر منشیان خشم گرفت

۱- دهی است به بغداد، از آن ده است جماعتی از زهاد و نضر بن حکم و عثمان بن مقبل و اعظم حدثان. ۲- سن، افتاده دارد.

به اسحاق بن ابراهیم گفت: برای من دو مرد را در نظر گیر، یکی برای دیوان خراج و دیگری برای دیوان ضیاع. پس گفت: بنظر من آن دو مرد یحیی بن خاقان و موسی بن عبدالملک بن هشام است. و یحیی برای اموالی که بواسطه حکومتش در فارس از وی مطالبه می شد، نزد اسحاق زندانی بود و موسی نیز در زندان جای داشت پس آن دو را حاضر ساخت و یحیی بن خاقان را سرپرست دیوان خراج و موسی را متصدی دیوان ضیاع ساخت.

متوکل در ذی القعدة سال ۲۳۴ امر کرد و باطراف نوشت که مردم بر پسرش محمد بامارت سلام کنند و برای وی بر منبرها دعا شود، و در همین سال ایتاخ ترکی اذن رفتن بحج خواست و پس از آنکه او را اذن داد در بهترین هیأتی رهسپار شد و متوکل خبر یافت که می خواسته است باوی حيله ای بکار برد و چون بر آن دست نیافته خواستار حج شده است پس به جعفر بن دینار معروف به خیاط که عامل یمن بود، نوشت تا به مکه رود و ایتاخ را بگیرد که زود باز گردد، پس چون (ایتاخ) به مکه آمد جعفر بوی رسید و او هم به عراق بازگشت و (متوکل) سعید بن صالح حاجب را بسوی وی فرستاد تا در کوفه او را دیدار کرد و چون نزدیک بغداد رسید، اسحاق بدیدار وی پیش آمد و او را بکندن سیاهی و شمشیر و کمر بند امر کرد و در قبایب سفید و عمامه ای سفید داخل بغداد شد تا او را بقصر خزیمه که بر سر جسر است آورد و بزندان او انداخت و در بندش نمود و مزارع و اموالش گرفته شد و دو منشی او سلیمان بن وهب و قدامة بن زیاد و پسرش منصور را به بغداد فرستاد تا باوی روبرو شدند و او را بدانچه کرده بود سرزنش و توبیخ کردند و پسرش منصور را امر کرد تا بروی او خدو اندازد، لیکن (از این کار) امتناع ورزید و گفت: امیر المؤمنین را غلامانی است که می تواند آنان را با آنچه دوست دارد امر کند. ایتاخ چند روزی (در زندان) ماند و سپس مرد و بدجله انداخته شد. و چون متوکل خبر یافته بود که هرثمة بن نصر عامل (مصر) با ایتاخ

مکاتبه داشته و باوی همداستان بوده است، اموال وی را نیز گرفت و آنچه را از نواحی مصر بدست ایتاخ اداره می‌شد، به ابواسحاق واگذار کرد، و چون غنسه بن اسحاق عامل ایتاخ برسند خبر یافت، رهسپار عراق شد و متوکل بجای اوهارون ابن ابی خالد را حکومت (سند) داد و به غنسه کاری نگرفت.

حسن بن سهل در همین سال (۲۳۴) در گذشت و پیش از آن در خانه اش نشسته بود و در هیچکاری از کارهای دولتی تصرفی نداشت.

محمد بن بعیث بر ناحیه‌ای از آذربایجان بنام مرند مستولی بود، پس حمدویه ابن علی عامل آذربایجان باوی در افتاد و سپس..... پس او را بدربار خلیفه فرستاد و چون از راه رسید علیه حمدویه بن علی گزارش داد و بدان جهت حمدویه را زدند و مالهایی که بدست وی رسیده بود، گرفته شد و ابن بعیث رها گردید و پس از چند روزی که ماند از سامره به مرند گریخت و رهزنان آن ناحیه را نزد خویش فراهم ساخت و نافرمانی و ناسازی را آشکار نمود، پس حمدویه بن علی را [از حبس] در آورده بحکومت آذربایجان برگزیدند و (محمد) بسوی وی رهسپار شد و با او جنگید و او را کشت و کار ابن بعیث نیرو گرفت و وزیرک ترکی بر سر وی فرستاده شد و با او جنگید و سپس عتاب بن عتاب بجنک وی شتافت و حکومت بدست بقای صغیر بود، پس چند ماهی در جنک با وی پایداری کرد و سپس باو امان داد و چون نزد وی آمد او را بدربار خلیفه فرستاد تا در سال ۲۳۵ بدست اسحاق زندانی شد و اندکی در حبس ماند و مرد و یحیی بن رواد را نیز فرستاد و باو فرماندهی و عنوانی داده شد.

در همین سال متوکل اهل ذمه را امر کرد تا فوطه‌های عسلی بپوشند و استرها و خرها را با رکابهای چوبی و زینهای گوی دار سوار شوند و بر اسبها و یابوها سوار نشوند و بر درها (ی خانه‌ها)ی خود چوبهایی قرار دهند که پیکر شیاطین در آنها باشد.

متوکل برای پسر خود محمد و سپس برای دوپسرش ابو عبدالله معتز بالله و ابراهیم مؤید بالله بولیعهدی پس از خود بیعت نمود و سران مردم را ازهر شهری به سامره فراخواند و آنان را بر بیعت جائزه ها داد و حقوق ده ماه سپاهیان را پرداخت کرد و خطیبان را فرستاد تا خطبه آن را بخوانند.

در همین سال، محمد منتصر حج گزارد و مادر متوکل همراه وی بود و در موسم با مردم حج گزارد و اخلاق و رفتار وی در این سفر ستوده بود [....]. متوکل بهریک از ولیعهدها ناحیه ای از کشور را واگذار کرد، مصر و مغرب را به منتصر داد و منشی او احمد بن خصیب بود، و خراسان و عراق عجم را به ابو عبدالله معتز بالله وا گذاشت و منشی وی احمد بن اسرئیل بود، و شامات و ارمنستان و آذربایجان را به ابراهیم مؤید بالله سپرد و منشی او محمد بن علی معروف بود. در همین وقت متوکل امر کرد که در هیچیک از کارهای دولتی از احدی از اهل ذمه کومک نخواهند و کنشتها و کلیساهای تازه ویران شود و از عمارت ساختن ممنوع شدند و آن (فرمان) را باطراف نوشت.

اسحاق بن ابراهیم در گذشت و (متوکل) آنچه از مشاغل خراج نواحی سواد (عراق) و اطراف مصر و نواحی دجله و جز آن در عهده وی بود، باضافه توابع [....] و فارس را در عهده پسرش محمد قرارداد و هفت روز در هر روزی هفت خلعت بروی پوشانید و پرچمهای بسیار برای وی بست و نزد او برترین منزلت را داشت. [محمد] عمال پدرش را بر سر کار بگذاشت و منشیان او بر خراج علی بن عیسی بن ازداد برود، و بر نامه هامیمون بن ابراهیم، و بر مظالم اسحاق بن یزید خویشاوند هارون بن جیغویه بود. حسین بن اسماعیل را بجای عمویش محمد بن ابراهیم به فارس فرستاد و بوی دستور داد. تا او را آن قدر شکنجه دهد که اموالی را که بدست وی افتاده است، در آورد، پس محمد زیر شکنجه مرد. عبدالواحد بن یحیی معروف به حوط خویشاوند ظاهر عامل خراج مصر و کومکهای آن بود و محمد بن اسحاق او را بفرماندهی سپاه خویش گذاشت

محمد پس از پدرش یکسال زنده بود و سپس در گذشت و (متوکل) عبدالله ابن اسحاق را تنها بفرماندهی پلپس بجای وی نهاد و او منشیان محمد بن اسحاق را که منشیان پدرش نیز بودند بدربار متوکل فرستاد و عمال وی را زد و علی بن عیسی منشی اسحاق بن ابراهیم بر نواحی سواد (عراق) را از سامره فرا خواند و دیوان اعظم خراج را بوی سپرد و چون دوماه بر سر کار ماند او را برداشت و احمد ابن محمد بن مدبر را بجای وی بر سر کار آورد و اموال حسین و اسماعیل پسران او گرفته شد و احمد بن محمد بن مدبر عمال او بر نواحی سواد را گرفت و بر (پرداخت) اموال بسیاری با آنان مصالحه کرد، و (متوکل) احمد بن محمد بن مدبر را بر هفت دیوان سرپرستی داد: دیوان خراج، و مزارع، و هزینه‌های خصوصی، و هزینه‌های عمومی، و زکاتها، و بردگان و غلامان، و سپاهیان و مزدوران. پس دارایی فراوانی فراهم ساخت.

محمد بن عبدالله بن طاهر در سال ۲۳۷ از خراسان به بغداد آمد و آنچه در دست اسحاق بن ابراهیم بود در عهده وی قرار گرفت و حکومت نواحی مصر از طرف منتصر به عنبسه بن اسحاق ضبّی داده شد و جز چند ماهی در مصر نماند که رومیان در هشتاد و پنج کشتی بر سر دمیاط فرود آمدند و جماعتی از مسلمین را کشتند و هزار و چهار صد خانه را آتش زدند و رئیس آنان را ابن قطونا میگفتند و از زنان مسلمان هزار و هشتصد و بیست زن، و از زنان مصری هزار زن و از یهودیان صد زن اسیر گرفتند و آنچه اسلحه در دمیاط و سقط بود بدست آنان افتاد و مردم رو بگریز نهادند و در حدود دو هزار نفر در دریا غرق شدند و (رومیان) دو روز و دو شب ماندند و سپس باز گشتند.

متوکل بر محمد بن فضل منشی دیوان توفیق بجهت وقوف یافتن بر امری

که از وی سرزده بود، خشم گرفت و عبیدالله بن یحیی بن خاقان را بجای وی قرار داد و او را برتری داد و مرتبه و مقامش را بالا برد و او را بر سر کار آورد و با اینکه مولای ازد بود، دستورش داد که مولای امیر المؤمنین بنویسد و نیز او را فرمود [که] منشیان دیوانها را دستور دهد تا نامه‌ها را بنام وی تاریخ گذاری کنند، لیکن از متوکل خواست تا وی را از این کار معاف دارد جز اینکه عمال خراج و مزارع و برید و کومکها و قضات را در تمام دنیا او بر سر کار می فرستاد و با وجود او دیگران هیچکاره بودند و مع ذلك نزد مردم ستوده بود و پدر خود را سرپرست مظالم قرار داد و سپس که او مرد عموی خود عبدالرحمان را بجای وی نهاد.

متوکل بر محمد بن احمد بن ابی دؤاد و بر پدرش (احمد) خشم گرفت و یحیی بن اکنم تمیمی را قاضی القضاة قرار داد و املاك و اموال ابن ابی دؤاد گرفته شد و به بغداد احضار گردید و جز اندک زمانی (زنده) نبود که مرد [.....] بزرگان اولادش و یحیی [اندکی] بر سر کار ماند و [سپس] جعفر بن عبدالواحد هاشمی بجای وی [آمد].

متوکل در سال ۲۳۸ رهسپار مدینه السلام گردید و در شاماسیه<sup>۱</sup> در خیمه‌ها فرود آمد و سپس داخل بغداد شد و از میان شهر گذشت تا برای گردش و تفریح به مدائن رفت.

در ارمنستان آشوبی پدید آمد و جماعتی از بطریقان و جز آنان در آن ناحیه بجنبش آمدند و بر نواحی خود مسلط شدند، پس متوکل ابو سعید محمد بن یوسف را والی (ارمنستان) گردانید و بقصد آنجا رهسپار گردید و جامه‌های خود و يك لنگ موزه خود را خواست و پوشید و بی هیچ بیماری افتاد و مرد، و آنگاه متوکل پسرش یوسف را ولایت داد و او رهسپار شد تا به ارمنستان آمد و با بطریقان مکاتبه

۱- موضعی است نزدیک رصافه بغداد.

کرد و بعضی‌شان ویرا اجابت کردند و بقراط بن اشوط با امان نزد وی آمد و او را نزد متوکل فرستاد و ..... پس سوان بن الف باوی جنگید و او را کشت و ارمنستان را تباهی گرفت، پس متوکل بغای کبیر را فرستاد و چون تا ارزن رسید، موسی بن زراره یاغی بدلیس<sup>۱</sup> با امان نزد وی آمد و بغا او را در بند کرد و نزد متوکل فرستاد و سپس بجایی رفت که آن را باق می‌گفتند و اشوط بن حمزه را که آنجا بود محاصره کرد و سپس او را امان داد و به سامره فرستاد تا بر باب‌العامه گردن زده و بدار آویخته شد. و به اسحاق بن اسماعیل یاغی تغلیس نوشت که نزد وی آید و او در پاسخ نوشت که دست از اطاعت [خلیفه] برداشته است پس اگر خواستار اموال است تا او را بدادن اموال کمک نماید و اگر بمردانی نیاز دارد تا آنان را نزد وی فرستد، اما آمدن خودش امکان پذیر نیست. پس بغا بسوی وی پیش رفت و با او جنگید و بر او ظفر یافت و او را گردن زد و سرش را نزد خلیفه فرستاد و آنگاه بر سر صناریه تاخت و با آنان جنگید، اما صناریه او را شکست دادند و هزیمت کردند و هزیمت یافته ارایشان بازگشت و هر کس را امان داده بود تعقیب کرد و آنان را دستگیر نمود و جماعتی از آنها کریختند و با پادشاه روم و امیران خزر و صقالبه مکاتبه کردند و با خلقی عظیم فراهم آمدند و گزارش آن را به متوکل نوشت تا محمد بن خالد بن یزید بن مزید شیبانی را بحکومت ارمنستان برانگیخت و چون او رسید، شورشیان آرام شدند و از نوباً آنها امان داد.

در سال ۲۴۰ مردم حمص شورش نمودند و عامل خود را که ابوالبعیث موسی بن ابراهیم بود بیرون کردند و ابوسوی حماة رفت، پس متوکل عتاب بن عتاب و محمد بن عبدویة بن جبلة را فرستاد و محمد را حاکم شهر قرارداد و او مردم را آرام ساخت و چندین ماه در دیارشان اقامت گزید، سپس شورشی بپا کردند و علیه

۱- بکسر: شهری است خوش نزدیک خلاط.

وی فتنه انگیز شدند. و دیگر بار آرامشان ساخت و فریبشان داد و جماعتی از سرانشان را دستگیر کرد و آنها را بزنجیر کشید و نزد متوکل فرستاد و سپس آنان را نزد خودش باز آوردند و آنقدر تازیانه بر ایشان زد که مردند و هر يك را بر درخانه‌اش بدار آویخت و رجال فتنه انگیز را تعقیب کرد و نابودشان ساخت.

متوکل احمد بن محمد را سرپرست خراج دمشق و اردن قرار داد، چه منشیان دیوانها که از وی بیمناک بودند علیه او حیل‌های بکار بردند و گفتند که آن ناحیه احتیاج بتعدیل دارد و کار تعدیل هم جز از کسی که متصدی دیوان خراج باشد راست نیاید، پس در سال ۲۴۰ برای تعدیل دمشق و اردن رهسپار شد و بر هر زمینی هر چه درخور آن بود بار کرد.

هارون بن ابی‌خالد عامل سند در سال ۲۴۰ در گذشت و عمر بن عبدالعزیز سامی منسوب به سامه بن لوی که آنجا کلان‌محل بود کتباً گزارش داد که اگر والی آن بلاد شود از عهده اداره کردن و نگهداری آن برخواهد آمد، متوکل پیشنهاد وی را پذیرفت و او در طول دوران متوکل بر سر کار بود.

پادشاه روم فرستادگانی و هدیه‌هایی ناچیز تقدیم داشت، پس متوکل چند برابر آن را برای وی فرستاد و شنیف خادم را که مورد اعتماد خلیفه بود گسیل داشت و ریاست باز خرید (اسیران) را بوی داد و او در سال ۲۴۱ وارد طرسوس شد و عامل مرزها احمد بن یحیی ارمنی بود و بسوی پل لاس رهسپار شد و اسیران را سر بهاداد<sup>۲</sup> و از هر شهری اسیران روم را حمل کرده و بردگان نصرانی را

۱- التنبیه والاشراف ص ۱۶۲، جعفر بن عبدالواحد هاشمی قرشی قاضی و علی بن یحیی ارمنی فرماندار مرزهای شامی در آن جریان حاضر بودند. ۲- طبری، روز ۱۲ شوال سال ۲۴۱، ۷۸۵ اسیر مسلمان که ۱۲۵ نفر آنان زن بودند باز خرید شدند التنبیه ص ۱۶۲، در این مرتبه در ۷ روز دوهزار و دویست مرد و بقولی دوهزار مرد و ۲۰۰ زن سر بهای آنان داده شد.



خریده بود<sup>۱</sup>.

متوکل کاخهایی بنا کرد که اموالی هنگفت هزینه آنها نمود، از جمله: شاه، و عروس<sup>۱</sup> و شبداز<sup>۲</sup> و بدیع و غریب، و برج که یکمیلیون و هفتصد هزار دینار هزینه آن ساخت. و فرود آمدن ستارگان در شب پنجشنبه غره جمادی الآخره سال ۲۴۱ بود و پیوسته از اول شب تا طلوع فجر ستاره فرو می افتاد، و در سال ۲۴۲ در قومن و نیشابور و توابع آن زلزله‌ها روی داد که در قومن خلقی بسیار بمرندند و روز شنبه یازده شب مانده از شعبان (زمین) لرزه‌ای بآنها رسید که در اثر آن دو بیست هزار نفر مردند و پس از آن شهرهایی در خراسان بزمین فرو رفت و در همین ماه مردم فارس را شعاعی رسید که از ناحیه قلزم برآمد، و ابروی آبی که راه نفس بر مردم گرفت و مردم و چارپایان تلف شدند و درختان بسوخت و مردم مصر بزمین لرزه‌ای همه‌جایی گرفتار شدند که ستونهای مسجد بلرزد و خانه‌ها و مسجدها ویران گشت و آن در ذی الحجه همان سال روی داد.

متوکل تصمیم گرفت که رهسپار دمشق گردد چه گرم مزاج بود و سردی هوای آن را برای وی توصیف کردند، پس به محمد بن احمد بن مدبر نوشت و دستورش داد که قصرها بسازد و خانه‌ها آماده سازد و نوشت تا راه را اصلاح کنند و منازل و مراحل را برای پذیرایی آماده سازند و آنگاه روز دوشنبه ده روز مانده از ذی القعدة سال ۲۴۳ از سامره رهسپار شد و روز چهارشنبه هشت روز مانده از صفر سال ۲۴۴ در دمشق فرود آمد و در آن کاخها منزل کرد و سی و هشت روز اقامت گزید و از بعضی غلامان ترك چیزی شنید که آن را خوش نداشت، پس از دمشق رهسپار عراق شد و در (دوران) حکومت خود غیر از این سفر مسافرتی نکرد مگر برای شکار و گردش، و در این سفر خود هم رأیی نداد و بکار احدی

۱- ر.ك. التنبیه والاشراف ص ۱۶۰-۱۶۶.

۲- مراصد: متوکل ۵۰ میلیون درهم صرف بنای آن کرد.

۳- مراصد: شبدیز هم گفته می شود.

توجه نکرد و تمام شامات دوچار زلزله شد چنانکه لازقیه و جبله از میان رفت و جهانی از مردم مردند و کار با آنجا کشید که مردم سر بیابان نهادند و از خانه‌های خود و هر چه در آن بود دست کشیدند و چندین ماه از سال ۲۴۵ زلزله ادامه داشت .

متوکل بجایی بنام ماحوزه<sup>۱</sup> در سه فرسخی کاخ سامره منتقل شد و آنجا شهری بنا کرد و آن را جعفریّه نامید و نهری از قاطول<sup>۲</sup> بدان جاری ساخت و منشیان و دیوانها و همه مردم را با آنجا نقل داد و در آن (شهر) قصری بنا کرد که مانند آن شنیده نشد و آن در محرم سال ۲۴۶ بود.

متوکل بر نجاح بن سلمه منشی که پس از عبیدالله بن یحیی از همه منشیانش بر او غالبتر بود، خشم گرفت چه او پیوسته اموال مردم را می ربود، پس او را به موسی بن عبدالملک بن هشام متصدی دیوان خراج و حسن بن مخلد ابن جراح سرپرست دیوان مزارع که دو میلیون دینار از وی ضمانت کرده بودند، تسلیم کرد و موسی بن عبدالملک چند روزی او را شکنجه کرد تا در دست او مرد و املاک و خانه‌ها و اموالش گرفته شد، و آن در ذی القعدة سال ۲۴۶ انجام یافت . متوکل بر پسرش محمد منتصر جفا کرده بود، پس او را علیه وی بر انگیختند و بفکر تاختن بر وی افتادند و چون روز سه شنبه سوم شوال ۲۴۷ رسید، جماعتی از ترکان از جمله ، بغای صغیر، و اوتامش ملازم منتصر ، و باغر ، و بغلوا، و یرند، و واجن، و سعلفه، و کنداش بر متوکل که در مجلسی خلوت کرده بود ، در آمدند و بر او تاختند و او را با شمشیرهای خود کشتند ، و فتح بن خاقان را نیز با وی بقتل رسانیدند. خلافت متوکل چهارده سال و نه ماه و نه روز، و سن او ۴۲ سال بود و در قصر خود که معروف به «جعفری» بود و آن را «ماحوزه» نامید

۱- معجم البلدان ، ماحوزه . کامل التواریخ ، ماحوره . ۲ - قاطول کطاوس ، موضعی

است بردجله .

بخاک سپرده شد .

چیره بر متوکل ، فتح بن خاقان بود و عبیدالله بن یحیی منشی ، و رئیس پلیس وی اسحاق بن ابراهیم و پس از او محمد بن اسحاق و بعد از وی محمد بن عبدالله بن طاهر ، و فرمانده نگهبانانش اسحاق بن یحیی بن معاذ و پس از وی رجاء ابن ایوب و سپس سلیمان بن یحیی بن معاذ ، و حاجبانش وصیف و بغا .

## ایام محمد منتصر<sup>۱</sup>

بیعت محمد منتصر پسر جعفر متوکل که مادرش کنیزی رومی بنام « حبشیه » بود، در همان شبی که پدرش در آن کشته شد یعنی شب چهارشنبه چهارم شوال سال ۲۴۷ بانجام رسید، و خورشید در آن روز در ۱۵ درجه و ۵۲ دقیقه عقرب بود، و قمر در ۲۶ درجه و ۴ دقیقه میزان؛ و زحل در ۲۱ درجه و ۲۰ دقیقه سنبله، و مشتری در ۲ درجه و ۳۵ دقیقه ثور، و مریخ در ۲۵ درجه و ۲ دقیقه قوس، و زهره در ۲ درجه و ۲۵ دقیقه عقرب، و عطارد در ۳ درجه و ۲۲ دقیقه عقرب. منتصر دو برادر خود ابو عبدالله معتز بالله و ابراهیم مؤید را احضار کرد و از آندو و همه مردمی که حاضر بودند بیعت گرفت و سواره رهسپار دارالعامه<sup>۲</sup> شد و جیره ده ماه سپاهیان را پرداخت کرد و از «جعفری» به سامره منتقل شد و دستور ویران ساختن آن کاخها را صادر نمود و مردم را از آنجا منتقل ساخت و آن شهر را خالی گذاشت تا ویران شد و مردم بخانه‌های خود در سامره بازگشتند و برادران خود معتز و مؤید را خلع کرد و بر آندو بخلع خویشتن گواه گرفت و احمد بن محمد بن مدبر را از شامات به مصر انتقال داد و مشاغل (دولتی) شامات را بر جماعتی تفریق کرد. چیره بروی او تماش بود و احمد بن خصیب، و شش ماه خلافت کرد و روز شنبه چهارم ماه ربیع الآخر سال ۲۴۸ در گذشت، و سن وی بیست و پنج سال و شش ماه بود.

۱ - ل، ص ۶۰۲. ۲ - کاخی که سلام عمومی در آن بانجام می‌رسید.

## ایام احمد مستعین<sup>۱</sup>

بیعت احمد بن محمد بن<sup>۲</sup> معتصم<sup>۳</sup> در همان روزی که منتصر در گذشت یعنی روز شنبه چهارم ماه ربیع الآخر انجام یافت، و خورشید در آن روز در ۱۵ درجه و ۱۱ دقیقه جوزا بود، و زحل در ۱۶ درجه و ۷ دقیقه سنبله، و مشتری در ۱۵ درجه و ۷ دقیقه جوزاء، و مشتری در ۱۵ درجه جوزا، و مریخ در ۳ درجه و ۲۷ دقیقه جوزا، و زهره در ۱۴ درجه و ۲۲ دقیقه سرطان، و عطارد در ۴ درجه و ۲۲ دقیقه سرطان.

مستعین را اهلیت خلافت نبود لیکن چون منتصر بدرود زندگی گفت ترکان از اولاد متوکل بیمناک شدند و از پایان کار ترسیدند، پس احمد بن خصیب ایشان را دستور داد تا با احمد بن محمد [بن] معتصم بیعت کنند و چنان کردند و بعضی فرماندهان از بیعت تن زدند و میان ترکان و ایرانیان خصومت‌هایی روی داد که سه روز با هم جنگیدند و سپس کار ایرانیان بزبونی کشید، و مستعین در میان مردم اموال بسیاری بخش کرد و کارهای وی روبراه شد و او تماش ترک و شجاع بن قاسم منشی او تماش و احمد بن خصیب چنان بر کار وی چیره شدند که با وجود ایشان احدی را اختیاری نماند، سپس ترکان بر احمد بن خصیب فشار آوردند و مستعین بروی خشم گرفت و او را [پس] از چهار ماه از حکومت خود بمغرب تبعید کرد

۱- ل، ص ۶۰۳. ۲- تاریخ الخلفاء، احمد بن معتصم بن رشید برادر متوکل. ۳- تاریخ الخلفاء: مادرش کنیزی بود بنام «مخارق».

و از راه دریا بجزیرهٔ افریطس<sup>۱</sup> و پس به قیروان فرستاده شد. اصحاب مستعین از هیچکس چنان بیمناک نبودند که از امیر خراسان، اما طاهر بن عبدالله بن طاهر در رجب سال ۲۴۸ در چهل و چهار سالگی در گذشت و ترس از دلشان رفت و بر آن شدند که محمد بن عبدالله را از عراق به خراسان بیرون فرستند و مستعین باو گفت [که] رهسپار خراسان گردد، پس گفت که بر ادرم پسرش را جانشین ساخته است و بیم دارم که با رفتن من کار خراسان تباه گردد. آنگاه مستعین به محمد بن طاهر بن عبدالله نوشت تا بجای پدرش والی خراسان باشد. ابوعمود خارجی در همین سال در دیار ربیعہ خروج کرد و مستعین بلا جور<sup>۲</sup> فرغانی را بر سر وی فرستاد تا با وی جنگید و او را گشت و جمعش را پراکنده ساخت.

و چون طاهروفات کرد و پسرش محمد که هنوز جوان بود بحکومت رسید جماعتی از خوارج و جز آنان در خراسان جنبش کردند و خارجیان چنان بسیار شدند که نزدیک بود بر سیستان مسلط شوند، پس یعقوب بن لیث معروف به «صفار» از دلبران و پهلوانان بدان (مهم) قیام کرد و از محمد بن طاهر دستوری خواست تا داوطلبان را فراهم سازد و بچنگ خوارج رود، محمد وی را در (انجام) آن اذن داد و رهسپار سیستان شد و خوارج آنجا را راند و سپس بسوی کرمان پیش رفت و چنان کرد تا آنکه شهرها را از آنان پاک گردانید و منزلتی بزرگ یافت، پس [مستعین] به محمد نوشت [که] او را والی کرمان کند و یعقوب در کرمان (بر سر کار) ماند و در (آن) بلاد اثری نیکو داشت.

مردی از لخم در اردن یاغی گشت و چون حاکم اردن وی را تعقیب نمود رهسپار مابلسق شد و کریخت و مردی از عمالش معروف به «قطامی» جای وی را

۱- بفتح اول، جزیره‌ای است در دریای روم. ۲- ن، منکجور.

گرفت و جمعیتش بسیار گردید و خراج را جمع آوری کرد و لشکرهایی را که حاکم فلسطین بر سر وی می‌فرستاد یکی پس از دیگری شکست داد و پیوسته وضعش همین بود تا آنکه مزاحم بن خاقان ترک با جمعی از ترکان و جزآنان رسید و جمعشان را پراکنده ساخت و آنها را از شهرها راند.

مردم حمص بر عامل خود کیدربن عبدالله اشروسی تاختند و او هم با جماعتی از سپاهیان بجنک ایشان بیرون آمد لیکن مردم آنان را شکست دادند و خودش به حماة گریخت و جماعتی از سپاهیان را کشتند و بدار زدند، پس مستعین عبدالرحمان بن حبیب ازدی را حکومت حمص داد و او هم رهسپار گردید و در چهارمنزلی حمص وفات کرد و آنگاه (مستعین) فضل بن قارن طبری را حکومت داد و بشهر آمد و مردم حمص با وی از در شنوایی و فرمائبری پیش آمدند و از رفتار زشت کیدر با خود شکوه کردند، پس چند روزی ماند و شهر آرام بود، سپس خبر یافت که می‌خواهند براو بتازند، پس جماعتی از ایشان را گرفت و آنان را گردن زد. مستعین عبیدالله بن یحیی را به مکه و سپس از آنجا به برفه تبعید کرد و آن در اول سال ۲۴۹ روی داد.

سپاهیان چند بار پشت سر هم در سامره شورش کردند و باهم جنگیدند و بر او تماش حمله بردند و گفتند که جیره‌های ما را گرفته و پایه‌های ما را از بین برده است و جماعتی از ترکان و غلامان بسوی کرخ رفتند، و او تماش بر سرایشان رفت تا آرامشان کند، پس او را و منشی او شجاع بن قاسم را کشتند و آن در ماه ربیع الآخر ۲۴۹ بود و خانه‌های آن دو با موافقت مستعین غارت گردید و باطراف نوشت تاوی را لعن کنند.

مستعین در سال ۲۴۹ جمفر خیاط را بغزوة تابستانی (روم) فرستاد و عمر بن عبدالله اقطع عامل ملطیه همراه وی بود، پس چون داخل بلاد روم شد، عمر از وی اذن خواست تا (در خاک روم) پیش رود و هشت هزار نفر سپاهی همراه

داشت، اما دشمنان را محاصره کرد و خود و همراهانش در رجب سال ۲۴۹ کشته شدند.

مستعین در همین سال علی بن یحیی ارمنی را والی ارمنستان که وضعیت بهم خورده بود ساخت و او رهسپار میافارقین شد و رومیان غارت بردند و در بلاد مسلمین پیش رفتند، پس جماعتی از مردم آن ناحیه نزد علی بن یحیی فراهم آمدند و در باره جنگ با رومیان با وی سخن گفتند و او را (بفرماندهی) برداشتند تا به همراه آنان بیرون رفت و با سپاه روم روبرو شد و نبردی سخت کرد و کشته شد و رومیان پیکر او را ربودند و چون آنان را غنماک ساخته بود، آن را گشایشی عظیم شمردند.

در همین سال مردم حمص بر فضل بن قارن طبری عامل خود تاختند و از طوائف کلب علیه اولشکر فراهم نمودند و در قصر خالد بن یزید بن معاویه که آن را از نو ساخته بود از (بیم) آنان متحصن گشت، پس او را محاصره کردند و کسی که همراه وی بود او را غافلگیر کرد و بدست دشمن داد، پس او را گرفتند و سر بریدند و بردروازه رستن<sup>۱</sup> بدارزدند و چون او را کشتند از عامل دمشق نوشری ابن طجیل ترکی بیمناک شدند و بسوی او پیش رفتند، پس لشکری از بابکیان و جز آنان بر سرایشان فرستاد و آنان را هزیمت کردند تا به حمص بازگشتند و مستعین موسی بن [بغای] کبیر را با شش هزار نفر از موالی بر سر حمص فرستاد و چون بآنجا رسید مردی که او را دابرا العفار می گفتند با گروهی بسیار از کلب و جز آنان بسوی وی بیرون آمده با وی جنگید و جنگ علیه مردم تمام شد و موسی بقهر و غلبه داخل حمص شد و سه روز آن را (بر لشکریان خود) مباح گردانید تا دست بغارت بردند و بخانه های شهر آتش انداخته شد و اموال تجار بغارت رفت و یاغی حمص

۱- بروزن جعفر، شهری است میان حماة و حمص، از آن شهر است عیسی بن سلیم رستنی.



غطف بن نعمه کلبی بود .

در معره نیز یوسف بن ابراهیم تنوخی معروف به «قصیص» یاغی گشت و جمعیت‌هایی از تنوخ فراهم ساخت و به شهر قنسرین رفت و آنجا متحصن گشت و همانجا بود تا محمد مولد مولای امیرالمؤمنین رسید و از وی دلجویی نمود و غطف بن نعمه را نیز دلجویی کرد تا نزد وی رفت و سپس بر غطف بن نعمه تاخت و او را کشت و قصیص گریخت و رهسپار «جبل الأسود» شد و قبیله‌های کلب علیه مولد در ناحیه حمص فراهم آمدند ، پس مولد بر سر ایشان تاخت و با آنان نبرد کرد و علیه ایشان تمام شد ، سپس بر او تاختند و او را هزیمت دادند و گروهی بسیار از یاران وی را کشتند و شکست خورده به حلب بازگشت و قصیص به قنسرین باز آمد و میان او و کلبیان جنگی روی داد و مولد عزل شد و ابوالساج اسروشنی والی گشت و به قصیص (نامه) نوشت و او را امان داد و راه و نکهبانی (رهگذران) را بوی سپرد و سپس او را بر لاذقیه و ناحیه آن والی کردانید .

یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام در سامره بود و برای کاری نزد بعضی حکمرانان رفت و او با یحیی برخوردی کرد که وی را خوش نیامد، پس به کوفه رفت و مردم بروی گرد آمدند و در کوفه شورش کرد و در زندان را گشود و هر که را در آن بود آزاد کرد و عامل کوفه را بیرون راند و کارش نیرو گرفت و پیروانش بسیار شدند، پس مستعین مردی از ترکها را فرستاد که باو کلکاتکین گفته می‌شد و محمد بن عبدالله بن طاهر نیز حسین بن اسماعیل خویشاوند خود را گسیل داشت و یحیی بن عمر با گروهی انبوه و جماعتی بسیار پیش تاخت و درجایی میان کوفه و بغداد که آن را «شاهی» می‌گفتند ، سیزده روز مانده از رجب سال ۲۴۹ بر خورد نمودند و نبردی سخت کردند و سپس یاران یحیی ویرا گذاشته هزیمت شدند و خودش در معره که

کشته شد و سرش را نزد محمد بن عبدالله بن طاهر برده پیش روی او در سپری نهادند و مردم برای تهنیت وی در آمدند ، پس مردی از بنی هاشم باو گفت : تو را بچیزی تهنیت می گویند که اگر پیامبر زنده بود، بدان تعزیت داده می شد<sup>۱</sup> . در همین سال (۲۴۹) سپاه فارس بریاست علی بن حسین بن قریش بخاری بر عامل خود حسین بن خالد تاختند و بروی فتنه انگیزتند و بر مالی که حمل شده بود حمله بردند و جیره های خود را از آن برداشتند و فارس ضمیمه ( قلمرو حکومت) محمد بن عبدالله بن طاهر بود ، پس چون (از پیشامد) خبر یافت عبدالله بن اسحاق را امارت داد و او با ساز و برگ و سپاه رهسپار فارس گردید و چون وارد فارس شد سپاهیان بفرمان وی آمدند و منظورش ابن قریش بود ، لذا ، او را شکنجه داد و سپس از وی خشنود گشت و جنگ با قومی از خوارج را در ناحیه فرس و روزان که حد میان فارس و کرمان است ، در عهده وی نهاد ، پس ابن قریش بناحیه اصطخر رفت و با سپاه مکاتبه کرد و با آنان اعلام کرد که می خواهد بر عبدالله بن اسحاق بتازد، و در اثر آنکه عبدالله با ایشان بد رفتاری کرده و جیره های آنان را نداده بود ، بیاری وی برخاستند و علی بن حسین باز گشت و بر عبدالله حمله برد و او را از خانه اش بیرون کرد و اموال و اثاثش را غارت نمود و علی بن حسین را بر خود امارت دادند و عبدالله به بغداد باز گشت و محمد بن عبدالله بن نصر بن حمزه خزاعی فرستاده شد و چون از راه رسید با علی بن حسین طرح دوستی افکند و چون کاری از پیش نبرد رمیده از وی در ناحیه ای از بلوک فارس اقامت گزید .

اسماعیل بن یوسف طالبی<sup>۲</sup> بجهت پیشامدی که میان او و والی مدینه روی داده و در وقفی که داشت والی بروی ستم کرده بود ، یاغی گشت و دسته ای از

۱- ر.ک. مقاتل الطالبیین . ۲- طبری ، اسماعیل بن یوسف بن ابراهیم بن عبدالله بن حسن بن حسین بن علی بن ابی طالب .

اعراب را فراهم ساخت و سپس بناحیهٔ روحاء روی نهاد و مالی از دولت را که از بعضی جاها حمل شده بود گرفت، سپس به مکه رفت و با جعفر بن فضل معروف به «بشاشات» عامل مکه نبرد کرد و او را شکست داد و به مکه در آمد و سه روز اقامت گزید، سپس [به] مزدلفه رفت و بامدادان به منا رسید در حالیکه مردم گریخته بودند و همراهان ابن یعقوب به مکه در آمدند و اهل مکه چنان پنداشتند که ایشان یاران اسماعیل اند و باشمشیرها بروی ایشان ایستادند و از ایشان کشتاری عظیم کردند و اسماعیل به مکه روی نهاد و اهل مکه او را از ورود بشهر مانع شدند، پس یارانش شمشیر در میان آنان نهادند تا به مکه در آمد و طواف کرد و سعی نمود و برگشت و طواف کرد و سپس به منارفت، و در مکه مردی بود که او را محمد بن حاتم می گفتند و عامل هزینه های مصانع بود، پس به یعقوب گفت: آنچه طلا و نقره برد و در بند و آستانهٔ خانه است، تمام را بکن و بمردم بده و با اسماعیل جنگ کن، پس آن طلاها را کند و اسماعیل روزهای منا را در منا ماند و سپس باز گشت. [....] و در سال ۲۵۲ نرخها در بغداد و سامره چنان گران شد که قفیزی صد درهم رسید و جنگ ادامه یافت و راه ورود خوار و بار بسته شد و قحطی پدید آمد و نمایندگان میان آنان<sup>۲</sup> رفت و آمد کردند، پس مستعین خواستار صلح شد که خود را خلع کند و امر (خلافت) را به معتز واگذارد و خود بشهری برود و آنجا اقامت گزیند و خود و فرزندان در امان باشند مشروط بآنکه مالی معین و املاکی که زندگی وی را کفایت کند باو داده شود، پیشنهاد مستعین پذیرفته شد و خود را خلع کرد و محمد بن عبدالله بیعت نمود و مستعین کتاب خلع را علیه خود نوشت و بر آن گواه گرفت و با مادر و فرزندان و دیگر بستگانش بواسطه رفت تا آنجا را اقامتگاه خویش قرار دهد.

۱ - طبری، جعفر بن فضل بن عیسی بن موسی . ۲ - میان مستعین و معتز.

## ایام معتز بالله<sup>۱</sup>

بیعت با ابو عبدالله المعتز بالله بن متوکل که مادرش کنیزی بود بنام «قبیحه» روز پنجشنبه هفتم محرم سال ۲۵۲ در سامره بانجام رسید و بهمه عمال نوشت و ولیعهدی ابراهیم مؤید را یادآور شد و آنان را امر کرد تا پس از وی برای او دعا کنند و عمال شهرها با خبر یافتن از بیعت محمد بن عبدالله بن طاهر و هر که در بغداد است، برای معتز بیعت نمودند بجز ابن مجاهد امیر شمشاط، و عیسی بن شیخ در فلسطین، و یزید بن عبدالله در مصر، و عمران بن مهران در اصفهان، که اینان توقف کردند، پس معتز حاتم بن زریک را به شمشاط فرستاد تا بر ابن مجاهد و اهل شمشاط حمله برد و او و جماعتی از سران آنجا را دستگیر کرده به آمد آورد و آنان را گردن زد، و نوشری بن طاجیل ترک عامل دمشق بر سر عیسی بن شیخ رفت، و نیز عامل فلسطین عیسی بسوی وی پیش آمد و در اردن برخورد کردند و میان آن دو جنگهایی سخت روی داد که پسر نوشری کشته شد و سپاهیان از دور عیسی بهزیمت رفتند و او را تنها گذاشتند و خودش [به] فلسطین گریخت و هر چه توانست از آنجا حمل کرد در هسپار مصر گردید و نوشری به رمله در آمد.

معتز مردی از ترکان را برای انجام بیعت به مصر فرستاد و عامل مصر یزید بن عبدالله چند روزی او را در عریش نگه داشت و سپس باو اذن ورود داد و خود و هر که نزد وی بود و عیسی بن شیخ برای معتز بیعت کردند.

چون خبر عیسی بن شیخ و پیشامدی که میان او و نوشری بوده است به معتز رسید، مردی از ترکان بنام محمد بن مولد را به فلسطین فرستاد و چون محمد بن مولد به حمص آمد غطیف کلبی را که بر آنجا تسلط یافته بود، باطاعت دعوت نمود و او را امان داد و او هم پیشنهاد وی را پذیرفت؛ اما چون تسلیم شد گردن او را زد، پس (قبیلۀ) کلب از هرسو بر او تاختند و هزیمتش کردند و محمد بن مولد به فلسطین آمد و چون وارد شد نوشری از آنجا بازگشت و عیسی بن شیخ آماده از مصر رهسپار شد و چون به فلسطین رسید در قصری که آن را میان رمله ولد ساخته بود فرود آمد و [ابن] مولد در وی فرصتی نیافت و هر یک از آندو از دیگری بیم داشتند و سپس هر دو به عراق بازگشتند.

مزا حم بن خاقان را به مملطیه فرستاد که رومیان چندین بار بر آن تاخته بودند. مردی از کنانه بنام جابر معروف به «ابو حرملة» در مصر یاغی گشت [...] پس او را بناحیه سفلاهی مصر فرستاد و خود بجای وی ایستاد، پس جمعیتش انبوه گشت و خراج را جمع آوری کرد.

صفوان عقیلی چنانکه یاد آور شدیم، در دوران مستعین در دیار مضر یاغی شده و برای معتز دعوت کرده و با محمد بن داود معروف به «ابن الصغیر» جنگیده بود، پس چون اتفاق کلمه پیش آمد و عمالی که در افاقه بودند بیعت کردند، محمد ابن اشعث خزاعی عامل برید در دیار مضر، به معتز گزارشی نوشت که صفوان روشی ناپسند دارد و در مقام نافرمانی است، پس سیمای صعلوک را بر سر وی فرستاد تا او را بدر بار معتز ببرد و در همان وقت دومرد، یکی از اولاد ابولهب و دیگری اموی در حران جنبش کرده و هر کدام بخویشتن دعوت می نمودند و سیمادر آغاز بکار آندو پرداخت تا ایشان را دستگیر کرد و سپس به افاقه رفت و (دید که) صفوان عقیلی بر محمد بن اشعث خزاعی تاخته و او را کشته است، آنگاه سیما با ابن عبدوس روبرو شد و میان آندو جنگهایی روی داد، سپس ابن عبدوس پیشنهاد صلح داد بدان

شرط که بر شهر خود امارت یا بدو نهمصد هزار درهم بوی داده شود.  
 موسی بن بغا، درهمدان اقامت گزید و جانشینی از خود را بناحیه کوکبی بن  
 ارقط فرستاد و میان آندو نبردهایی روی داد، و موسی (خودش) بر سر عمران بن  
 مهران، یاغی مسلط بر اصفهان رفت و با وی جنگید، سپس منصرف شد و در شهر  
 جانشین گذاشت و به همدان باز گشت.

محمد بن عبدالله بن طاهر در ذی القعدة سال ۲۵۳ در بغداد وفات کرد و معتز  
 برای عییدالله بن عبدالله بن طاهر فرمان حکومت او را بر (اداره) پلیس و دیگر کارها که  
 در عهده برادرش بود، نوشت و سن محمد در روزی که مرد چهل و چهار سال بود. سپس  
 طاهر بن محمد بن عبدالله بن طاهر امیر خراسان که از بهم خوردن اوضاع و چیره  
 شدن و صیف و بغا و دیگر ترکان بر امر خلافت خبر یافته بود، عموی خود سلیمان بن  
 عبدالله را کسبل داشت و گفته می شود که معتز بوی چنان نوشت، پس سلیمان با  
 جماعتی بسیار از سپاه خراسان به بغداد رفت و سپس به سامره داخل شد و مردم شك نداشتند  
 که بزودی غلبه خواهد یافت، پس (معتز) [ویرا] خلعت پوشانید و وصیف و بغا  
 تدبیری کردند که وی را (از سامره) دور سازند پس مأمور شد که بسوی بغداد باز  
 گردد و روز سه شنبه چهارده شب مانده از ماه ربیع الآخر سال ۲۵۴ وارد بغداد شد.  
 بغا عیسی بن شیخ را برای جنگ رهسپار سپاه فلسطین ساخت و ترکان در  
 کمین وی شدند تا او را بجای ابن نوشری که وی را در اردن کشته بود، بکشند،  
 پس روز باران باری پوشیده در میان اسب سوارانی که پیاده ای همراه نداشتند  
 بیرون رفت تا از دست ایشان رهید و به فلسطین رسید و آنجا اموالی یافت که از  
 مصر حمل شده بود و آنها را ضبط کرد و بخشهایی با عراب داد و گروهی از ربیعه را  
 نزد خویش فراهم ساخت و از (قبیله) کلب زن گرفت و در بیرون شهر رمله دژی ساخت  
 که آن را «حسامی» نامید.

و چون در سال ۲۵۳ فتنه و آشوب بسیار شد رسیدن اموال شهرها بتأخیر

افتاد و آنچه در بیت‌المالها بود بمصرف رسید و ترکان در کرخ سامره شوریدند و چون وصیف برای آرام کردن ایشان بر سرایشان رفت، بطرف او (نیر) اندازی کردند و او را کشتند و سرش را بریدند و تدبیر کار تنها بدست بغا افتاد، سپس صالح بن وصیف جنبش کرد و یاران پدرش گرد وی فراهم شدند و جای او را گرفت و کار معتز چنان بنا توانی کشید که دیگر او را امر و نهی نبود و اطراف (کشور) بهم خورد و در دیار ربیعہ مردی از خارجیان که او را مساور بن عبدالحمید می گفتند و معروف به «ابوصالح» و از بنی شیبان بود، خروج کرد و سپس به موصل رفت و عامل آنجا را بیرون راند و رهسپار شد تا نزدیک سامره رسید و در محمدیه (سه فرسخ بقصرهای خلیفه) فرود آمد و داخل قصر شد و روی فرش نشست و بحمام رفت و معتز پشت سرهم فرماندهی و سپاهی بر سر وی می فرستاد و او شکستشان می داد تا آنکه جمعیتش انبوه گشت و سخت نیرومند شد.

مزا احمد بن خاقان در پنجم محرم سال ۲۵۴ وفات کرد و پسرش احمد جای وی را گرفت، اما چند روزی بیش نماند که سخت بیمار شد و در گذشت و امارتش سه ماه بود و در ماه ربیع الآخر وفات کرد و ارخوز بن اولغ طرخان<sup>۱</sup> ترک، فرمانروای مصر گردید.

### وفات امام علی هادی علیه السلام<sup>۲</sup>

علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن [علی بن] حسین بن علی ابن ابی طالب علیه السلام روز چهارشنبه سه روز مانده از جمادی الآخره سال ۲۵۴ در سامره وفات کرد و معتز برادر خود احمد بن متوکل را فرستاد تا در کوی معروف به «شارع ابواحمد» بروی نماز گزارد و چون مردم بسیار شدند و فراهم گشتند،

۱ - النجوم ج ۲ ص ۳۴۱، ارخوز. معجم الانساب ص ۴۲، یرکوج (اوارجوز اوارغوز) بن اولغ

طرخان الترمکی. ۲ - ل ص ۶۱۴.

گریه و شیونشان بسیار شد، پس نعش (امام) را بخانه‌اش باز گرداندند و در همانجا دفن شد، سن آنحضرت چهل سال بود و دوپسر بجای گذاشت: حسن و جعفر.

معتز با بغا بی‌مهری گرفت و صالح و بابکباک را برگزید و مشاغل (اداره) کمکها را در مصر در عهده وی قرارداد و بابکباک از طرف خود احمد بن طولون را سرپرست آنها ساخت و احمد بن طولون در ماه رمضان سال ۲۵۴ وارد فسطاط شد و معتز خبر یافت که بغا تصمیم دارد بروی بتازد پس ب فکر کشتن وی افتاد و چون بغا از تدبیر معتز خبر یافت بناحیه موصل گریخت و چنان تصویری کرد که بیشتر ترکان و جز آنان بوی خواهند پیوست لیکن احدی باو نپیوست و در کشتی کوچکی بازمی‌گشت که مأمورین پادگان او را گرفتند و چون خبر وی به معتز نوشته شد دستور داد که او را گردن زنند، پس در سال ۲۵۴ گردن وی زده شد و خانه‌اش بغارت رفت و پسرش فارس بمغرب تبعید گردید و چون معتز از شورش ترکان ترسید، هر که را از هاشمیان از خلیفه زادگان و جز آنان در سامره بود، به بغداد فرستاد تا ترکان کسی از ایشان را نربایند.

احمد بن طولون و احمد بن مدبر که عامل خراج مصر بود باهم در افتادند و شقیر خادم معروف به «ابوصحبه» سرپرست (اداره) برید و املاکی از املاک نواحی و آنچه فرش و لباس برای خلیفه ساخته می‌شد، که دیقی شقیری منسوب باو است، میان آن دورا بهم زد و هر یک از آندو درباره دیگری گزارشی نوشت. پس بابکباک که بر کار خلیفه چیره بود بکمک حسن بن مخلد بن جراح و ابو نوح عیسی بن ابراهیم بن نوح، احمد بن طولون را یاری کردند و (خلیفه) فرمان عزل ابن مدبر و بر سر کار آمدن مردی از اهل مصر بنام محمد بن هلال را نوشت و محمد امر خراج را بدست گرفت و ابن طولون، ابن مدبر را دستگیر کرد و در بند نمود و جبه پشمی بروی پوشانید و در آفتاب نگهش داشت و سه ماه بر این حال ماند.

چون کار یعقوب بن لیث صفار بالا گرفت رهسپار فارس شد و علی بن حسین بن



قریش را که بر آنجا مسلط بود شکست داد و لشکرش را هزیمت کرد و خودش را اسیر گرفت و بر فارس تسلط یافت .

صالح بن وصیف ترك بر احمد بن اسرائیل منشی وزیر معتز و بر حسن بن مخلد سرپرست دیوان ضیاع و بر عیسی بن ابراهیم بن نوح [و علی بن نوح] تاخت و بزندان نشان افکند و اموال و املاکشان را گرفت و بانواع شکنجه‌ها شکنجه‌شان کرد و بر کار مسلط شد و معتز تصمیم گرفت ترکان را فراهم سازد، سپس (صالح) بروی درآمد و او را از جایش دور ساخت و در اطاقی توقیف شد و خلعتنامه خود (از خلافت) را از وی گرفتند و پس از دو روز در سه‌شنبه سه روز مانده از رجب سال ۲۵۵ در گذشت و مهدی بروی نماز گزارد و حکومتش از روزی که بیعت وی بانجام رسید، تاروی که خود را خلع کرد چهار سال و نه ماه، و از روزی که مستعین خلع شد و هر که در بغداد بود با وی بیعت نمود، سه سال و هفت ماه، و سنش بیست و دو سال بود، و سه پسر بجای گذاشت: عبدالله، محمد و مهدی .

## ایام محمد مہندی پسر ہارون و ائق با اللہ

فرماندہان اتفاق کردند کہ در اولاد خلفا از محمد بن وائق کہ مادرش کنیزی بود کہ او را «قرب»<sup>۲</sup> می گفتند، کسی برتر و خردمندتر نیست و از کسانی بود کہ در ایام معتز بہ بغداد فرستادہ شدہ بودند، پس وی را فرا خواندند و چون رسید با اویعت کردند و بروی اتفاق کلمہ حاصل شد و بیعت با اوروز سہ شنبہ سہ روز ماندہ از رجب سال ۲۵۵ بانجام رسید و روز پنجمشہ پس از آنکہ بیعت وی انجام شدہ بود، برای مردم جلوس کرد و در نامہ ہا از خلع معتز خویش را یاد آوری کرد و او را «خلع کنندہ خویش» نامید، و از مہندی رفتاری نیک و روشہایی ستودہ بظہور رسید و خود برای دادرسی نشست و شخصاً بکارها رسیدگی کرد و شکایات و گزارشها را بخط خود توشیح نمود و (آلات) لہو و لعب را از میان برد و دانشمندان را مقدم داشت و چنان بود کہ یک روز جامہ ای می پوشید و روزہای بسیاری همان را در برداشت و عوضش نمی کرد و صالح و بابکباک بر کار او چیرہ بودند و صالح احمد بن اسرائیل و عیسی بن ابراہیم بن نوح را از زندان بہ «باب العامہ» آورد و آنقدر بآنها زدند کہ ہر دو شان مردند، و حسن بن مخلد کریخت و احمد بن مدبر دیگر بار بر خراج مصر گماشتہ شد و پس از نو در روز نامہ بابکباک بہ احمد بن طولون رسید کہ ابن مدبر را از کار بر کنار کند و همچنان محمد بن ہلال را بر سر کار آورد و احمد چنان کرد. اہل حمص بر محمد بن اسرائیل شوریدند و او گریزان بیرون رفت و ابن

عگار در تعقیب وی رسید و میان آندو جنگی روی داد کہ ابن عگار در آن کشتہ شد و ابن اسرائیل بفرمانروایی شہر باز گشت.

مہندی قبیلہ مادر معتز و ابو احمد و اسماعیل پسران متوکل و عبد اللہ بن معتز را بہ مکہ تبعید کرد و سپس بہ عراق باز آورده شدند، و بہمہ شورشیان و یاغیان امان نامہ نوشت و بہ عیسی بن شیخ ربعی نیز چنان نوشت و اورا دستور داد تا ہر چہ را از اموال مصر و جز آن نزد وی است حمل کند و چون عیسی امتناع ورزید، بہ ابن طولون نوشت تا بر سر وی رود و اوہم رہسپار شد و چون بہ عریش آمد نامہ ای بوی رسید کہ باز گردد، پس باز گشت و جنگی روی نداد و ابن شیخ با اما جور ترك عامل دمشق رو برو شد و اما جور اورا ہزیمت کرد و پسرش منصور را کشت و ابن شیخ بر کشت و خانوادہ خود را بہ صورت برد و آنجا متحصن کشت.

مردی از طالبیان از اولاد عمر بن علی کہ اورا ابراہیم بن محمد می گفتند و معروف بہ «صوفی» بود در ناحیہ صعید مصر یاغی شد، و نیز در ہمان ناحیہ مردی کہ می گفت عبد اللہ بن عبد الحمید بن عبد اللہ بن عبد العزیز بن عبد اللہ بن عمر بن خطاب است، یاغی کشت و با دولت جنگید، و امر یاغی بصرہ قوت گرفت و رہسپار ابلہ شد و آن را ویران ساخت. و میان اہل بصرہ عصبیت روی داد تا آنجا کہ بعضشان خانہ بعضی را آتش زدند.

مہندی از ترکان رمید و تصمیم گرفت ایرانیان را پیش دارد و چون ترکان از آن خبر یافتند از وی بیمناک شدند و بد گویی وی را آشکار ساختند، پس جماعتی از آنان از جملہ بابکباک رئیسشان را احضار کرد و کردن زد و آنگاہ ترکان فراہم شدند و فتنہ انگیز شدند و مہندی سلاح پوشیدہ در حالی کہ قرآن بگردنش آویختہ بود بچنگک ایشان بیرون آمد و تودہ (مردم) را بسیج داد و جان و مال ترکان و غارت خانہ ہاشان را بر مردم مباح کردانید، پس ترکان بر وی چیرہ شدند و تودہ از (پیرامون) وی پراکنده گشتند چنانکہ تنها باقی ماند و چندین زخم برداشت و

راه بازگشت را در پیش گرفت تا بخانه مردی از فرماندهان که او را احمد بن جمیل میگفتند در آمد و در تعقیب وی رسیدند و او را گرفتند و بر اسبهای خودش سوار کردند و از زخمهای وی خون جاری بود، آنگاه از وی خواستند که خود را خلع کند و امتناع ورزید و پس از دو روز مرد و مرگش روز سه شنبه چهارده شب مانده از رجب سال ۲۵۶ روی داد، و خلافتش یازده روز کمتر از یکسال بود.

## ایام احمد معتمد علی الله<sup>۱</sup>

بیعت با احمد معتمد علی الله پسر جعفر متوکل<sup>۲</sup> در روز سه‌شنبه چهارده شب مانده از رجب سال ۲۵۶ در همان روزی که مهتدی کشته شد، و از ماههای عجم در حزیران بانجام رسید، و خورشید آن روز در ۲۷ درجه و ۱۸ دقیقه اسد بود، و قمر در ۸ درجه و ۲۲ دقیقه دلو، و زحل در ۲۵ درجه و ۳۰ دقیقه قوس در حال رجوع، و مریخ در ۳ درجه و ۴۰ دقیقه اسد، و زهره در ۱ درجه و ۴۴ دقیقه اسد، و عطارد در ۹ درجه و ۳۳ دقیقه جوزا.

معتمد، عبیدالله بن یحیی بن خاقان را وزیر (خویش) گردانید و کارهای خود را در عهده وی نهاد و فرمان بیعت را با طرف نوشت، پس در خراسان محمد بن طاهر ابن عبدالله بن طاهر، و در بلوک فرات مالک بن طوق تغلبی، و در دیار مضر و دیار ربیع و استان قنسیرین ابوالساج بن دیو داد اسروشنی<sup>۳</sup>، و در مصر احمد بن طولون ترک بیعت کردند، و در فلسطین عیسی بن شیخ بن شلیل ربعی<sup>۴</sup> از بیعت امتناع ورزید، پس مردی از ترکان را که باو اماجور گفته می‌شد با هفتصد نفر ترک (بر سر وی) فرستاد و اماجور به دمشق آمد و عیسی بن شیخ از فلسطین بسوی او پیش تاخت تا در دروازه دمشق فرود آمد و آن را محاصره کرد و چون کار محاصره دمشق بسختی کشید اما جورو یارانش از شهر بیرون آمدند و پسری از عیسی بن شیخ بنام منصور و

۱ - ج ۱، ص ۶۱۹. ۲ - تاریخ الحلفاء، مادرش کنیزی بود رومی بنام، فتیان.

۳ - فتوح البلدان، دیو داد بن دیو دست. ۴ - فتوح البلدان، شلیل شیبانی.

جانشینی [از وی] بنام ظفر بن یمان معروف به «ابوالصهبا» در تعقیب وی رفتند پس اماجور و یارانش بر آندو حمله بردند و منصور بن عیسی بن شیخ کشته شد و معروف به «ابوالصهبا» اسیر گردید و آنگاه کردن زده و بدار آویخته شد و عیسی بن شیخ به رمله باز گشت .

یاغی بصره که خود را به آل ابی طالب نسبت می داد و نامش علی بن محمد بود، بسوی ابله پیش رفت و آن را غارت کرد و ویران ساخت و بآتش سوزانید و سعید بن صالح بسوی او روی نهاد و در (کنار) نهر [ابو] الخصب<sup>۱</sup> با وی نبرد کرد .

نامه هایی از معتمد برای احمد بن طولون عامل مصر رسید که او را دستور میداد تا مشاغل خراج را که محمد بن هلال تصدی آن را داشت دیگر بار به احمد بن محمد بن مدبر که در دست وی زندانی بود بسپرد، و احمد روز شنبه هفت شب مانده از ذی القعدة سال ۲۵۶ پس از آنکه نه ماه و بیست و پنج روز زندانی بود آزاد شد و متصدی خراج گردید .

در همین سال (۲۵۶) قومی از بنی هلال و قومی از اهل مکه در موقف عرفات بجان هم افتادند و جماعتی از اینان و گروهی از آنان کشته شدند و امیر موسم حسین بن اسماعیل طاهری بود، پس احمد بن اسماعیل بن یعقوب که «کعب البقر» لقب داشت حج را برای مردم بیای برد .

با بکباک ترک در گذشت و معتمد آنچه را از کارهای مصر و جز آن در عهده وی بود، به یار جوج<sup>۲</sup> ترک وا گذاشت و یار جوج ترک فرمانی برای احمد بن طولون ترک عامل مصر نوشت تا بر سر کار خویش بماند، و معتمد محمد بن هرثمة بن اعین را والی برقه ساخت و او در ماه ربیع الآخر سال ۲۵۷ وارد فسطاط شد و (از آنجا) رهسپار برقه شد. معتمد، حسین خادم معروف به «عرق الموت» را نزد عیسی بن شیخ که یاغی شده

۱- مراد اطلاع: ابوالخصیب غلام منصور و نام وی مرزوق بود، و نهر ابو الخصیب در بصره

است . ۲- طبری، یار جوج - کامل، یارکوج .

و بر فلسطین تسلط یافته بود فرستاد با پیشنهاد در امان بودن خود و دارایی و فرزندان و گذشت از آنچه کرده است و فرمان امارت ارمنستان، پس عیسی چنان کرد و در جمادی الآخره سال ۲۵۷ از فلسطین بیرون رفت و آنچه را بدست وی بود به ماجور ترك سپرد و از اموال درهمی هم پس نداد.

و در آسمان آتشی عظیم پدید آمد که از مشرق تا مغرب را گرفت و سپس بر طرف شد و در پی آن صدایی سخت و زمین لرزه ای روی داد و این پیشامد همراه با طلوع فجر هشت روز مانده از رجب و از ماههای محرم در حزیران بود. احمد بن طولون آنچه را در بیت المال مصر فراهم آمده بود بسوی امیر المؤمنین معتمد حمل کرد و مبلغ آن دو میلیون و صد هزار درهم بود و اسبها براه انداخت و طراز و جامه های کتان و شمع حمل نمود و شخصاً با آنها همراه بود تا آنها را سنجیده به اماجور ترك تسلیم کرد و بر وی گواه گرفت و به فسطاط بازگشت. معتمد فرمان حکومت اسکندریه را بجای اسحاق بن دینار بن عبدالله برای احمد بن طولون نوشت و احمد بن طولون در ماه رمضان سال ۲۵۷ به اسکندریه رفت. و احمد معتمد بالله، احمد بن مدبر را سرپرست خراج شامات قرار داد و او را از خراج مصر برداشت و احمد بن محمد شجاع معروف به «ابن اخت وزیر» را بر خراج مصر گماشت و او در ماه رمضان همین سال وارد فسطاط شد. و شقیق خادم معروف به «ابوصحبه» را از (سرپرستی) برید مصر برداشت و بجای وی احمد بن حسین اهوازی را نهاد و او در شوال همین سال وارد (مصر) شد. در همین سال احمد بن طولون مردی از ترکان را که باو «ماطمان» گفته می شد با هزار سوار همراه حاجیان مصر فرستاد و او را دستور داد که مسلح و مجهز به مدینه و مکه در آید و در عرفات نیز چنان کند و او چنان کرد و با علمها و طبها و مسلح به عرفات آمد.

و در همین سال (۲۵۷) مدعی به بصره در آمد و دست بغارت برد و مسجد جامع را آتش زد و مردی از ترکان که او را محمد مولد می گفتند بقصد وی پیش

تاخت اما مدعی با شنیدن این خبر بازگشت و محمد او را نیافت .  
 و در همین سال کار (یاغی) معروف به ابو عبدالرحمان عمری آغاز شد و برای  
 جنگ با یاران خلیفه سر بلند کرد و با شعبه بن حر کان ملازم احمد بن طولون  
 روبرو شد و در اسوان با وی جنگید .  
 و در همین سال دشمنی و نزاعی در فلسطین میان لخم و جذام روی داد و  
 جنگی کردند که هر دو گروه را صدمه زد .

و در همین سال فضل بن عباس بن حسن بن اسماعیل بن عباس بن محمد با مردم  
 حج گزارد، و احمد بن محمد بن مدبر در محرم سال ۲۵۸ بقصد شامات از فسطاط  
 بیرون آمد و کار شامات را انجام داد و آهنگ شهر دمیاط کرد و مشاغل خراج  
 را به عهده گرفت .

و در همین سال محمد مولد ترك داخل بصره شد و مدعی انتساب بآل ابيطالب  
 و یارانش را از بصره بیرون کرد و جماعتی بازگشتند لیکن خانه ای برای سکونت  
 نیافتند .

و در همین سال سپاه برقه بر محمد بن هرثمه بن اعین عامل معونه تاختند و  
 او را از برقه بیرون کردند .  
 فا .... رو بسوی فسطاط

و در همین سال احمد بن طولون طالبیان را از مصر به مدینه بیرون راند و  
 کسی همراهشان فرستاد تا آنان را برساند و بیرون رفتنشان در جمادی الآخره بود  
 و مردی از اولاد عباس بن علی تخلف ورزید و خواست بمغرب روی نهد که احمد  
 ابن طولون او را گرفت و صدو پنجاه تازیانه زد و او را در فسطاط گرداند .

و در همین سال در عراق و با افتاد و بسیاری از مردم مردند و مرد از خانه اش

۱ - علی بن محمد یاغی بصره که خود را بآل ابيطالب نسبت می داد .



بیرون می‌رفت و پیش از بازگشتن می‌مرد، و گفته می‌شود که در یک روز در بغداد دوازده هزار نفر مردند. و در همین سال ابویوب احمد بن محمد خواهرزاده وزیر، عامل خراج مصر بر مسجد جامع مصر در آخر مسجد افزود.

و در همین سال ابواحمد بن متوکل علی الله با سپاهی انبوه بسوی مدعی انتساب به آل ابي طالب که در بصره خروج کرده بود روی نهاد و لشکر وزاد و بر گه و اسلحه در میان کشتیها جای داشت، پس کشتیها آتش گرفت و سوخت و ابواحمد (ناچار) منصرف شده بازگشت.

و در این سال احمد بن طولون سپاهیان و مزدوران و مستمندان و غلامان و باقی مردم را گرفت تا با وی بیعت کنند که از همه مردم هر که را دشمن دارد دشمن بدانند و هر که را دوست دارد دوست بدانند و با هر که با وی بجنگد بجنگند.

و در این سال محمد بن علی بن یحیی ارمنی به جنگ روم رفت و شنیف خادم غلام متوکل برای سربها رسید و در نهر لاس فراهم آمدند و اسیران را باز خریدند (و مبادله کردند) و برای رومیان صلح چهار ماه را شرط کردند و آن در ماه رمضان سال ۲۵۸ بود.

و در همین سال یار جوج ترك در سامره کشته شد و برای احمد بن موفق بن متوکل با لقب معتضد به ولیعهدی بیعت شد و کارهای یار جوج از مصر و جز آن در عهد او قرار گرفت و بر منبرهای مصر برای وی دعا کردند.

فضل بن عباس با مردم حج گزارد و بادیه نشینان به زلزله‌ها و بادهای و تاریکی گرفتار آمدند [....] از کسانی که پیرامون مدینه بودند از بنی سلیم و بنی هلال و جز آنان از طوائف قیس و دیگر مردم شهر، پس به مدینه و مکه گریختند و به قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و کعبه پناه می‌بردند و قسمتی را از اثاث حاجیانی که راه را برایشان گرفته بودند حاضر کردند، و گفته‌اند که از ایشان

خلفی عظیم در بادیه بهلاکت رسیدند و آن در سال ۲۵۹ بود .  
و در این سال آب نیل مصر چنان دگرگون شد که به زردی مایل می شد  
و چند روز بدین حال ماند ، سپس به حال اولش باز گشت .  
و در همین سال ابو صحبه شقیر خادم و ابن مطهر صنعانی رئیس (اداره) برید  
مصر در گذشتند .

بحمدالله تعالی ساعت ۹ شب یکشنبه ۱۲ شهریور

ماه ۱۳۴۰ ، ۲۲ ربیع المولود ۱۳۸۱

ترجمه تاریخ یعقوبی بانجام رسید

تم الموجود من تاریخ ابن واضح الکاتب العباسی رحمه الله تعالی  
و غفا عنه و الحمد لله رب العالمین و کان الفراغ من تحصیل هذا الکتاب  
المبارک فی سرنهار الربوع فی سلخ شهر ربیع الآخر الذی هو من شهور  
سنة ۱۰۹۶ و ذلك برسم سیدی و مولای الاکرم النقی الثقی البر الوفی العالم  
العامل العلامة والخیرة من الشیعة الکرام غفر الله له و لوالديه و تقبل منه  
حسناته و تجاوز عن سیاتی و حشرنا و اباه فی زمرة نبینا محمد صلی الله  
علیه و آله وسلم و ذلك بخط الجانی المسیء الی مولاه کثیر الذنوب الراجی  
رحمة علام القیوب اقر عباد الله الیه و احوجهم الی غفره الغنی به عن سواه  
احمد بن حسین بن احمد بن علی النهدی الاثنی عشری غفر الله له و لوالديه و لمن دعا  
له بالمغفر و لجمیع المؤمنین و المؤمنات و صلی الله علی سیدنا محمد و  
علی آله و سلم تسلیما و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

## فهرستها

- ۱- فهرست اعلام اشخاص
- ۲- فهرست اعلام قبایل و طوایف و سلسله‌ها و خاندانها
- ۳- فهرست اعلام امکنه
- ۴- فهرست مآخذ حواشی و مقدمه

## فهرست اعلام اشخاص

ابراهيم بن سليمان عیدی ۴۰۰  
 ابراهيم بن عایشه = ابراهيم بن محمد بن عبدالوهاب  
 ابراهيم بن عبدالرحمان حجبی ۴۲۷  
 ابراهيم بن عبدالله بن حسن بن حسن ۳۶۹-۳۷۲  
 ابراهيم بن عثمان = ابو مسلم خراسانی  
 ابراهيم بن عثمان بن نهبك ۴۴۳، ۴۴۴  
 ابراهيم بن علی بن سلمه = ابن هرمه  
 ابراهيم بن قاسم ۴۴۴  
 ابراهيم بن مالك اشتر ۲۰۲، ۲۰۲ ح، ۲۱۷  
 ابراهيم بن مأمون ۴۹۴  
 ابراهيم بن متوكل = المؤيد بالله  
 ابراهيم بن محمد (صوفی) ۵۳۹  
 ابراهيم بن محمد بن ابراهيم امام ۴۱۸  
 ابراهيم بن محمد بن ابی الحسن اسلمی ۴۴۴، ۴۰۵  
 ابراهيم بن محمد بن عبدالوهاب بن ابراهيم بن علی  
 ابن عبدالله بن عباس ۴۷۹، ۴۸۰  
 ابراهيم بن محمد بن علی بن الحسين ۲۹۱  
 ابراهيم بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس (ابراهيم  
 امام) ۳۰۰، ۳۰۷، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۳ ح،  
 ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۴۴ ح، ۳۴۸  
 ابراهيم بن موسی بن جعفر علوی ۴۲۱، ۴۶۱، ۴۶۴

## آ

آدم ۶۵، ۶۶، ۱۲۰، ۲۶۷  
 آزاد شده = معاویه  
 آزاد مرد ۲۶

## الف

ابان بن عبدالعزیز بن مروان ۳۳۹  
 ابان بن عثمان ۷۳، ۲۳۴  
 ابان بن مروان ۲۰۰  
 ابان بن ولید بجلی ۲۹۵  
 ابان بن ولید بن عقبه بن ابی معیط ۲۳۴  
 ابان (مولای رشید) ۴۲۷  
 ابراهيم خليل ۱۶، ۶۵، ۶۲ ح؛ ۳۵۹، ۴۷۱  
 ابراهيم بن جعفر حمیری مناخی ۴۸۲  
 ابراهيم بن اغلب بن سالم ۴۱۷  
 ابراهيم بن تمیم ۴۶۰  
 ابراهيم بن جعفر بن ابی جعفر ۴۰۴  
 ابراهيم بن حمزه تمیمی ۴۷۵  
 ابراهيم بن خصیب ۵۰۸  
 ابراهيم بن رباح ۵۰۸  
 ابراهيم بن سعد زهری ۴۰۵، ۴۴۵  
 ابراهيم بن سلمه ۲۷۳ ح، ۳۲۳ ح

ابن ام کلاب ۷۸	۴۷۴، ۴۶۶-
ابن بعیث = محمد بن بعیث	ابراہیم بن مہدی ۴۰۴، ۴۴۳، ۴۵۶، ۴۶۸،
ابن بیہس کلابی ۵۰۷	۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۸
ابن جروی = علی بن عبدالعزیز	ابراہیم بن میسرہ ۳۲۸
ابن حجر ۴۴۵ ح	ابراہیم بن واثق ۵۱۱
ابن حراث عیسیٰ ۲۳۵	ابراہیم بن ولید ۲۴۸، ۳۱۰-۳۱۲
ابن حزم ۷۲	ابراہیم بن ہشام بن اسماعیل مخزومی ۳۰۱، ۳۰۰
ابن حمید = محمد بن حمید طوسی	۳۰۲، ۳۰۵
ابن دراج = عبداللہ بن دراج	ابراہیم بن ہشام بن عبدالملک ۳۰۸
ابن دورقیہ = وکیع بن عمیرہ	ابراہیم بن یحییٰ بن محمد بن علی ۳۸۵، ۳۸۸، ۴۰۴
ابن زبیر = عبداللہ بن زبیر	ابراہیم بن یزید تیمی ۲۳۵
ابن زیاد = عبیداللہ بن زیاد	ابراہیم بن یزید نخعی ۲۳۰، ۲۴۸، ۳۸۸
ابن زیاد = مسلم بن زیاد	ابراہیم دیزج ۵۰۶
ابن شبرمہ = عبداللہ بن شبرمہ	ابرش بن ولید کلبی ۳۰۱
ابن شکلہ = ابراہیم بن مہدی	ابنعمہ (شاہ کندہ) ۱۱، ۱۱ ح
ابن شیخ = عیسیٰ بن شیخ ربعی	ابن ابی جعفر = ابراہیم بن ابی جعفر حمیری
ابن الصغیر = محمد بن داود	ابن ابی الحدید ۸۷ ح، ۳۴۶ ح
ابن ضبارہ = عامر بن ضبارہ	ابن ابی دؤاد = احمد بن ابی دؤاد
ابن طباطبایا = محمد بن ابراہیم بن اسماعیل	ابن ابی رجاء قاضی ۴۶۸
ابن طولون = احمد بن طولون	ابن ابی زائدہ = یحییٰ بن ابی زائدہ
ابن عامر = عبداللہ بن عامر	ابن ابی سفیان = معاویہ
ابن عایشہ = ابراہیم بن محمد بن عبدالوہاب	ابن ابی صمصمہ ۳۴۹
ابن عباس = عبدالرحمان بن عباس	ابن ابی طوالة انصاری ۳۴۹
ابن عباس = عبداللہ بن عباس	ابن ابی معیط ۴۸ ح
ابن عبدوس ۵۳۳	ابن اخت وزیر = احمد بن محمد شجاع
ابن عتاب = محمد بن عتاب	ابن الأزود (پس ازور) = ضرار بن ازور
ابن عدیس بلوی = عبدالرحمان بن عدیس	ابن اسرائیل = محمد بن اسرائیل
ابن عرار = یزید بن عرار	ابن اشعث = عبدالرحمان بن محمد

- ابن عساکر ۱۷۰ ح  
 ابن عطاء اشعری = عبدالله بن عطاء  
 ابن عطاء اشعری ۱۸۵ ح  
 ابن عساکر ۵۳۸، ۵۳۹  
 ابن علائه عقیلی ۴۰۲  
 ابن عمیش = عمر بن عمیش  
 ابن قریش = علی بن حسین بن قریش  
 ابن قطونا ۱۷  
 ابن کلبی ۹۲، ۲۴۵ ح  
 ابن کوا ۹۳  
 ابن مجاهد ۵۳۲  
 ابن مدبر = احمد بن مدبر  
 ابن مسعده = عبدالله بن مسعده  
 ابن مسعود = عبدالله بن مسعود  
 ابن مطهر صنعانی ۵۴۶  
 ابن مطیع = عبدالله بن مطیع  
 ابن مقاتل = محمد بن مقاتل  
 ابن مفتح ۳۵۷  
 ابن ملجم = عبدالرحمن بن ملجم  
 ابن منصور بن زیاد ۴۸۰  
 ابن مولد = محمد بن مولد  
 ابن مینا ۱۸۹  
 ابن هبیره = عمر بن هبیره  
 ابن هبیره = یزید بن عمر  
 ابن هرمه (ابراهیم) ۳۱۹، ۳۱۹ ح  
 ابن الیسع کندی ۴۰۲  
 ابن یعقوب ۵۳۱  
 ابواحمد بن متوکل ۵۳۹، ۵۴۵
- ابواحمد بن هارون رشید ۴۴۳، ۴۴۳، ۵۱۲  
 ابوادریس ۲۴۹  
 ابواسحاق ۶۲  
 ابواسحاق = ابراهیم بن عبدالله بن حسن بن حسن  
 ابواسحاق ۵۱۵  
 ابواسحاق = معتصم  
 ابواسحاق سبعمی ۲۴۸، ۲۷۴، ۲۸۲، ۳۰۴  
 ابوالأسود دثلی ۱۲۱  
 ابواشهب عطاردی ۳۸۹، ۴۰۵  
 ابوالاصبغ ۳۵۲ ح  
 ابوالأعور سلمی ۸۹، ۹۱، ۹۹، ۹۹ ح  
 ابوامیه = عمرو بن سعید  
 ابویوب ازدی ۲۴۸  
 ابویوب انصاری ۱۰۵، ۷۴  
 ابویوب خوزستانی ۳۸۶  
 ابویوب = احمد بن محمد  
 ابویوب بن هارون ۴۴۳  
 ابویحیة کندی = عبدالله بن قیس  
 ابوالبختری بن وهب قرشی ۴۴۴  
 ابوردق بن ابوموسی اشعری ۱۶۳ ح  
 ابوالبط ۴۶۸  
 ابوالبعیث = موسی بن ابراهیم  
 ابوبکر بن ابی قحافه ۱، ۲، ۴-۱۲، ۱۴، ۱۵،  
 ۱۷-۲۲، ۴۱، ۴۲، ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۳،  
 ۵۴، ۵۶، ۶۶، ۸۴، ۱۷۳، ۱۹۷، ۲۱۴،  
 ۲۱۵، ۴۹۱-۴۹۳  
 ابوبکر بن اسد بن عبدالله خزاعی ۳۴۷  
 ابوبکر بن حزم = ابوبکر بن محمد بن عمرو بن حزم

ابوحرمله = جابر کنانی	ابوبکر بن حسن ۱۵۹
ابوالحسن = حسن بن قحطبه	ابوبکر بن عبدالرحمان بن حارث ۱۷۶، ۲۳۵، ۲۳۹
ابوالحسن = علی بن ابی طالب	ابوبکر بن علی ۱۳۹
ابوالحسن = علی بن موسی	ابوبکر بن عمرو بن حزم = ابوبکر بن محمد بن عمرو بن حزم
ابوالحسن بن عباد ۴۷۱	ابوبکر بن عیاش ۲۹۸ ح، ۴۴۳ ح
ابوحسن بن عبد عمرو ۷۹	ابوبکر بن محمد بن عمرو بن حزم ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۷۹
ابوالحسن مدنی = محمد بن عمرو بن علقمه	ابوبکر بن نسر بن حرب ۳۲۸، ۳۵۰
ابوالحسین انطاکی = عبدالله بطلال	ابوبکر هذلی ۳۴۷
ابوحزمه ثمالی ۲۹۰، ۳۴۹، ۳۸۹	ابوبکره ۳۰، ۴۷، ۱۶۲
ابوحزمه = عمرو بن اعین	ابو تراب = علی بن ابی طالب
ابوحزمه خارجی = مختار بن عوف	ابو تمیم حمینی ۲۴۸
ابوحمید = محمد بن ابراهیم	ابوجحیفه = وهب بن عبدالله
ابوحنیفه ۳۵۵	ابوجعفر منصور (عبدالله بن محمد بن علی) ۲۵۶، ۲۶۹ ح، ۳۱۸، ۳۲۳ ح، ۳۳۰ - ۳۳۲، ۳۳۵ - ۳۳۷، ۳۴۱ ح، ۳۴۲، ۳۴۷، ۳۴۹ ح، ۳۵۱ - ۳۷۳، ۳۷۸ - ۳۹۰، ۳۹۳، ۳۹۵، ۳۹۹، ۴۱۶، ۴۲۷، ۴۵۷، ۴۵۲ ح
ابوحنیفه = نعمان بن ثابت	ابوجعفر = محمد بن علی بن الحسین
ابوالحویرث مرادی ۳۲۸	ابوجمیل ۴۱۳
ابوحیان = یحیی بن سعید تیمی	ابوجهم بن عطیه باهلی وزیر ۳۲۳ ح، ۳۳۰، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۷
ابوخازم قاضی ۳۴۹	ابوحاتم = یعقوب بن تمیم کندی
ابو خالد = جعفر بن حنظله بهرانی	ابوالحارث (وکیل مازیار) ۵۰۴
ابو خالد کابلی ۲۶۴	ابوحازم اعرج ۲۷۴، ۳۰۴
ابو خالد والبی ۱۰۹	ابوحدیده سلمی ۳۲۵
ابوخیب = عبدالله بن زبیر	ابوحرب = تمیم لخمی
ابوالخصیب = مرزوق	
ابوالخطاب = عبدالاعلی بن سمح معافری	
ابوداود = خالد بن ابراهیم	
ابودجانه انصاری ۸، ۸ ح	
ابوالدرداء ۵۲، ۷۳	
ابودلف عجلی ۴۶۲	
ابودلفاء شیبانی ۳۱۴، ۳۱۴ ح	

- ابوزر غفاری ۵۵، ۶۵-۶۹  
 ابوالرازی = محمد بن عبدالحمید  
 ابورباح = میسرئ نبال  
 ابورغال (یدر ثقیف) ۲۲۵، ۲۲۵ ح  
 ابورمله ۵۱۰  
 ابوزبیر = محمد بن مسلم  
 ابوزعزعه ۲۱۹ ح، ۲۳۳  
 ابوزناد = عبدالرحمان بن ذکوان  
 ابوزیاد مرادی ۲۲۶  
 ابوزیاد مولای ثقیف ۱۳ ح  
 ابوالساج اسروشنی ۵۰۴، ۵۴۱، ۵۴۱ ح،  
 ۵۲۹  
 ابوالساج (عامل ابوجعفر) ۳۸۱  
 ابوسارنای = هرار بن مره  
 ابوالسرایا ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۴  
 ابوالسری ۵۱۰  
 ابوسعید خدری ۵۲، ۷۳، ۷۴ ح، ۷۵ ح  
 ابوسعید = محمد بن یوسف طائی  
 ابوسعید = مهلب بن ابی صفره  
 ابوسفیان (صخر بن حرب) ۴۰، ۶۲، ۶۳، ۶۹،  
 ۸۸، ۹۰، ۹۶، ۱۶۲، ۱۸۲ ح، ۱۹۶،  
 ۲۱۸  
 ابوسفیان بن یزید ۱۹۳  
 ابوسلمة بن عبدالرحمان بن عوف ۲۳۵، ۲۴۸،  
 ۲۷۴  
 ابوسلمة خلال (حفص بن سلیمان) ۲۸۸، ۳۲۳،  
 ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۴  
 ابوسلیمان (خالد بن ولید) ۴۶  
 ابوسلیمان بن یزید بن عبدالملک ۲۸۱  
 ابوسلیمان (مولای هارون) ۴۱۵  
 ابوسمیر ۴۷۰  
 ابوسنان (زندانبان) ۵۷  
 ابوسوید ۳۶۹  
 ابوسهل اسود ۲۰۰  
 ابوشاکر = مسلمة بن هشام  
 ابوشراحیل ۳۳۰  
 ابوالشعثا = سلیمان بن اسود  
 ابوالشوک ۴۶۴  
 ابوشهاب کوفی ۴۴۵  
 ابوصالح = مساور بن عبدالحمید  
 ابوالصبحاح ۴۳۷  
 ابوصحبه = شقیق خادم  
 ابوصخر = کثیر بن عبدالرحمان  
 ابوالصهبا = ظفر بن یمان  
 ابوطالب ۲۶۷  
 ابوطریف = عدی بن حاتم  
 ابوالطفیل = عامر بن وائله  
 ابوطلحة بن زید بن سهل انصاری ۵۰  
 ابوطواله = عبدالله بن عبدالرحمان  
 ابوظبیاں = حصین بن جندب  
 ابوالعاص ۱۳۹  
 ابوالعباس سفاح (عبدالله بن محمد بن علی بن  
 عبدالله بن عباس) ۲۵۶، ۲۶۹ ح، ۲۷۳،  
 ۲۹۳، ۳۰۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۳-۳۲۵،  
 ۳۲۹-۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۹-۳۴۳،  
 ۳۴۵-۳۴۷، ۳۴۹، ۳۴۹ ح، ۳۵۰، ۳۵۲



ابو علي كوفي ١٤٩	٤٠٤، ٣٩٤، ٣٨٥، ٣٦٥، ٣٦٠، ٣٥٣
ابو علي هروي = شبل بن طهمان	ابو العباس بن هارون ٤٤٣
ابو عمرو = عبدالرحمان بن سكن	ابو العباس طوسي ٤٠٢، ٣٨٧
ابو عمرو = عثمان بن عفان	ابو عبدالرحمان عمري ٥٤٤
ابو عمرو ١٣٠ ح	ابو عبدالرحمان = مغيرة بن شعبه
ابو عمود خارجي ٥٢٦	ابو عبدالله جدلي ٢٠٦
ابو عوانه ٤٤٥	ابو عبدالله = جعفر بن محمد
ابو عون = عبدالملك بن يزيد	ابو عبدالله = حسين بن علي
ابو عياش كهاني ٢٣٣	ابو عبدالله = زبير بن عوام
ابو عيسى بن هارون رشيد ٤٤٣، ٤٧٣ ح	ابو عبدالله صوفي ٤٦٣
ابو العينا ٥١٣	ابو عبدالله = عبدالله بن عمر
ابو غانم = عبدالحميد بن ربيعي	ابو عبدالله = عمرو بن عاص
ابو غانم طائي ٣٥٢ ح	ابو عبدالله = معتز
ابو غسان = يزيد بن زياد	ابو عبدالملك = مروان بن محمد
ابو فديك ٢٢٢، ٢٢٢ ح، ٢٢٣ ح	ابو العبر ٢٣١
ابو الفرج ١٧٣ ح، ٣٤٦ ح، ٤٣٣ ح	ابو عبيدالله (وزير مهدي) ٤٠١، ٤٠٢
ابو الفضل = عباس بن عبدالمطلب	ابو عبيدالله بن عمر ٥١
ابو الفضل = مصقلة بن هبيرة	ابو عبيد بن مسعود ثقفى ٢٤، ٢٥
ابو قبيل معافري ٢٧٤، ٣٠٤	ابو عبيدة بن جراح ١٢، ١٨، ٢٠ - ٢٤، ٢٨
ابو قتاده ١٠	٣٦، ٣٥، ٣١
ابو قحافة ١٨	ابو عبيدة بن عبدالرحمان بن ازهر ٣٦٧
ابو قلابه = عبدالله بن يزيد	ابو عبيدة بن وليد ٢٤٨
ابو الكنود ١١٠	ابو عبيده (حاجب سليمان بن عبدالملك) ٢٥٩
ابو لؤلؤه ٤٩، ٥١	ابو عبيدة خارجي ٣١٤
ابو لهب ٥٣٣	ابو عثمان ٣٣٢
ابو مجرم = ابو مسلم	ابو عقيل = اسماعيل بن جعفر
ابو محمد = حسن بن علي	ابو عكرمة سراج ٢٧٣
ابو محمد سفياي = يزيد بن عبدالله	ابو علي بن هارون ٤٤٣

- ابو محمد صادق ۲۷۳ ح، ۳۰۷ ح  
 ابو محمد = عبدالله بن حسن بن حسن  
 ابو محمد = عبیدی  
 ابو محمد بن؟ ۴۰۵  
 ابو محمد بن عبدالله بن یزید بن معاویه ۳۱۰  
 ابو مخارق ۱۷۴، ۱۷۴ ح  
 ابو مخنف ۴۰۵  
 ابو ممره بن عروه بن مسعود ثقفی ۱۸۴  
 ابو مریم سلولی ۱۴۶، ۱۴۷  
 ابو مریم قرشی مکی ۱۲۱  
 ابو مستورد = معاذ بن جویین  
 ابو مسعود انصاری خزرجی ۱۵۹  
 ابو مسلم خارجی ۴۳۸  
 ابو مسلم خراسانی ۳۰۰، ۳۰۶ ح-۳۰۸، ۳۱۶-  
 ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۳۲، ۳۳۴ ح، ۳۴۷، ۳۳۶  
 ۳۵۱، ۳۵۳-۳۵۶، ۳۸۷  
 ابو مسلم نخعی ۲۱۲ ح  
 ابو معاویه = محمد بن حازم  
 ابو معبد ۲۲۶  
 ابو معتمر = سلیمان تیمی  
 ابو معشر = زیاد بن کلب  
 ابو معشر سندی ۴۴۴  
 ابو مغیره = خالد بن کثیر  
 ابو ملیح بن اسامه هذلی ۲۳۵، ۲۴۹  
 ابو موسی اشعری ۳۰، ۳۶، ۴۰، ۴۶، ۵۱، ۵۲  
 ۵۹، ۷۳، ۷۷، ۷۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۱۴۶  
 ابو موسی = عیسی بن محمد بن ابی خالد  
 ابو موسی = عیسی بن موسی  
 ابو موسی ۲۰۲ ح  
 ابو مهاجر (دینار) ۱۶۱، ۱۶۱ ح  
 ابو نائل = رباح بن عبد  
 ابو نجم = عمران بن اسماعیل  
 ابو نصر = مالک بن هیشم خزاعی  
 ابو نعامه ۲۲۷  
 ابو نوح = عیسی بن ابراهیم بن نوح  
 ابو ورد بن کوثر بن زفر ۳۳۶  
 ابو وزیر = احمد بن خالد  
 ابو ولید = محمد بن احمد بن ابی دؤاد  
 ابو هاشم بن عقبه بن ربیعہ ۱۹۵  
 ابو هاشم = عبدالله بن محمد بن علی بن ابی طالب  
 ابو هريره ۴۱، ۴۶، ۵۲، ۱۰۹، ۱۷۳  
 ابو هريره = محمد بن فروخ ازدی  
 ابو هیشم بن تیهان ۷۴  
 ابو هیذام = عامر بن عماره مری  
 ابو یعقوب بن هارون ۴۴۳  
 ابو یوسف = یعقوب بن ابراهیم  
 ابی بن کعب ۱۹، ۲۲، ۵۱، ۷۳  
 اجلح بن عبدالله کندی ۳۵۰، ۳۸۸  
 احمد بن ابی خالد احوال ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷،  
 ۴۷۸، ۴۹۴  
 احمد بن ابی دؤاد ابادی ۴۸۹، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۱۰،  
 ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۸  
 احمد بن اسد ۳۹۷  
 احمد بن اسرائیل ۵۱۶، ۵۳۷، ۸۳۸  
 احمد بن اسماعیل بن علی ۴۱۸، ۴۲۷  
 احمد بن اسماعیل بن یعقوب ۵۴۲

احمد بن نصر بن مالک خزاعی ۵۱۰	احمد بن بسطام ۴۹۰، ۵۰۹
احمد بن واثق ۵۱۱	احمد بن جمیل ۵۴۰
احمد بن هشام ۴۸۹، ۴۹۴	احمد بن حسین اهوازی ۵۴۳
احمد بن یحیی ارمنی ۵۲۰	احمد بن حنبل ۴۵۴ ح، ۴۹۷
احمد بن یزید بن اسید سلمی ۴۳۹	احمد بن خالد ۵۱۳
احمد بن یوسف ۴۹۴	احمد بن خصیب ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۶، ۵۲۴، ۵۲۵
احنف بن قیس ۶۰، ۸۱، ۱۷۶، ۲۱۱	احمد بن خلیل بن هشام ۴۹۰
احنف = عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس	احمد بن رحیم لخمی ۴۶۲
اخشید = شاه سفد	احمد بن سعید بن مسلم بن قتیبة باهلی ۴۹۶، ۵۱۰
ادریس بن ادریس بن عبدالله بن حسن ۴۰۷	احمد بن طولون ۵۳۶، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۱، ۵۴۵
ادریس بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی ۴۰۷ ح	احمد بن عبدالرحمان کلبی ۴۵۳
ادریق (شاه اندلس) ۲۳۹	احمد بن علی بن عبدالله بن عباس ۲۹۲
ادهم بن محرز باهلی ۳۲۰، ۳۴۲	احمد بن عمر بن خطاب ربیع ۴۶۱
ارخوز بن اولغ بن طرخان ترك ۵۳۵، ۵۳۵ ح	احمد بن عیسی بن زید بن علی بن الحسین ۴۳۳
ارطیا (ارطیا) ۳۰۴، ۳۰۴ ح	۴۳۳ ح
ارقم بن عبدالله کندی ۱۶۳ ح	احمد بن مأمون ۴۹۴
اروی (مادر عثمان) ۵۳	احمد بن متوکل = معتمد
اسامة بن زید ۱، ۲، ۷۵ ح	احمد بن محمد شجاع ۵۴۳، ۵۴۵
اسباط ۴۵۹	احمد بن محمد عمری ۴۸۲
اسپهد طبرستان (شاه طبرستان) ۲۲۶، ۲۲۷	احمد بن (محمد بن) معتصم = مستعین
۳۹۸، ۲۵۵	احمد بن محمد بن مدبر ۵۱۷، ۵۲۰، ۵۲۴، ۵۳۶
استادسیس ۳۷۳	۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴
استرخان خوارزمی ۳۶۲ ح	احمد بن مدبر = احمد بن محمد بن مدبر
اسحاق ازرق ۴۵۹	احمد بن مزاحم بن خاقان ۵۳۵
اسحاق بن ابراهیم ۳۲۳ ح	احمد بن معتصم ۵۰۵، ۵۱۲
اسحاق بن ابراهیم ۴۸۵، ۴۹۴، ۴۹۶-۴۹۸	احمد بن موسی بن جعفر ۴۲۱
۵۰۰، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۱۳-	احمد بن موفق بن متوکل = معتضد

اسماء خثعمی ۱۸۰۱، ۴۱، ۱۳۹	۵۲۳، ۵۱۷
اسماء (دختر عبدالله بن عبیدالله بن عباس) ۳۶۸	اسحاق بن اسماعیل بن شعیب نفلسی ۴۸۶، ۵۰۰،
اسماء (دختر نعمان بشیر) ۲۰۹	۵۱۹، ۵۱۰، ۵۰۹
اسماء (مادر عبدالله بن زبیر) ۱۹۷، ۲۱۴، ۲۱۵	اسحاق بن دینار بن عبدالله ۵۴۳
اسماعیل بن جعفر بن سلیمان بن علی هاشمی ۴۶۵	اسحاق بن سلیمان بن علی هاشمی ۴۱۳، ۴۴۴، ۴۴۹
اسماعیل بن جعفر بن محمد ۳۷۸	اسحاق بن سلیمان ۳۹۸ ح، ۴۸۲، ۴۸۳
اسماعیل بن جعفر (فقیه) ۴۴۴	اسحاق بن سدید عذری ۳۵۰
اسماعیل بن شعیب ۴۴۹	اسحاق بن علی بن عبدالله بن عباس ۲۹۲
اسماعیل بن صبیح حرانی ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۴۲،	اسحاق بن عیسی بن علی بن عبدالله بن عباس ۴۲۷،
۴۵۸	۴۴۶
اسماعیل بن عبدالله قسری ۳۲۵	اسحاق بن مسلم عقیلی ۳۰۳ ح، ۳۱۱، ۳۱۴،
اسماعیل بن علی بن عبدالله بن عباس ۲۹۲، ۳۲۳ ح،	۳۲۵، ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۵۴، ۳۸۶
۳۳۰، ۳۴۸، ۳۵۷، ۳۷۰، ۳۷۸، ۳۷۹	اسحاق بن موسی بن جعفر ۴۲۱
۳۸۷، ۴۱۳	اسحاق بن موسی هادی ۴۲۷
اسماعیل بن علی بن عبدالله بن عباس (اسماعیل	اسحاق بن مهدی ۴۰۴
اصغر) ۲۹۲	اسحاق بن یحیی بن (سلیمان بن یحیی بن) معاذ ۵۰۴
اسماعیل بن علی بن عیسی ۵۱۷	۵۲۳، ۵۱۱
اسماعیل بن علی ۴۵۹	اسحاق بن بزید ۵۱۶
اسماعیل بن قاسم ۴۴۴	اسحاق بن یعقوب ۸۲، ۲۹۷
اسماعیل بن مأمون ۴۹۴	اسد بن عبدالله قسری ۲۸۸، ۳۰۳ ح
اسماعیل بن متوکل ۵۳۹	اسد بن هاشم بن عبد مناف ۷۴، ۲۰۷، ۳۵۹،
اسماعیل بن موسی بن جعفر ۴۲۱	ح ۳۵۹
اسماعیل بن موسی هادی ۴۱۰	اسد بن یزید بن مزید شیبانی ۴۴۰ ح، ۴۴۹
اسماعیل بن یعقوب ۸۲، ۲۹۷	اسد حرابی ۴۶۸
اسماعیل بن یوسف طالبی ۵۳۰، ۵۳۰ ح، ۵۳۱	اسد (مولای منصور) ۳۸۰
اسود بن کعب غنسی ۶، ۶، ۴ ح	اسقف دمشق ۲۲
اسود بن مالک حارثی ۲۳۵	اسکندر ۲۳۴ ح
اسید بن عبدالله خزاعی ۳۶۱	اسلم بن زرعه ۱۷۲

الیاس بن حبیب فهری ۳۴۰، ۳۴۰ ح، ۳۸۲	اشتر (مالک) ۲۴، ۶۸، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۳
الیون بن قسطنطین ۳۰۴، ۳۰۴ ح	۸۸-۹۱، ۹۹، ۱۰۰، ۲۰۲
ام ابیها (دختر عبدالله بن جعفر) ۲۹۲	اشج بنی امیه = عمر بن عبدالعزیز
ام ایمن ۴۹۲، ۴۹۳	اشرس بن حسان بکری ۱۰۳
اماجور ترک ۵۳۹، ۵۴۱-۵۴۳	اشعث بن ابی الشعثا ۳۰۴
امام قائم ۲۷۲	اشعث بن قیس ۴، ۱۱، ۱۱ ح، ۱۸، ۳۸، ۵۷
امام هادی = علی بن محمد	۸۸، ۹۰، ۹۱، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۳۱ ح،
امامه (دختر ابوالعاص) ۱۳۹	۱۳۸
ام بشیر (مادر زید بن حسن) ۱۵۹	اشناس ترک ۵۰۱، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۰۹
ام البنین کلابی ۱۳۹	اشندرابید ۲۸۴
ام جعفر (دختر جعفر بن منصور) ۴۴۱، ۴۴۶،	اشوط بن حمزه ۵۱۹
۴۸۸، ۴۴۷	اصبح بن ذواله ۳۱۳ ح
ام جمیل ۳۰	اصبح بن نباته ۱۴۰، ۳۴۶ ح
ام حبیب بکری ۱۳۹	اصبح کلبی (بدرزن عبدالرحمان بن عوف) ۶۳
ام حبیبیه ۴۰، ۶۳، ۱۶۲	اصفح بن عبدالله کلبی ۲۸۹
ام حجاج (مادر ولید بن یزید) ۳۰۵	اصفر = ابوالسرایا
ام الحکم = جویریة کنانی	اعنق = عباس بن عبدالله بن عباس
ام الحکم (دختر ابوسفیان) ۲۱۸	اعور = عبدالله بن یحیی کنندی
ام سلمه ۷۸، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۸۲، ۱۸۳	اغلب بن سالم تمیمی ۳۸۲
ام سلمه (دختر موسی بن جعفر) ۴۲۱	افریقی = محمد بن ابراهیم
ام عاصم (مادر عمر بن عبدالعزیز) ۲۶۱	افشین ۳۹۸، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۸، ۴۹۹، ۵۰۰
ام عبد (مادر عبدالله بن مسعود) ۴۱	۵۰۴-
ام عبدالله (دختر امام حسن) ۲۶۷، ۲۸۹	افشین سمرقند ۲۴۲
ام عیسی (دختر موسی هادی) ۴۵۱، ۴۹۴	افعی پسرافعی = ریاح بن عثمان
ام فروه (زن اشعث) ۱۱	اکاف ۲۴۲
ام فروه (مادر جعفر بن محمد) ۳۷۳	اکیدرین حمام لخمی ۱۹۹
ام الفضل ۴۷۳	الیاس ۲۲ ح
ام کریم ۳۷۱	الیاس بن اسد خراسانی ۴۸۳

ایوب سختیانی ۳۰۴	ام کلثوم (دختر امیر المؤمنین) ۳۵
ب	ام کلثوم (دختر عبدالله بن عامر) ۱۶۰، ۱۶۱
بابک خرمی ۳۶۱ ح، ۴۸۳-۴۸۵، ۴۹۸-۵۰۰	ام کلثوم (دختر عقبه بن ابی معیط) ۴۱
۵۰۴، ۵۰۳	ام موسی (مادر مهدی) ۳۸۶، ۳۹۰
بابکبک ۵۳۶، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۲	ام هاشم (مادر معاویه بن یزید) ۱۹۵
بایجور ۳۸۳	ام هشام (مادر هشام بن عبدالملک) ۲۸۳
بازام (بازان) ۲۴۰، ۲۴۰ ح	ام یزید ۳۹۴
باغر ۵۲۲	امیر آل محمد = ابومسلم
باقر = محمد بن علی بن الحسین	امیر بن احمریشکری ۶۰
بحیر بن ورقا ۲۲۰ ح	امیر دمشق ۲۱
بحدل کلبی ۱۷۷	امیر مسقط ۲۸۶ ح
بدرطاخان (شاهختل) ۳۰۳ ح	امیر وضاحیه = وضاح بربری
براهین ابی زائده همدانی ۳۸۸	امین آل محمد = ابومسلم
بردین لیبیدیشکری ۳۷۰	امین = محمد بن هارون
برم = یوسف بن ابراهیم	امیه بن عبدالله بن خالد بن اسید بن ابی العیص بن امیه
بسرین ابی ارطاة ۴۵، ۱۰۴-۱۱۰، ۱۷۵	۲۲۰-۲۲۳ ح
بسرین ابی رهم = بشر بن ابی رهم	انس بن مالک ۲۲۶، ۴۴۵ ح
بسطام (پسر نرسی) ۴۱	انوشیروان ۲۸۶
بسطام بن سلس ربیع ۴۶۲	اونامش ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۷
بسطام بن عمرو ۳۶۴، ۳۹۸ ح	اوزاعی = عبدالرحمان بن عمرو
بسطام = شوزب حروری	اوس بن ثعلبه تمیمی ۶۰، ۱۹۳
بسوس ۵، ۵ ح	اول مؤمنان = علی بن ابی طالب
بشاشات = جعفر بن فضل بن عیسی بن موسی	اهبان بن صیفی ۷۴
بشر بن ابی رهم ۲۷، ۲۷ ح	ایاس بن عبدالله بن فجاءة سلمی ۱۴، ۱۴ ح
بشر بن داود مهلبی ۴۷۸	ایتاخ ترک ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۴، ۵۱۵
بشر بن صفوان کلبی ۲۸۰، ۲۸۷، ۲۸۷ ح	ایوب بن جعفر بن سلمان هاشمی ۴۰۷، ۴۱۴
بشر بن علی بن عبدالله بن عباس ۲۹۲	ایوب بن سلمة بن عبدالله بن ولید مخزومی ۳۶۷
	ایوب بن مروان ۲۰۰

بھلول بن عمیر شیبانی ۲۹۳	بشر بن مروان ۲۰۰، ۲۲۱
بھمن جادویہ = ذوالحاجب	بشر بن ولید ۲۴۷، ۲۴۸، ۳۱۰، ۳۱۲
بیان خارجی ۲۹۳ ح	بشر بن ولید کندی ۴۹۱
	بشر حافی ۴۵۴ ح
پ	بشیر (نای منصور) ۳۵۱ ح
پادشاہ ثبت (شاہ ثبت) ۳۹۸، ۴۶۵، ۴۷۰	بطل (عبد اللہ) ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۳ ح
پادشاہ ترک = نیزک، خاقان	بطروی (جادوگر) ۵۷
پادشاہ ختل = بندر طاخان	بعیث بن حلیم ۳۶۲
پادشاہ خزر = خاقان، طرخان	بغا (صغیر و کبیر) ۵۰۴، ۵۰۸، ۵۱۹، ۵۲۲
پادشاہ دیبل ۲۲۸	۵۲۳، ۵۳۴-۵۳۶
پادشاہ دیلم (شاہ دیلم) ۲۵۵، ۴۱۲، ۴۳۶ ح	بفلوا ۵۲۲
پادشاہ روم ۱۲، ۳۴، ۴۲، ۱۴۵، ۱۷۵، ۲۳۸	بقراط بن اشوط ۵۱۹
۲۶۶، ۳۰۴، ۳۱۰ ح، ۳۴۹، ۵۰۱، ۵۰۲	بقیہ بن ولید حمصی ۴۰۵
۵۲۰، ۵۱۹، ۵۱۰	بکار بن عبد الملک ۲۳۳
پادشاہ سریر ۲۸۶	بکرن بن عبد اللہ مزنی ۳۰۴
پادشاہ سند = داهر	بکری ۲۱۳
پادشاہ سیستان = رتبیل	بکیر بن ماہان ۲۸۸
پادشاہ سفد (شاہ سفد) ۲۲۷، ۲۴۲، ۳۹۸	بکیر بن وساج (وشاج) ثقفی ۲۲۰، ۲۲۰ ح، ۲۲۱
پادشاہ طبرستان = ونداد هرمز	بلاذری ۱۷۱ ح، ۳۶۴ ح
پادشاہ طغارستان = شروین	بلال بن ابوبردہ بن ابوموسی اشعری ۱۶۳، ۲۹۵
پادشاہ فرغانہ (شاہ فرغانہ) ۳۸۳، ۳۹۸	بلال ۲۱، ۳۱
پادشاہ کابل شاہ ۳۹۸	بلال خارجی ۴۸۶
پسرای بکرہ ۲۴۱	بلکاجور فرغانی ۵۲۶
پسرای رغسال = حجاج	بنداد هرمز ۴۳۶
پسرای سفیان = معاویہ	بوران (دختر حسن بن سهل) ۴۸۰
پسرای طالب = علی	بوران (دختر خسرو پرویز) ۲۴
پسرا نال نصرانی ۱۵۲، ۱۵۳	بویطی (صاحب شافعی) ۴۰۸ ح
پسرا شتر = ابراہیم بن مالک	بھلول بن بشر ۲۹۳ ح

- پسر طریفه = طریفه  
 پسر عامر = عبدالله  
 پسر عباس = عبدالرحمان  
 پسر عباس = عبدالله  
 پسر عبدالله بن عمیر لثی ۲۴۱ ح  
 پسر عبید = زیاد  
 پسر عثمان بن حیان = ریاح بن عثمان  
 پسر عرار ۲۹۵  
 پسر عضاء اشعری = عبدالله  
 پسر عطیه = عبدالملک  
 پسر عمر = عبدالله  
 پسر عموی پیامبر خدا = علی بن ابی طالب  
 پسر عمیش = عمر  
 پسر کاهنه ۱۶۱  
 پسر ماهان = بکیر  
 پسر مرجانه = عبیدالله  
 پسر مسعده = عبدالله  
 پسر ملجم = عبدالرحمان  
 پسر مهلب = مروان بن یزید بن مهلب  
 پسر مهلب = یزید  
 پسر نابغه = عمرو بن عاص  
 پسر نضیر خان ۴۱ ح  
 پسر نوشری (ابن نوشری) ۵۳۲، ۵۳۴  
 پسر وصی پیامبر = امام حسن  
 پسر هبیره = یزید بن عمر  
 پسر هند (ابن هند) = معاویه بن ابی سفیان  
 پسر یزید = معاویه  
 پیامبر خدا = رسول خدا
- پسر اشعث = عبدالرحمان بن محمد  
 پسر اشعث = محمد بن اشعث خزاعی  
 پسر ام سلمه = عمر بن ابی سلمه  
 پسر باذام ۲۴۰  
 پسر بشیر انصاری = نعمان  
 پسر پیامبر خدا = امام حسن  
 پسر پیامبر خدا = امام حسین  
 پسر پیامبر خدا = علی بن الحسین  
 پسر جحدم فهوی = عبدالرحمان  
 پسر حارثیه = ابوالعباس سفاح  
 پسر حجام متکر (عبدالرحمان بن ضحاک) ۲۷۹  
 پسر حدیج کندی = معاویه  
 پسر حنتمه = عمر  
 پسر خازم سلمی = عبدالله  
 پسر خاقان ۲۷۹، ۲۸۵  
 پسر خطاب = عمر  
 پسر خواهر نمر ۱۳ ح  
 پسر دختر پیامبر = امام حسن  
 پسر دو بار حد خورده = ریاح بن عثمان  
 پسر زبیر = عبدالله  
 پسر زن جگر خوار = معاویه  
 پسر زن حجام متکر = یزدگرد  
 پسر زن نصرانی = خالد بن عبدالله قسری  
 پسر زیاد = عبدالله  
 پسر سلام = ابو جعفر منصور  
 پسر سمره = عبدالرحمان  
 پسر سوار = عبدالله  
 پسر شهاب زهری ۲۰۵



## ت

تزار خدا ۳۵۲ ح  
 تماضر ۶۳  
 تمام بن تمیم تمیمی ۴۱۷  
 تمام بن ولید بن عبدالملک ۲۴۷  
 تمیم بن زیدعتبی ۲۹۵ ح  
 تمیم داری ۲۲  
 تمیم لخمی ۵۰۷  
 توفیل بن میخائیل ۴۸۸  
 تومانشاه ۲۸۷، ۳۰۳ ح

ت

تایت بن افرم ۶ ح  
 تایت بن قیس بن شماس انصاری ۷۶، ۵  
 تایت بن نصر بن مالک خزاعی ۴۵۹، ۴۶۲، ۴۷۴  
 تایت بن نعیم جذامی ۳۱۱، ۳۱۳ ح، ۳۱۵  
 تمامه بن ولید عسبی ۴۰۴، ۴۰۵

ج

جابان ۹  
 جابر بجلی ۱۴۹  
 جابر بن اسود بن عوف زهری ۱۹۹  
 جابر بن اشعث خزاعی ۴۵۴  
 جابر بن اشعث طائی ۴۱۳  
 جابر بن عبدالله انصاری ۱۰۵، ۱۰۶، ۲۲۲، ۲۸۹، ۲۹۰  
 جابر بن یزید جمفی ۳۲۱، ۳۲۸، ۳۵۰  
 جابر کنانی ۵۳۳

جاریه بن قدامه سعدی ۱۰۶-۱۱۰  
 جالینوس ۲۴  
 جبرئیل ۶ ح، ۱۴۰، ۱۸۳  
 جبریل بن یحیی بجلی ۳۶۲  
 جبلة بن ایهم غسانی ۲۳، ۲۴، ۳۲  
 جبلة بن عبدالرحمان کنندی ۳۴۷  
 جبیر حاجب ۳۱۱  
 جبیر بن مطعم بن نوفل بن عبدمناف ۴۰، ۴۳، ۷۳  
 جدیع بن علی کرمانی ازدی ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۷  
 جراح بن سنان ۱۴۲  
 جراح بن عبدالله حکمی ۲۲۶، ۲۶۲، ۲۷۳، ۲۷۹  
 ۲۸۲، ۳۰۲، ۳۰۳  
 جراده صغرا = یزید بن مهلب  
 جرجی زیدان ۴۱ ح  
 جرجیس ۵۸  
 جرشانشاه ۲۸۶ ح  
 جروی = علی بن عبدالعزیز  
 جری بن ولید ۲۴۸  
 جریر ۲۸۰  
 جریر بن حازم ازدی ۴۰۵  
 جریر بن عبدالحمید کوفی ۴۴۵  
 جریر بن عبدالله بجلی ۲۵، ۲۸، ۵۷، ۷۳، ۸۳، ۸۴، ۳۵۴  
 جریر بن یزید بجلی ۴۴۹  
 جساس ۵ ح  
 جمعد بن درهم ۲۸۶ ح  
 جمعد بن هبیره بن ابی وهب مخزومی ۱۵۹، ۱۸۲  
 جمعدی = مروان بن محمد

- جعفر بن موسی هادی ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۲۷
- جعفر بن وهب (نیای یعقوبی) ۴۷۳
- جعفر بن یحیی بن خالد ۴۱۵، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۶
- ۴۴۱
- جعفر حنفی ۱۳۹
- جفینة عبادی ۴۲
- جلندی بن مسعود ازدی ۳۱۴
- جلودی = عیسی بن یزید
- جلیح خجندی ۲۷۷، ۲۷۷ ح
- جمدی بن معدی کرب (شاه کنده) ۱۱، ۱۱ ح
- جمیل (پسر بصهری) ۴۱
- جنادة بن ابی امیة ازدی ۱۷۶
- جندب بن جنادة ربذی = ابوذر غفاری
- جندب بن کعب ازدی ۵۷
- جنید بن خالد بن هریم تغلبی ۳۶۱ ح
- جنید بن عبدالرحمان ۲۸۳، ۲۸۴
- جویریة ۴۰
- جویریة بن اسماعیل ۳۱۸
- جویریة کنانی ۱۰۷، ۱۰۷
- جویریة بن مسهر ۱۴۰
- جهور بن مرار عجلی ۳۵۷
- جهیزه (مادر شیبب خارجی) ۲۲۵
- جیفویه (شاه خرلخیه) ۳۹۸، ۴۵۰
- جیفر ۹ ح
- جیلویة کردی ۴۴۵
- ح
- حاتم بن زریك ۵۳۲
- جعفر ۲۰۶
- جعفر بن احمد حذاء ۵۱۰
- جعفر بن اسحاق بن سلیمان ۴۸۳
- جعفر بن جعفر بن منصور ۴۲۷
- جعفر بن حنظلة بهرانی (ابو خالد) ۲۸۸، ۳۰۰
- ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸۰
- جعفر بن حیان عطاردی = ابواشهب عطاردی
- جعفر بن دینار (جعفر خیاط) ۵۱۴، ۵۲۷
- جعفر بن سایمان فقیه ۴۴۵
- جعفر بن سلیمان بن عبدالله بن عباس ۳۳۰، ۳۷۰
- ۳۷۹
- جعفر بن عبدالواحد هاشمی قرشی ۵۱۸، ۵۲۰ ح
- جعفر بن عتاب ۴۴۵، ۴۵۰
- جعفر بن علی ۱۳۹
- جعفر بن علی بن محمد ۵۳۶
- جعفر بن غطریف ۴۰۵
- جعفر بن فضل بن عیسی بن موسی ۵۳۱، ۵۳۱ ح
- جعفر بن کلاب ۲، ۲ ح، ۴۳۵
- جعفر بن مأمون ۴۹۴
- جعفر بن محمد بن اشعث ۴۴۲
- جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب
- (ابو عبدالله) ۱۵۷ ح، ۲۹۱، ۳۲۹، ۳۵۸
- ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۸
- جعفر بن معتصم = متوکل
- جعفر بن منصور (جعفر اصغر) ۳۸۶ ح
- جعفر بن منصور (جعفر اکبر) ۳۱۸، ۳۳۰، ۳۷۹
- ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۴۱، ۴۴۶، ۴۸۸
- جعفر بن موسی بن جعفر ۴۲۱

حبيب بن عبدالرحمان بن حبيب فهری ۳۸۲	حاتم بن هرثمة بن اعين ۴۵۴، ۴۸۳
حبيب بن مرثه فهری ۳۴۰	حاتم بن نعمان باهلی ۶۰
حبيب بن مسلمة فهری ۴۴، ۶۴، ۶۱، ۱۷۵	حاجب بن صالح ۴۷۸
حبيب بن مهلب ۲۵۵	حاجب عمر = يرفاً
حبيبه (زن ابوبکر) ۱	حارث اعور همدانی ۱۴۰، ۱۷۶
حبیش بن دلجة قینی ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۹	حارث تمیمی (پدر سجاح) ۴
حجاج بن ارطاة نخعی ۳۸۸، ۴۰۵	حارث بن ابی ضرار ۱۷۳
حجاج بن عبدالملك ۲۳۳، ۲۷۲، ۳۰۲ ح	حارث بن ابی العاص ثقفی ۵۲
حجاج بن عتيك ثقفی ۳۰، ۳۰ ح	حارث بن حوطرانی ۱۳۲، ۱۳۳
حجاج بن منصور ۳۸۱	حارث بن سليمان بن عبدالملك ۲۶۰
حجاج بن يوسف بن حکم ثقفی ۹، ۷۴ ح، ۱۷۱، ۱۹۹، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۲۱ - ۲۲۳، ۲۲۵ -	حارث بن سويد تمیمی ۲۳۵
۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۹ - ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۷۴ ح، ۲۹۴ ح، ۳۸۴	حارث بن عبدالرحمان حرشی ۳۸۶، ۳۹۵
حجر بن عدی کندی ۱۰۳، ۱۶۲ - ۱۶۴	حارث بن عبدالله بن ابی ربيعه ۱۹۷، ۱۹۹
حذيفة بن معصن حمیری ۹، ۱۹، ۲۷	حارث بن عمرو طائی ۳۰۲
حذيفة بن يمان عیسی ۲۳، ۳۹، ۵۷، ۶۲، ۶۴، ۶۸	حارث بن عمیر زبیدی ۱۷۶
حر بن یزید ۱۷۹	حارث بن قيس جعفی ۱۷۶
حراد ۴۱۸	حارث بن مسكين ۴۸۹
حرار (دختر یزدجرد) ۱۸۴، ۲۶۴	حارث بن نوفل بن حارث بن عبدالمطلب ۲۹۹ ح
حراق بهرانی ۴۶۲	حارث بن هشام ۲۳۵
حرشی = سعید بن عمرو	حارث (مولای رشید) ۴۲۷
حرشی = یحیی بن سعید	حاضر (ملازم احمد بن عیسی) ۴۳۳، ۴۳۳ ح
حرملة حجامتگر ۲۶۹ ح	حاکم طبرستان ۳۸
حریث (از اسیران عین التمر) ۱۳ ح	حبشیه (مادر منتصر) ۵۲۴
حریث بن قطبه ۲۲۷	حبه عرنی ۱۴۰
حریش بن محمد ذهلی ۳۶۱ ح	حبيب بن ابی ثابت ۲۷۴، ۲۸۲، ۳۰۴
حریش حاجب ۳۰۱	حبيب بن ابی رباح ۲۸۲
	حبيب بن جهم ۴۶۲
	حبيب بن ذویب ۷۴ ح

حسین بن مأمون ۴۹۴	حریش ۲۹۲
حسین بن مخلد جراح ۵۲۲، ۵۳۶-۵۳۸	حزام (یدرام البنین) ۱۳۹
حسین بن مصعب ۴۵۹	حسان بن بحدل کلبی ۱۹۳، ۱۹۷، ۲۰۰
حسین بن موسی بن جعفر ۴۲۱	حسان بن ثابت ۳، ۵، ۷۴، ح ۷۵
حسین بن اسماعیل طاهری ۵۱۶، ۵۲۹، ۵۴۲	حسان بن نعمان غسانی ۲۲۸، ۲۳۴
حسین بن خالد ۵۳۰	حسان نبطی ۲۷۶، ۲۹۴
حسین بن علی بن ابی طالب ۴۰، ۶۷، ۱۳۹، ۱۴۸،	حسین بن ابی الحسن بصری ۱۸۴، ۲۳۰، ۲۴۸، ۲۷۴
۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۷۷-	حسین بن اسد ۴۲۰
۱۷۹، ۱۸۱-۱۸۸، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۱-	حسین بن حرب ۳۸۲
۲۰۳، ۲۰۷، ح ۲۱۲، ۲۶۳، ح ۲۶۴، ۲۷۹	حسین بن حسن ۱۵۹، ح ۲۶۹
۳۳۸، ۳۴۴، ح ۳۵۹، ۳۶۰، ح ۴۹۲، ۴۹۳	حسین بن حسن بن حسن ۳۴۵
حسین بن علی بن حسن بن حسن بن حسن بن علی بن	حسین بن راشد ۴۰۲
ابی طالب ۴۰۷	حسین بن زید ۳۷۲
حسین بن علی بن الحسین (حسین اصغر) ۲۶۷	حسین بن سهل ۴۶۱، ۴۶۳-۴۶۵، ۴۶۷، ۴۶۹،
حسین بن علی بن الحسین ۲۶۷	۴۷۰، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۸۰، ۴۹۳، ۵۱۵
حسین بن علی بن عیسی ۵۱۷	حسین بن عبدالله نخعی ۳۸۸
حسین بن علی بن ماهان ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶	حسین بن علی بن ابیطالب ۴۰، ۶۷، ۷۹، ۱۰۹،
حسین بن مأمون ۴۹۴	۱۳۹-۱۴۲، ۱۵۴-۱۶۰، ۱۷۳، ح ۱۸۰،
حسین بن موسی بن جعفر ۴۲۱	۲۶۳، ح ۲۶۷، ۲۶۹، ح ۲۸۹، ۳۴۹، ح
حسین بن هشام ۴۹۰	۴۹۲، ۴۹۳
حسین (از کسان هارون) ۴۴۳	حسین بن علی بن الحسین ۲۶۷
حسین خادم ۵۴۲	حسین بن علی بن محمد ۵۳۶
حسین بن جنذب ۲۳۵	حسین بن علی بادغیسی (مأمونی) ۴۶۴، ۴۸۶
حسین بن کثیر عبدی ۴۰۷	حسین بن عماره ۳۵۰، ۳۸۹
حسین بن منذر ۲۵۴	حسین بن عمر فقیمی ۳۵۰، ۳۸۸
حسین بن نمیر سکونی ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۷، ۲۰۲،	حسین بن عمرو رستمی ۴۷۴
۲۰۳، ۲۱۷	حسین بن قحطبه طائی ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۳۴،
حف = خلف بن عمر بصری	۳۳۶، ۳۴۲، ۳۶۲، ۳۸۰، ۳۹۷، ۴۰۵

حمزة بن بیض حنفی ۲۴۵ ح	حفص بن سلیمان = ابوسلمه
حمزة بن عبدالله بن زبیر ۲۱۰	حفص بن عمر بن عبدالله بن عوف زهری ۳۶۷
حمزة بن عبدالمطلب ۴ ح، ۳۴۴ ح	حفص بن ولید حضرمی ۳۱۱
حمزة بن مالک ۴۰۲	حفصه ۴۰، ۴۶، ۱۷۳، ۵۱
حمزة بن موسی بن جعفر ۴۲۱	حکم بن ابی العاص ۵۶، ۶۲، ۶۹
حمزة بن نجیح ۴۴۵	حکم بن ایوب بن حکم نفقی ۲۵۲، ۲۲۶
حمزة خارجی ۴۷۵	حکم بن عمرو غفاری ۱۵۱
حمید بن عبد الحمید طائی طوسی ۴۶۸، ۴۸۴	حکم بن عوانة کلبی ۲۸۵، ۲۹۵، ۲۹۵ ح، ۳۰۸
حمید بن قحطبه طائی ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۵۲، ۳۵۲ ح،	حکم بن عیینة کنندی ۳۰۴
۳۸۸، ۳۷۰، ۳۶۸، ۳۵۳	حکم بن ولید ۳۰۵
حمید بن قیس بن اعرج ۳۴۹	حکم بن ولید بن یزید ۳۰۹، ۳۱۳
حمید بن معیوف ۴۴۴	حکیم بن ابی حازم ۲۴۸
حمید طویل ۳۸۹، ۳۵۰	حکیم بن (امیه بن حارثه بن) اوقص ۴۱، ۴۱ ح
حمیراء = عایشه	حکیم بن حزام ۷۳
حنتمه ۲۰، ۲۱، ۷۰	حلون بن عوف ازدی ۱۰۰
حنحل = یادشاه کابل شاه	حماد بن ابی سلیمان ۳۰۴
حنظلة بن ابی سفیان ۳۸۸	حماد بن زید ۳۸۹، ۴۴۵
حنظلة بن صفوان کلبی ۲۸۷، ۲۸۸	حماد بن سلمه ۳۸۹، ۴۰۵
حنظلة بن عراده ۱۹۲ ح	حماد بن عمرو ۴۵۹
حواری بن حنطان تنوخی ۲۶۲	حماد بن بری ۴۱۸، ۴۱۹
حوشب بن یزید ۲۲۵	حماد خادم ۴۶۴
حوط = عبد الواحد بن یحیی	حمار = مروان بن محمد
حویطب بن عبدالغزی ۷۳	حمدویه بن علی بن عیسی بن ماهان ۴۶۴ - ۴۶۶،
حهورن = شاه تبت	۴۷۴
حیاش بن حبیب ۳۵۲ ح	حمدویه بن علی بن فضل ۵۰۱، ۵۱۵
حیان عطار ۲۷۳	حمده ۴۱۹
حیان نبطی ۲۴۰، ۲۵۴	حمران بن ابان ۱۳ ح، ۶۳، ۶۹
حیدر بن کوس اسروشنی = افشین	حمزة بن اصیغ بن ذواله ۳۱۳ ح

- خالدين بن عبد الملك بن حارث بن حكم ۳۰۲  
 خالدين عثمان ۷۳  
 خالدين كثير (ابوالمغيره) ۳۶۱ ح  
 خالدين مهران ۳۸۹  
 خالدين وليد ۵-۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۸، ۱۹، ۲۱،  
 ۲۳، ۲۸، ۳۱، ۴۶  
 خالدين وليدين عبد الملك ۲۴۷  
 خالدين وليدين عقبه بن ابي معيط ۲۷۶ ح  
 خالدين يزيد بن اسيد سلمی ۴۳۸  
 خالدين يزيد بن مزید ۴۶۴، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۸۵،  
 ۴۸۶، ۵۰۰، ۵۰۹  
 خالدين يزيد بن معاويه ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۸۰،  
 خالدين يزيد ققيه ۴۴۵  
 خالد (يسر صبهري) ۴۱  
 خالد (مولای رشيد) ۴۲۷  
 خبيب بن عبد الله بن زبير ۲۳۷، ۲۳۸  
 خديجه (دختر خويلد) ۲۰۷  
 خديجه (دختر رشيد) ۴۷۳  
 خراشه حروري ۴۱۶  
 خريت بن راشد ناجي ۹ ح، ۱۰۰  
 خزيمه بن ثابت انصاري ۷۶  
 خزيمه بن خازم تميمي ۳۶۳، ۴۲۷، ۴۳۷، ۴۴۰،  
 ۴۴۰ ح، ۴۴۲، ۴۵۶  
 خسرو (آسيابان) ۳۸ ح  
 خسرو (پرويز) ۱۳، ۲۴، ۲۵  
 خطيب انصار = ثابت بن قيس  
 خفاف گرگاني ۳۵۲ ح  
 خفاف مروودي ۳۵۲
- حيون بن نجم بن هاشم ۴۳۹  
 حبي بن اخطب ۱۷۳  
 خ  
 خاتون بخارا ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۹۲  
 خارجه (يدرزن ابوبكر) ۱  
 خارجه بن حذافه ۳۳، ۱۳۸  
 خارجه بن زيد بن ثابت ۲۳۵، ۲۵۸، ۲۷۴  
 خازم بن خزيمه تميمي ۳۳۶، ۳۶۳ ح، ۳۷۳،  
 ۳۷۹  
 خاقان ترك (شاه تغزغز، شاه خزر) ۳۸ ح، ۶۱، ۲۴۲،  
 ۲۵۵، ۲۷۹، ۲۸۶، ۳۰۲، ۳۰۳ ح، ۳۱۰ ح،  
 ۳۹۸، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۳۹  
 خاقان خادم ۴۹۳، ۵۱۰  
 خالد حاجب ۲۸۱  
 خالدين ابراهيم (ابوداود) ۳۰۷ ح، ۳۶۱ ح  
 خالدين اسيد ۳۷۱  
 خالدين برمك ۳۲۰  
 خالدين ديبان ۲۴۷، ۲۵۹  
 خالدين دينار ۴۰۵  
 خالدين سعيد ۱۲  
 خالدين صفوان ۳۴۷  
 خالدين عبدالرحمان بن خالدين وليد ۱۵۲، ۱۵۳  
 خالدين عبدالله بن خالدين اسيد ۱۷۰، ۲۲۲ ح  
 خالدين عبدالله قسري ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۵۱،  
 ۲۵۲، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۸،  
 ۲۸۸ ح، ۲۸۹، ۲۹۳-۲۹۵، ۲۹۷، ۳۰۰،  
 ۳۰۸، ۳۰۹

داود بن يزيد بن حاتم مهلبى ٤١٤ ، ٤١٦ ، ٤٥٤	خلال = ابوسلمه
داود بن يزيد بن عبد الملك ٢٨١	خلف بن عمرو بصري ٤٦٩
داود بن يزيد بن عمر بن هبيرة ٣١٨ ، ٣٣٦	خليل بن عبدالله حنفي ١٧٢
داهر (ذاهر) ٢٤٤ ، ٢٤٤ ح ، ٢٤٥ ، ٢٤٥ ح	خليل بن سكن ٤٣٨
دحية بن اصبح بن عبدالعزيز ٤٠٨	خوارزمي ١٨٢
دختر آزاد مرد ٢٦	خوشه = ابراهيم بن مهدي
دختر ابوذر ٦٧-٦٩	خوله (دختر حارث) ١٧٣
دختر پیامبر خدا (رقية) ٦٣	خوله (دختر حكيم) ٤١
دختر جارود ١١٩	خولة حنفي (مادر محمد بن حنفيه) ١٣٩
دعبل ٢٦٩ ح	خولة فزاري ١٥٩
دقاقة بن عبدالعزيز ٤٢٧	خويلد بن قارظ ١٠٧ ح
دينار = ابو مهاجر	خياط = جعفر بن دينار
دينار بن دينار ٢٣٤	خيبري ٣١٤
دينار بن عبدالله ٤٧٤	نيزران ٣٩٩ ، ٤٠٦ ، ٤٠٩ ، ٤١١
ديوداد = ابو الساج	

## د

ذ	دا بر العفار ٥٢٨
ذؤابة بن وليد بن يزيد ٣٠٩	داود ٣٤٥ ، ٤٢٠ ، ٤٢١
ذوالاصبح = طلحة بن عبيدالله	داود بن زبرقان ٤٤٥
ذوالتاج = لقيط بن مالك	داود بن سليمان بن جعفر ٤٢٧
ذوالثديبه ٩٧	داود بن سليمان بن عبد الملك ٢٦٠
ذوالثقات = علي بن الحسين	داود بن علي ٢٥١
ذوالحاجب ٢٥٥ ، ٢٥٥ ح ، ٤٤٤ ح	داود بن علي بن عبدالله بن عباس ٢٩٢ ، ٣٢٣ ح ،
ذوالخمار = اسود عيسى	٣٣٠-٣٣٣ ، ٣٤٩
ذوالرياستين = فضل بن سهل	داود بن عيسى بن موسى هاشمي ٤٢٧ ، ٤٥٨ ، ٤٥٩ ،
ذوالشهادتين = خزيمه بن ثابت	٤٦٤
ذوالعلمين = علي بن ابي سعيد	داود بن مروان ٢٠٠
ذؤالة بن اصبح بن ذؤاله ٣١٣	داود بن نعمان ٤٤٤

رجاء بن سلام بن روح بن زباع جذامی ۳۹۹	ر
رجاء خادم ۴۴۶	راشد بن اسحاق ۴۹۷
رزین ۳۸۰	راشد بن سعد معری ۲۷۴، ۳۰۴
رستم ۲۴-۲۸	راشد بن عمرو جدیدی ازدی ۶۰، ۱۶۸
رسول خدا (رسول الله؛ رسول اکرم؛ محمد، پیغمبر، پیامبر، پیامبر خدا) ۱-۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴-۳۶، ۳۹-۴۳، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۳-۵۶، ۵۸، ۵۹، ۵۹ ح، ۶۳، ۶۵-۷۲، ۷۶-۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۵-۹۷، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۱۲ ح، ۱۲۱ ح، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴-۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۲ ح، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۴-۲۰۸، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۳۳، ۲۳۸، ۲۵۷، ۲۶۶-۲۶۹ ح، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۷، ۳۲۱، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۹، ۳۴۴ ح، ۳۴۸، ۳۵۹ ح، ۳۵۹، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۶، ۴۰۴، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۲۲، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۳، ۴۷۳، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۲۹، ۵۴۵	رافع بن خدیج ۷۴ ح، ۷۵ ح رافع بن لیث بن نصر بن سیار لثی ۴۳۶، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۰ ح راه ۲۸۴، ۲۹۶ راس طرخان ۳۶۲ رای = شاه سند رباح حاجب ۱۷۴ رباح بن عبد غسانی ۲۴۷ ربیع بن عامر ۲۷ ربیع بن خثیم نوری ۱۷۶ ربیع بن زیاد حارثی ۱۵۱، ۳۸۰ ربیع بن زیاد بن سابور ۳۰۰ ربیع بن عبدالله حارثی ۴۰۰، ۴۰۷ ربیع بن یونس ۳۸۰، ۳۸۷، ۳۹۰، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۰۲ ربیعة مکرری ۱۳۹ ربیعة بن ابی عبدالرحمان = ربیعة الراوی ربیعة الراوی ۳۰۴، ۳۴۹، ۳۸۸ ربیعة بن حارثه ۲۶۸ ح ربیعة بن عبدالرحمان فقیه ۳۰۵ ربیعة بن قیس حرشی ۴۵۵ رتیل ۲۲۱، ۲۲۹-۲۳۱، ۲۴۱، ۳۹۸ رجاء بن ابی ضحاک ۴۶۵، ۴۷۰ رجاء بن ایوب حضاری ۵۰۷، ۵۲۳ رجاء بن حیو ۲۴۹، ۲۵۹، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۴
رشید (هارون) ۳۰۳، ۳۸۳، ۳۹۶ ح، ۴۱۷-	
رشید هجری ۱۴۰	
رضا = علی بن موسی	
رفاعة بن شداد ۱۴۶، ۱۶۵	



زفر بن هذیل ۳۵۰	رفیل ۴۲ ح
رمشتری ۳۶ ح	رقاد ازدی ۲۳۱ ح
زن ابونذر ۶۷	رماحس بن عبدالعزیز ۳۱۵، ۳۱۵ ح
زن حجاج بن عثیک = ام جمیل	رواد بن مثنی ازدی ۳۶۱
زن داهر (ملکه سند) ۲۴۵	روح بن حاتم مهلبی ۳۶۳، ۳۸۰، ۳۹۸، ۴۱۶
زن نیرک ۲۴۱	روح بن زبایع جذامی ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۸، ۱۹۹
زن یزید بن عبدالملک ۲۷۴ ح	۱۹۹ ح، ۲۱۸، ۲۳۳
زهری (محمد بن مسلم بن شهاب) ۲۷۱	روح بن ولید ۲۴۷
زهیر بن سنان تمیمی ۴۸۳	روح بن یزید سکسکی ۲۷۳
زهیر بن عبد شمس ۲۸	ریا (مادر مروان حمار) ۳۱۳
زهیر بن قیس ۱۸۱	ریاح بن عثمان بن حیان مری ۳۶۶-۳۶۸
زهیر بن مسیب ضبی ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۶۳، ۴۶۷، ۴۶۸	ریطه (دختر حارث بن نوفل) ۲۹۹ ح
زهیر خثعمی ۳۷	ریطه (دختر سفاح) ۳۴۹، ۳۶۵، ۴۰۴
زیاد ۲۲۷	ریطه (مادر سفاح) ۲۷۲، ۳۲۹
زیاد اعجم ۲۴۵	ریطه (مادر یحیی بن زید) ۲۹۹ ح
زیاد بن ابی سفیان = زیاد بن عبید	
زیاد بن ابی طفیل ۴۰۵	ز
زیاد بن صالح خزاعی ۳۳۶	زائده بن معن بن زائده ۳۸۰، ۳۸۱
زیاد بن عبید ۳۰، ۱۲۰، ۱۴۶-۱۴۸، ۱۵۱	زبیر بن عباس ۳۹۸
۱۶۱، ۱۶۳ ح، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۱ ح، ۳۸۴	زبیر بن عوام ۳۳، ۴۱ ح، ۴۸، ۵۰، ۷۲، ۷۴
زیاد بن عبید الله حارثی ۳۴۹، ۳۵۸، ۳۷۹	۷۷-۸۱، ۸۳، ۸۷، ۸۷ ح، ۸۸، ۱۳۲، ۱۵۳
زیاد بن کلیب ۳۰۴	زبیر ۲۹۵
زیاد بن لبید بیاضی انصاری ۱۰، ۱۱، ۵۲، ۵۵ ح	زحاف طائی خارجی ۱۶۵، ۱۶۵ ح
زیاد همدانی ۱۴۶	زوبن حبیش ۱۷۶
زید ۲۱۳	زرعه ۲۹۲
زید بن اسلم ۳۴۹	زریق بن علی بن صدقه ازدی ۴۸۴
زید بن ثابت ۱۹، ۴۳، ۵۱، ۶۲، ۷۳، ۷۵ ح	زفر بن حارث کلابی ۱۹۱، ۱۹۷-۱۹۹، ۲۱۸
زید بن حارثه ۴۱ ح	زفر بن عاصم هلالی ۳۸۸

- زید بن حسن ۱۵۹  
 زید بن خطاب عدوی ۴۳۷  
 زید بن علی بن الحسین ۲۶۷، ۲۹۷-۲۹۹، ۳۴۴، ۳۴۴  
 ح ۳۴۴  
 زید بن عمر ۵۱  
 زید بن عمر بن عبدالعزیز ۲۷۴  
 زید بن موسی بن جعفر بن محمد ۴۲۱، ۴۶۱، ۴۶۶  
 زید بن نوفل ۲۷۴  
 زید بن وهب همدانی ۱۷۶، ۲۳۵  
 زید بن هارون ۴۵۹  
 زید بن ترک کی ۵۱۵  
 زینب (دختر امیر المؤمنین) ۱۸۰  
 زینب (دختر زبیر) ۴۱ ح  
 زین العابدین = علی بن الحسین  
 سائب بن یزید ۱۷۶، ۲۳۵  
 سابق خوارزمی ۳۲۳ ح  
 ساریه ۴۵  
 سالم افطس ۳۲۸، ۳۵۰  
 سالم بن ابی الجعد ۲۳۵، ۲۴۸، ۲۷۴  
 سالم بن عبدالله بن عمر ۲۳۵، ۲۵۸، ۲۷۴، ۲۸۲، ۳۰۴  
 سالم یونسی ۴۱۳  
 سامة بن لوی ۱۰۱، ۳۴۱، ۵۲۰  
 سباع بن معمر زدی ۳۲۰  
 سیهد طبرستان = اسپهد  
 سجاح ۴، ۸  
 سجاد = علی بن الحسین  
 سخاوی ۱۶ ح
- سدید حاجب ۱۹  
 سدید بن میمون ۳۳۳، ۳۴۳، ۳۴۴ ح، ۳۷۱، ۳۷۱  
 ح ۳۷۱  
 سراب (شتر بسوس) ح ۵  
 سری بن حکم بلخی ۴۵۴، ۴۶۰، ۴۶۲  
 سری بن منصور شیبانی = ابوالسرایا  
 سری بن عبدالله بن تمام بن عباس بن عبدال مطلب  
 ۳۷۹  
 سری بن عبدالله بن حارث بن عباس بن عبدال مطلب  
 ۳۸۸، ۳۸۷  
 سطح بن عمرو تغلبی ۳۹۸، ۳۹۸ ح  
 سمار (سعاد، مادرا براهیم بن ولید) ۳۱۲، ۳۱۲ ح  
 سعد ۱۸۵ ح  
 سعد بن ابی وقاص ۶، ۲۶-۳۷، ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۸، ۵۰، ۵۲، ۵۷، ۷۴، ۷۵، ۷۵  
 ح ۸۷، ۸۷ ح، ۱۷۳، ۱۷۳ ح  
 سعد بن زید ۲۲  
 سعد بن مالک ۱۴۴  
 سعد بن مسعود ثقفی ۱۱۱  
 سعد بن نمران همدانی ۱۶۳ ح  
 سعد بن هيثم بن شعبه بن زهير تمیمی ۴۴۰  
 سعید حاجب ۲۴۷  
 سعید بن اسبوع ۳۰۴  
 سعید بن اسلم بن زرعة کلابی ۲۲۸، ۲۲۸ ح  
 سعید بن ایاس ۴۰۵  
 سعید بن جبیر ۲۳۰، ۲۴۸  
 سعید بن خالد بن عمرو بن عثمان بن عفان ۲۸۱  
 سعید بن زید ۵۰

سفاح = ابوالعباس	سعید بن ساجور ٤٦٨
سفاح (عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس) ٢٩٢	سعید بن سرح ٤٤٩
سفيان ٣٧٣	سعید بن سلم بن قتيبة باهلي ٤١٣، ٤٣٩، ٤٤٠
سفيان ٤٠٨	سعید بن سليمان بن عبد الملك ٢٦٠
سفيان بن ابردكبي ٢٢٧، ٢٢٥	سعید بن صالح ٥١٤، ٥٤٢
سفيان بن حسن حماني ٤٠٥، ٤٤٥	سعید بن عاص ١٥، ٥٧، ٥٩، ٧٥، ١٥٥، ١٧٣، ١٧٥
سفيان بن سعيد ثوري ٣٨٩، ٤٠٥	سعید بن عبد العزيز جمعي ٤٤٤، ٤٠٥
سفيان بن عوف غامدي ٦٢، ١٠٣، ١٦٠، ١٧٥	سعید بن عبد العزيز بن حارث بن حكيم بن ابي العاص
سفيان بن عيينه ٤٤٥، ٤٥٩	٢٧٦-٢٨٨
سفيان بن معاوية بن يزيد بن مهلب ٣٦٩	سعید بن عبدالله حنفي ١٧٨
سفيان بن مهلب ٣٢٣	سعید بن عبد الملك ٢٣٣، ٢٨٢، ٣٠٢
سفيان بن يزيد عمي ٣٦٩	سعید بن عثمان بن عفان ١٧١، ١٧٢، ١٧٣
سفياني = يزيد بن عبدالله	ح ١٧٢
سقلاب (غلام مروان حمار) ٣٢٥	سعید بن عمرو بن جمده ٣٢٥
سكاسك بن وائله ٢٨١ ح	سعید بن عمرو حرشي ٢٧٧ ح، ٢٧٨ ح، ٢٨٥
سكاسك بن اشرس ٢٨١ ح	٢٨٦ ح، ٤٠٠
سكن بن موسى بيلقاني ٤٣٨، ٤٣٩	سعید بن قيس ١٠٣
سلام بن سليم ٣٣٥ ح	سعید بن محمد حراني لهبي ٤٣٧
سلام (غلام يزيد بن وليد) ٣١١	سعید بن مسيب ١٦٦، ١٧٦، ١٩٤، ٢٣٢، ٢٣٤، ٢٣٥، ٢٣٧، ٢٣٨، ٢٤٨، ٢٦٤
سلامة بربري (مادر منصور) ٣٥١، ٣٥٤	ح ٢٨٣
٣٥٩	سعید بن وليد بن يزيد ٣٠٩
سلق (سلقى) = محمد بن حسن	سعید بن ونوفار ٢٤١
سلم بن احوز هلالی ٣٠٦	سعید بن هشام ٣٠١، ٣٠٢
سلم بن زياد ٢٢٠	سعید بن يسار ٢٧٤، ٢٨٢
سلم بن سالم تميمي ٤٥٩	سعید خذینه = سعید بن عبد العزيز
سلم بن قتيبة باهلي ٣٨٠	سعید (مولای كلب) ١٩٣
سلمان بن ربيعة باهلي ٦١، ٧٣	
سلمان فارسی ٣٧، ٤٦	

سلیمان بن عمر بن عبدالعزیز ۲۷۴	سلمة الأحمري ۴۴۵، ۴۰۵
سلیمان بن فلیح ۴۴۴	سلمة بن علقمه ۴۰۵
سلیمان بن کثیر خزاعی ۲۸۸، ۳۰۰، ۳۰۷، ۳۰۷ ح	سلمة بن کمیل (کبیل) ۳۲۸، ۳۲۸ ح
سلیمان بن موسی بن جعفر ۴۲۱	سلمة بن محمد ۳۲۳ ح، ۳۳۰
سلیمان بن موسی هادی ۴۱۰	سلمی (مادرا بوبکر) ۱
سلیمان بن مهاجر ۳۳۴	سلیط بن عبدالله ۲۴۶، ۳۵۶
سلیمان بن مهران کاهلی ۳۸۸	سلیط بن عبدالله حنفی ۲۶۲
سلیمان بن وهب ۵۱۴	سلیم حاجب ۳۲۵
سلیمان بن هشام بن عبدالملک ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۴۴، ۳۴۲	سلیم ناصح ۲۴۰
سلیمان بن یحیی بن معاذ ۵۲۳	سلیمان ۱۹۳
سلیمان بن یزید بن اصم عامری ۴۴۰	سلیمان بن ابوجعفر منصور ۳۸۶ ح، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۲۶، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۵۶
سلیمان بن یزید بن عبدالملک ۲۸۱	سلیمان بن احمد بن سلیمان هاشمی ۴۸۳
سلیمان بن یسار ۲۳۵، ۲۴۸	سلیمان بن اسود ۲۳۵، ۳۲۳ ح
سلیمان بن یزید حارثی ۴۰۰	سلیمان بن جعفر بن سلیمان ۴۲۷
سلیمان تیمی ۳۵۰، ۳۸۹	سلیمان بن حبیب محاربی ۲۷۴
سلیمان نوفلی ۳۴۷	سلیمان بن حبیب بن مهلب ۳۱۷، ۳۸۶
سماک بن حرب ذهلی ۳۰۴	سلیمان بن داود ۱۵۸، ۲۳۹
سماک بن خرشه (سماک بن اوس بن خرشه) = ابودجانه	سلیمان بن سرد خزاعی ۱۵۹، ۱۹۹، ۲۰۰-۲۱۷، ۲۰۲
سماک بن مخزومه اسدی ۸۸	سلیمان بن عبدالله بن اصم ۴۲۷
سمر ۱۶۵ ح	سلیمان بن عبدالله بن طاهر ۵۳۴
سمط بن ثابت بن اصبغ بن ذؤاله ۳۱۳	سلیمان بن عبدالملک ۲۳۲-۲۳۴، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۵۰-۲۵۵، ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۶۸
سمیه (مادر زیاد) ۱۴۸، ۱۸۱	۲۷۳، ۲۷۵، ۳۰۴ ح
سنان بن سلمة هذلی ۱۶۸، ۱۷۱، ۲۴۹	سلیمان بن علی بن الحسین ۲۶۷
سنان بن مکمل غنوی ۲۲۰ ح	سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس ۲۹۲، ۳۳۰، ۳۴۹، ۳۵۷، ۳۷۰، ۳۷۹
سنباد ۳۵۷، ۳۵۶	
سندی بن شاهک ۳۵۳، ۴۱۵، ۴۱۹	

شبل بن طهمان (ابوعلی) ح ۳۰۷	سواده بن عبدالحمید جحافی ۴۸۴، ۴۸۵
شبل بن عبدالله ح ۳۴۴	سواده بن عیدالله نمیری ح ۲۲۰
شبل بن معبد عجلی ۳۰، ۳۰ ح ۳۰	سوار بن عبدالله عنبری ۳۸۱، ۳۸۷، ۳۸۹
شیبب بن بجره اشجعی ۱۴۹	سوار بن همام ۱۶۸
شیبب بن حمید بن قحطبه ۴۹۴	سودان بن حمران ۷۲
شیبب بن شیهه ۳۹۳	سوره بن اشیم نمیری ح ۲۲۰
شیبب بن واج ۳۵۵	سوره بن حردارمی ۲۷۷
شیبب بن یزید شیبانی حروری ۲۲۵، ۲۲۶	سوره بن محمد بن عزیز کندی ح ۳۰۶
شجاع بن قاسم ۵۲۵، ۵۲۷	سوید ۹۲، ۹۳
شجاع بن ورقا ۱۴	سوید بن غفله جعفی ۱۷۶
شجاع (مادر متوکل) ۵۱۲	سوید بن قطبه ۱۹
شداد بن اوس ۲۱	سهل بن حنیف ۱۱۶
شریک بن شیخ مهری ۳۳۶	سهل بن سعد ساعدی ۲۲۲
شراحیل ح ۳۲۳	سهل بن سباط ۴۹۹، ۵۰۰
شرحیل بن حسنه ۷، ۱۲، ۲۲، ۳۷	سهیل بن عمرو ۹۱، ۹۵، ۹۶
شرحیل بن ذی الکلاع حمیری ۱۹۸، ۲۰۲	سیحان بن سوحان ح ۹
شروانشاه ح ۲۸۶	سیدالشهدا = حمزه بن عبدالمطلب
شروین (شاه طخارستان) ۳۹۸، ۴۳۶	سید بن انس ۴۶۱
شریح بن حارث کندی ۱۷۶، ۲۳۵	سیرین (یدرمحمد) ح ۱۳
شریک بن شداد حضرمی ۱۶۳	سیمادمشقی ۵۰۴، ۵۱۲
شریک بن عبدالله نخعی ۳۸۷، ۴۰۲، ۴۰۵، ۴۴۵	سیماشرابی ۵۰۴
شعبه بن حجاج عبیدی ۳۸۹، ۴۰۵	سیماصعلوک ۵۳۳
شعبه بن حرکان ۵۴۴	سیوطی ح ۱۶، ح ۲۲، ح ۱۴۴، ح ۱۶۶
شعبه بن مره ۲۷	
شعبی = عامر بن شراحیل	ش
شعیب بن سهل قاضی ۵۰۶	شافعی ح ۴۰۸
شعیب بن صفوان ۴۴۵	شاهفرید (مادر یزید بن ولید) ح ۳۱۰، ۳۱۰ ح
شقیق خادم (ابوصحبه) ۵۳۶، ۵۴۳، ۵۴۶	شبت بن ربیع ۹۳

- شقیق بن سلمه ۱۷۶، ۲۴۸  
 شکه ۴۵۷  
 شمیر ختمی ۹۸  
 شنیف خادم ۵۲۰، ۵۴۵  
 شوذب حروری ۲۷۱، ۲۷۱ ح، ۲۷۲  
 شهرستانی ۱۶ ح  
 شیبان بن عبدالعزیز یشکری = ابودلفا  
 شیبه بن عثمان ۱۴۰  
 شیخ مفید ۱۷۰ ح  
 شیر (شاه بامیان) ۳۹۸  
 شیرویه بن کسری ۳۱۰ ح
- ص**
- صاحب اشهب (عنزی خارجی) ۲۹۳ ح  
 صاحب البلاغه = محمد بن لیث  
 صاحب الرحبه ۱۷۰ ح  
 ساعد (مولای منصور) ۳۸۰  
 صالح بن ابی جعفر منصور ۳۸۶، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۰۴  
 صالح بن ابی عبیدالله ۴۰۱  
 صالح بن صبیح کندی ۳۴۱  
 صالح بن عبدالقدوس ۴۰۱  
 صالح بن عجیف بن عنیسه ۵۰۲  
 صالح بن علی بن عبدالله بن عباس ۲۹۲، ۳۲۳ ح،  
 ۳۲۴-۳۲۶، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۵۲، ۳۷۹،  
 ۳۸۴، ۳۸۷، ۳۸۸  
 صالح بن عمرو ۱۷۴  
 صالح بن کیسان ۳۲۸  
 صالح بن محمد ۳۳۹
- صالح بن وصیف ۵۳۵-۵۳۸  
 صالح بن هارون رشید ۴۴۳، ۴۷۳  
 صالح (پیامبر) ۱۸۲  
 صالح معتمدی = صالح بن عجیف  
 صباح ۴۱۸، ۴۱۹  
 صخر (نای ابوبکر) ۱  
 صخر بن حرب = ابوسفیان  
 صدقه بن ولید ۲۴۸  
 صدقه بن یسار جزری ۳۴۹، ۳۴۹ ح  
 صعصعه بن صوحان ۷۶، ۱۱۸، ۱۹  
 صغیر (غلام مهدی) ۴۰۴  
 صفار = یعقوب بن لیث  
 صفر بن لیث عتبی ۳۶۲  
 صفوان بن امیه ۶۹ ح  
 صفوان حاجب ۱۹۳  
 صفوان عقیلی ۵۳۳  
 صفیه ۴۰، ۱۷۳  
 صلت بن حجاج ۴۴۵  
 صله بن اشیم عدوی ۱۹۲ ح  
 صوفی = ابراهیم بن محمد  
 صهیب بن سنان ۵۰، ۷۵ ح  
 صیفی بن فسیل شیبانی ۱۶۳
- ض**
- ضحاك بن قیس حروری ۳۱۳-۳۱۵  
 ضحاك بن قیس فهري ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۷۴، ۱۹۷،  
 ۱۹۸  
 ضرار بن ازوراسدی ۶ ح، ۱۰، ۱۰ ح

ط	ظ
طارق بن ابی زیاد ۲۹۵	طلحة الطلحات = طلحة بن عبد الله بن خلف
طارق بن زیاد ۲۳۹، ۲۴۸، ح ۲۵۲	طلیحة بن خویندا سدی ۴-۶ ح
طالب الحق = عبد الله بن یحیی کندی	طوق بن مالک ربیع ۴۸۸
طاوس یمانی ۲۷۴، ۲۸۲، ۳۰۴	طیفور بن عبد الله بن منصور حمیری ۴۱۳
طاهر بن ابراهیم ۴۹۴، ۴۹۶، ۴۹۸	
طاهر بن حسین بن مصعب بوشنجی ۴۵۲-۴۵۷،	ظ
۴۶۳، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۹۴، ۵۱۶	ظفر بن یمان ۵۴۲
طاهر بن عبد الله بن طاهر ۵۰۷، ۵۲۶	
طاهر بن محمد بن عبد الله بن طاهر ۵۳۴	ع
طاهر بن محمد صنمائی ۴۸۲، ۴۸۳	عاتکه (مادر احمد بن عیسی) ۴۳۳ ح
طبر سراثناه ۲۸۶ ح	عاتکه (مادر یزید بن عبد الملك) ۲۶۹ ح، ۲۷۵
طرخان (شاه خزر، شاه ترك) ۳۶۲، ۳۹۸	عاص بن وائل سهمی ۴۵
طرخون (شاه سفد) ۱۹۲، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۴۲	عاص بن ولید بن یزید ۳۰۹
طریفة بن حاجز ۱۴، ۱۴ ح	عاصم بن جمیل اباضی ۳۸۲
طفیل بن حارثه ۳۱۳ ح	عاصم بن عبد الله بن یزید هلالی ۳۱۱، ۳۱۴
طفیل غنوی ۲ ح	عاصم بن عمر بن خطاب ۵۱، ۲۶۱
طلب بن حجاج ۴۴۵ ح	عاصم بن عمر بن عبد العزيز ۲۷۴
طلحة بن حسن ۱۵۹	عاصم بن عمر بن قتاده ۲۷۴، ۲۸۲، ۳۰۴
طلحة بن داود حضرمی ۲۵۱	عاصم بن عمرو تمیمی ۲۶
طلحة بن زریق خزاعی ۳۰۷ ح	عاصم بن عوف بجلی ۱۶۳ ح
طلحة بن طاهر ۴۷۷، ۴۸۵	عاصم بن یزید هلالی ۳۰۲
طلحة بن عبد الله بن خلف خزاعی ۱۹۲، ۸۲	عاصم بن یونس عجلی ۳۰۰
طلحة بن عبید الله تیمی ۵، ۴۸، ۵۰، ۷۲، ۷۴	عاصم حبشی ۲۷۲ ح
۷۷ - ۸۰، ۸۳، ۸۷، ۸۷ ح، ۸۸، ۱۳۲	عافیة بن یزید ازدی ۴۰۲
ح ۳۸۶	عالیه (دختر عبید الله بن عباس) ۲۹۲
طلحة بن مالک طائی ۲۷۳	عاصم بن اسماعیل حارثی ۳۲۵ ح، ۳۶۲، ۳۶۳
طلحة بن مصرف همدانی ۳۰۴	عاصم بن شراحیل شعبی ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۴۷
	۲۷۴، ۲۴۸

- ۵۰۲  
 عامر بن ضبارة مری ۳۰۷، ۳۱۴، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۳۴  
 عباس بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس ۳۳۰  
 عامر بن عمارة مری ۴۱۵  
 عباس بن محمد بن موسی جعفری ۴۶۱  
 عامر بن وائله ۱۴، ۲۷۲  
 عباس بن مسیب بن زهیر ۴۹۴  
 عایشه ۴۰، ۶۴، ۷۱، ۷۲، ۷۷-۷۹، ۸۱-۸۳  
 عباس بن معتصم ۵۰۵  
 عباس بن موسی بن جعفر ۴۲۱  
 عیاد ۹ ح  
 عباس بن موسی هادی ۴۱۰، ۴۴۳، ۵۱۲  
 عیاد بن عیاد مهلبی ۴۴۵  
 عباس بن موسی بن عیسی هاشمی ۴۴۳، ۴۵۹-۴۶۱  
 عیاد بن عبدالله بن زبیر ۲۰۴  
 عباس بن ولید بن زبیر ۲۰۴  
 عباس بن ولید ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۸ ح، ۲۷۶، ۲۸۱  
 عیاد بن محمد ۴۵۴، ۴۵۵  
 عباس بن یثیم بن بزرگمهر دینوری ۴۶۹ ح  
 عیاد بن صامت ۳۳  
 عیاد بن حکیم بن کون ۴۵۵  
 عباس بن جری بن یزید بن جری بن عبدالله بجلی ۴۳۸  
 عبدالاعلی بن احمد بن یزید بن اسید سلمی ۴۸۵  
 عباس بن جعفر ۳۷۸  
 عبدالاعلی بن سمح معافری ۳۸۲  
 عباس بن زفر هلالی ۴۴۱، ۴۶۲  
 عبدالجبار بن عباس همدانی ۳۵۰، ۳۸۹  
 عباس بن سعید ۴۱۸  
 عبدالجبار بن عبدالرحمان ازدی ۳۴۷، ۳۶۰  
 عباس بن سعید جوهری ۴۸۹  
 عبدالجبار بن یزید بن عبدالملک ۲۸۱  
 عباس بن عبدالله بن جعفر بن ابی جعفر ۴۴۴  
 عبدالحمید بن ربیع ۳۲۳ ح، ۳۳۰  
 عباس بن عبدالله بن عباس ۲۰۸  
 عبدالحمید بن عبدالرحمان ۲۷۲ ح  
 عباس بن عبدالطلب ۳۴-۳۶، ۳۶، ۳۳۱، ۳۳۱ ح، ۳۳۳  
 عبدالحمید بن یحیی منشی ۳۲۵  
 عباس بن علی ۱۳۹، ۵۴۴  
 عبدالحمید مدنی ۴۰۵  
 عباس بن فضل ۴۲۷  
 عبد ربه بن عبدالله بن عمیر لثی ۲۴۱  
 عبدربه بزرگ ۲۲۶  
 عباس بن مأمون ۴۷۹، ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۹۴، ۴۹۵



- عبدربه كوجك ٢٢٦  
عبدالرحمان = ابومسلم خراساني  
عبدالرحمان بن ابي بكر ١٩، ١٦٠  
عبدالرحمان بن ابي بكره ١٤٥  
عبدالرحمان بن ابي ليلى ٢٣٥، ٣٤٧  
عبدالرحمان بن اسحاق ٤٩٧  
عبدالرحمان بن ام حكيم ١٤٢، ١٦٤، ١٦٥  
عبدالرحمان بن بديل بن ورقاء خزاعي ٨٠  
عبدالرحمان بن جبلة ٤٥٣  
عبدالرحمان بن جبير ٣٠٤  
عبدالرحمان بن جحدم فهري ١٩٧، ١٩٩  
عبدالرحمان بن حاطب ١٧٦، ٢٤٨  
عبدالرحمان بن حبيب ازدي ٤٨٥، ٤٨٩، ٥٢٧  
عبدالرحمان بن حبيب بن ابي عبيدة بن عقبة بن نافع  
فهري ٣٤٠، ٣٤٠ ح  
عبدالرحمان بن حرمله اسدي ٣٤٩  
عبدالرحمان بن حسان عنزي ١٦٣  
عبدالرحمان بن حنبل جمعي ٦٩ ح  
عبدالرحمان بن حسن ١٥٩  
عبدالرحمان بن حصين بن سويد ٩٢  
عبدالرحمان بن حميد كلبى ٣٠٩  
عبدالرحمان بن حنبل صحابي ٦٩، ٦٩ ح  
عبدالرحمان بن حيسان مري ٢٥٢  
عبدالرحمان بن خاقان ٥١٨  
عبدالرحمان بن خالد بن وليد ١٥٣، ١٧٥  
عبدالرحمان بن ذكوان ٣٢٨  
عبدالرحمان بن زياد ١٧١، ١٧١ ح، ١٧٢  
عبدالرحمان بن سائب ١٧٠ ح
- عبدالرحمان بن سعيد بن قيس همداني ٢٠٢  
عبدالرحمان بن سكن ٣٦٠  
عبدالرحمان بن سليمان بن عبدالملك ٢٦٠  
عبدالرحمان بن سليمان كلبى ٢٨٢  
عبدالرحمان بن سمرة بن حبيب بن عبدشمس بن عبد  
مناف بن قصي ٥٩، ٥٩ ح  
عبدالرحمان بن شبيب ١٠٤  
عبدالرحمان بن ضحاك بن قيس فهري ٢٧٨، ٢٧٩،  
٢٨١  
عبدالرحمان بن عباس بن ربيعة هاشمي ٢٣٠، ٢٣١  
عبدالرحمان بن عباس بن عبدالمطلب ١٥٣  
عبدالرحمان بن عبدالله بن عباس ٢٠٨  
عبدالرحمان بن عبدالله عمرى ٤٤٤  
عبدالرحمان بن عبدالملك بن صالح ٤٣٤، ٤٤٨  
عبدالرحمان بن عبيدالله بن عباس ١٠٧  
عبدالرحمان بن عثمان ثقفى ٢١٨  
عبدالرحمان بن عديس بلوى نجيبى ٧٠، ٧١ ح،  
٧٢  
عبدالرحمان بن على بن عبدالله بن عباس ٢٩٢  
عبدالرحمان بن عمر ٥١  
عبدالرحمان بن عمر بن عبدالعزيز ٢٧٤  
عبدالرحمان بن عمر - اوزاعي ٣٥٠، ٣٨٩، ٤٥٩  
عبدالرحمان بن عوف ١٧، ٤١ ح، ٤٦ - ٥٣، ٥٠  
٦٣، ٧٣، ٨٢ ح  
عبدالرحمان بن مالك ٤٠٥  
عبدالرحمان بن محمد بن اشعث بن قيس ٢٢٩ - ٢٣١،  
٢٧٦  
عبدالرحمان بن مسلم باهلي ٢٤٢

- عبدالرحمان بن مسهر ۴۵۹  
 عبدالرحمان بن مصاد ۳۱۰  
 عبدالرحمان بن ملجم مرادی ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۱  
 ۳۴۶، ۱۴۹ ح  
 عبدالرحمان بن نعیم غامدی ۲۶۲، ۲۶۳  
 عبدالرحمان بن ولید ۲۴۸  
 عبدالرحمان بن هشام ۳۰۱  
 عبدالرحمان بن یزید نخعی ۲۳۵  
 عبدالرحمان بن یسار ۶۲  
 عبدالرحمان بطریق ۴۸۲  
 عبدالرحمان عتیبی قینی ۱۷۵، ۱۷۵ ح  
 عبدالرحمان (والی سند) ۴۱۴  
 عبدالسلام بن عبدالملک دمشقی ۴۰۵  
 عبدالسلام جذامی ۴۸۷  
 عبد شمس بن امیه ۳۳۸  
 عبدالصمد بن علی بن عبدالله بن عباس ۲۹۲، ۳۲۳ ح،  
 ۳۳۰، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۷۸، ۳۸۷،  
 ۳۸۸، ۴۱۳، ۴۴۱، ۴۴۳  
 عبدالعزیز بن ابی حازم ۴۰۵، ۴۴۴  
 عبدالعزیز بن ابی رواد ۳۸۸  
 عبدالعزیز بن حاتم بن نعمان باهلی ۲۶۳  
 عبدالعزیز بن حجاج بن عبدالملک ۳۱۱، ۳۱۱ ح،  
 ۳۱۳  
 عبدالعزیز بن عبدالصمد ۴۴۵  
 عبدالعزیز بن عبدالله بن خالد بن اسید ۲۶۰  
 عبدالعزیز بن عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان ۳۱۵  
 عبدالعزیز بن علی بن عبدالله بن عباس ۲۹۲  
 عبدالعزیز بن عمر بن عبدالعزیز ۲۷۴، ۳۱۱،
- ۳۱۱ ح، ۳۱۲، ۳۲۷  
 عبدالعزیز بن عمران طائی ۴۶۹  
 عبدالعزیز بن محمد درآوردی ۴۴۴  
 عبدالعزیز بن مروان ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۲۱، ۲۲۸،  
 ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۶۹، ۲۶۹ ح  
 عبدالعزیز بن وزیر جروی ۴۶۰-۴۶۲  
 عبدالعزیز بن ولید ۲۴۳، ۲۴۸، ۲۶۱  
 عبدالقاهر (عبدالقهار) ۳۹۸، ۳۹۸ ح  
 عبدالکبیر بن عبدالحمید ۴۳۷  
 عبدالکریم بن سلیط بن عطیة حنفی ۲۹۹، ۳۲۸،  
 ۳۵۰  
 عبدالکریم حجبی ۴۲۷  
 عبدالکعبه = عبدالرحمان بن سمره  
 عبدالله بن ابی برد بن ابوموسی اشعری ۲۸۹  
 عبدالله بن ابی بکر ۱۸  
 عبدالله بن ابی بکر بن محمد بن عمرو بن حزم ۲۷۴،  
 ۲۸۲  
 عبدالله بن ابی رافع ۹۱  
 عبدالله بن ابی ربیع ۵۲  
 عبدالله بن ابی سرح = عبدالله بن سعد بن ابی سرح  
 عبدالله بن ابی عبدالله کرمانی ۲۴۲  
 عبدالله بن ابی نجیح ۳۰۴، ۳۲۸  
 عبدالله بن ادیس اودی ۴۴۵  
 عبدالله بن اسحق بن ابراهیم ۵۱۷، ۵۳۰  
 عبدالله بن اصلح کنندی ۴۴۵  
 عبدالله بن امیه بن عبدالله ۲۲۱، ۲۴۱  
 عبدالله بن اهتم تمیمی ۲۵۳  
 عبدالله بن بدیل بن ورقاء خزاعی ۴۶، ۸۰

عبدالله بن سعد بن ابی سرح ۵۶، ۵۸، ۶۹، ۷۱، ۷۳	عبدالله بن بسام ۳۲۳ ح، ۳۳۰
عبدالله بن سعید حرشی ۴۶۴	عبدالله بن جارود ۴۱۶
عبدالله بن سلام ۷۴ ح، ۷۵ ح	عبدالله بن جعفر بن ابیطالب ۶۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۹۲
عبدالله بن سلیمان بن عبدالملک ۲۶۰	عبدالله بن جعفر بن محمد ۳۷۸
عبدالله بن سلیمان بن علی ۴۰۰	عبدالله بن جعفر مدینی ۴۴۴
عبدالله بن سوار ۱۶۸، ۱۶۸ ح	عبدالله بن جلیس هلالی ۴۸۷
عبدالله بن شبرمه ۳۴۷، ۴۴۵	عبدالله بن حارث ۸۹
عبدالله بن شبیل احمسی ۱۱۵، ۱۱۶	عبدالله بن حسن بن حسن ۲۶۹ ح، ۲۷۹ ح، ۳۲۹، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۰ ح، ۳۶۶
عبدالله بن شجره کندی ۳۱۱	عبدالله بن حمید بن قحطبه طائی ۴۵۴
عبدالله بن شخیر ۱۷۶، ۱۷۶ ح	عبدالله حنظله بن ابی عامر انصاری ۱۹۱
عبدالله بن ساعد ۴۷۲، ۵۰۹	عبدالله بن حویه سمدی ۱۶۳ ح
عبدالله بن صالح بن علی بن عبدالله بن عباس ۳۳۰، ۳۷۹	عبدالله بن خازم ۵۹، ۶۰، ۱۴۵، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۷، ۴۵۸، ۴۴۲، ۴۰۹، ۲۲۰
عبدالله بن صفوان جمحی ۳۸۷	عبدالله بن خالد بن اسید ۶۲
عبدالله بن طاوس ۳۴۹	عبدالله بن خباب بن ارت ۹۴
عبدالله بن طاهر ۴۷۶، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۵، ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۰۳، ۵۰۷، ۵۰۸	عبدالله بن خلف خزاعی ۸۲
عبدالله بن عامر بن کرز ۵۹، ۶۰-۶۲، ۶۴، ۷۳	عبدالله بن دراج ۱۴۵
عبدالله بن عامر ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۶۰، ۱۶۸ ح	عبدالله بن دینار ۲۷۴، ۲۸۲
عبدالله بن عامر ۲۳۰، ۲۴۱ ح	عبدالله بن ربیع حارثی ۳۶۳، ۳۸۶، ۳۹۴، ۴۲۷
عبدالله بن عامر نیهی ۲۸۹	عبدالله بن ریاح ۱۹۳
عبدالله بن عامر همدانی ۱۹۳	عبدالله بن زبیر (ابن زبیر، پسر زبیر) ۵۸، ۷۹، ۱۸۱، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۷۷، ۱۶۰، ۱۸۷-۱۸۴
عبدالله بن عباس (ابن عباس، پسر عباس) ۴۷-۴۹، ۵۲، ۷۳، ۸۱، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۲، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۷	عبدالله بن زبیر (ابن زبیر، پسر زبیر) ۱۹۱-۱۹۳، ۱۹۷-۱۹۹ ح، ۲۰۱-۲۰۳، ۲۰۷ ح، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۳-۲۱۷، ۲۲۰-۲۲۲، ۲۲۴، ۲۳۳
عبدالله بن عباس ۲۰۸، ۲۰۸ ح، ۲۳۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۷۴	عبدالله بن زید ۲۴۹، ۲۷۴
عبدالله بن عباس بن محمد ۴۴۳	

- عبدالله بن عباس بن موسی بن عیسی هاشمی ۴۶۰، ۴۶۱  
عبدالله بن عبدالاعلی ۱۳ ح  
عبدالله بن عبدالحمید بن عبدالله بن عبدالعزیز بن  
عبدالله بن عمر بن خطاب ۵۳۹  
عبدالله بن عبدالرحمن ۳۴۹ ح  
عبدالله بن عبدالمدان حارثی ۱۰۷، ۱۰۷ ح  
عبدالله بن عبدالملک ۲۳۳، ۲۳۴ ح، ۲۷۲، ۳۲۴،  
۳۸۳  
عبدالله بن عبدالله بن عباس ۳۶۸  
عبدالله بن عثمان بن خثیم ۳۴۹  
عبدالله بن عثمان بن عامر = ابوبکر  
عبدالله بن عطاء اشعری ۱۸۵، ۱۸۵ ح  
عبدالله بن عقیل ثقفی ۱۵۱  
عبدالله بن علی بن ابیطالب ۲۵ ح، ۱۳۹  
عبدالله بن علی بن الحسین ۲۶۷  
عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس ۲۹۲، ۳۲۳ ح،  
۴۲۴، ۳۳۰، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۴۹، ۳۵۱ -  
۳۵۴، ۳۵۷، ۳۵۸  
عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس (عبدالله اصغر) ۲۹۲،  
۳۱۲  
عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس (عبدالله اوسط) ۲۹۲  
عبدالله بن علی مرادی ۴۰۸  
عبدالله بن عمر ۴۰، ۵۰، ۵۱، ۷۳-۷۵ ح، ۹۲،  
۱۴۸، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۷۶، ۱۸۵،  
۲۰۱، ۲۱۵، ۲۳۵، ۲۵۸، ۲۷۴، ۳۰۴  
عبدالله بن عمر بازیار (نازیار) طبرستانی ۲۶۹ ح،  
۲۷۰ ح  
عبدالله بن عمر بن حفص بن عاصم بن عمر بن خطاب
- ۳۴۹  
عبدالله بن عمر بن عبدالعزیز ۲۷۴، ۲۷۴، ۳۱۳  
عبدالله بن عمر لیثی ۱۹۱، ۲۷۸ ح  
عبدالله بن عمر بن ولید ۲۶۰  
عبدالله بن عمرو بن عاص ۸۴، ۸۵، ۹۲، ۱۵۱  
عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان ۲۵۲  
عبدالله بن عمرو بن حضرمی ۷۳  
عبدالله بن عون مزنی ۳۸۹  
عبدالله بن قنفذ تیمی ۶۹  
عبدالله بن قیس ۴۴ ح، ۱۷۶  
عبدالله بن قیس = ابوموسی اشعری  
عبدالله بن لهیعة حضرمی ۳۸۷، ۴۰۲، ۴۰۵  
عبدالله بن مالک خزاعی ۴۰۲، ۴۰۹، ۴۱۹، ۴۳۶،  
۴۴۲، ۴۸۲  
عبدالله بن محرز ۳۸۹  
عبدالله بن محمد امین ۴۵۸، ۵۱۲  
عبدالله بن محمد بن ابراهیم زینبی ۴۰۰  
عبدالله بن محمد بن داود هاشمی ۵۱۲  
عبدالله بن محمد بن علی بن ابیطالب (ابوهاشم) ۲۵۵،  
۲۵۷-۲۹۹ ح، ۳۴۸  
عبدالله بن محمد بن علی بن الحسین ۲۹۱  
عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس = ابو-  
جعفر منصور  
عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس = ابو-  
العباس سفاح  
عبدالله بن محمد بن عمران تیمی ۴۰۲  
عبدالله بن مروان بن حکم ۲۰۰، ۳۱۴  
عبدالله بن مروان بن محمد ۳۲۵-۳۲۷، ۳۳۲، ۳۹۴

عبدالمطلب ۱۸۹	عبدالله بن مسعود بن حذیفه بن بدر فزاری ۱۰۳
عبدالمک بن جحاف سلمی ۴۸۳، ۴۶۱	۱۹۱، ۱۷۵، ۱۰۴
عبدالمک بن جریج ۳۸۸، ۳۴۹	عبدالله بن مسعود ۱۹، ۳۷، ۴۱، ح، ۵۱، ۶۴، ۵۵
عبدالمک بن خلیفه حرشی ۴۳۸	۷۳، ۶۵
عبدالمک بن شهاب مسمی ۳۹۸	عبدالله بن مصادا سدی ۴۸۶
عبدالمک بن صالح بن علی هاشمی ۴۱۶، ۴۳۳ -	عبدالله بن مصعب زبیری ۴۱۸
۴۳۵، ۴۴۴، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۰	عبدالله بن مطیع ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۲
عبدالمک بن عثمان ۷۳	عبدالله بن معاویه بن ابی سفیان ۱۷۴
عبدالمک بن عطیه سعدی ۳۱۵، ۳۱۶	عبدالله بن معتز ۵۳۷، ۵۳۹
عبدالمک بن علی بن عبدالله بن عباس ۲۹۲	عبدالله بن معمر بشکری ۲۶۲
عبدالمک بن عمیر بن سوید لخمی ۲۱۲ ح	عبدالله بن موسی بن جعفر ۴۲۱
عبدالمک بن عمیر لیثی ۳۲۸، ۳۴۹	عبدالله بن موسی لخمی ۲۸۰
عبدالمک بن محمد بن عطیه سعدی ۳۲۷، ۳۲۷ ح	عبدالله بن موسی هادی ۴۱۰
عبدالمک بن مروان ۷۴ ح، ۱۱۲ ح، ۱۴۴ ح، ۱۹۷	عبدالله بن مهدی ۴۲۷
۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۱-۲۱۳،	عبدالله بن نمیر ۴۵۹
۲۱۷-۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۲-۲۳۶،	عبدالله بن واثق ۵۱۱
۲۵۸، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۷۵، ۲۸۳ ح، ۲۸۸ ح	عبدالله بن وهب راسبی ۹۳
عبدالمک بن مروان بن محمد ۳۲۵، ۳۸۴	عبدالله بن هارون = مأمون
عبدالمک بن مسلم عقیلی ۲۸۵	عبدالله بن هشام ۳۰۱
عبدالمک بن میسره هلالی ۲۷۴، ۲۸۲، ۳۰۴	عبدالله بن هیشم بن سام ۴۲۲
عبدالمک بن یزید (ابوعون) ۳۲۱، ۳۲۵ ح	عبدالله بن یحیی کندی ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۲۷، ۳۲۷ ح
عبدالمک بن یعلی لیثی ۲۷۴	عبدالله بن یزید بن عبدالملک ۳۲۴
عبدالمنعم بن نعیم ۴۴۵	عبدالله بن یزید بن معاویه ۱۹۳
عبدالواحد بن سلامه طحلازی ۴۹۴	عبدالله بن یزید حکمی ۲۳۳
عبدالواحد بن سلیمان بن عبدالملک ۲۶۰، ۳۱۵،	عبدالله (برادر بابک) ۵۰۰
۳۲۷	عبدالله = بطال
عبدالواحد بن عبدالله بن بشر نضری ۲۷۹، ۲۸۱	عبدالله طائی ۳۲۳ ح
عبدالواحد بن عمر بن هبیر ۳۲۳	عبدالله = نیزک طرخون

- عبدالواحد بن يحيى ۵۱۶  
 عبدالوارث بن حبيب ۳۴۰ ح  
 عبدوس بن محمد بن ابي خالد ۴۶۳  
 عبدالوليد بن هشام ۲۸۱  
 عبدالوهاب بن ابراهيم بن محمد بن علي بن عبدالله بن عباس ۳۲۳ ح، ۳۳۰، ۳۷۹، ۳۸۷  
 عبدالوهاب بن بخت ۳۰۳ ح  
 عبدالوهاب ثقفى ۴۵۹  
 عبدويه بن جيله ۴۸۷  
 عبدى = محمد بن حصين  
 عبيد بن ابي سبيح ۲۳۱  
 عبيد (بدر زياد) ۱۷۸، ۱۴۸، ۱۴۷  
 عبيدالله بن ابي بكر ۱۶۵، ۲۴۰ ح  
 عبيدالله بن جعباب ۲۸۷  
 عبيدالله بن حسن ۱۵۹  
 عبيدالله بن حسن علوى ۴۷۴  
 عبيدالله بن حسن عنبرى ۴۴۵، ۴۰۲  
 عبيدالله بن زياد ۱۸۱، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۸۲، ۲۰۰-۲۰۳، ۲۱۲، ۲۱۷  
 عبيدالله بن زياد بن ظبيان ۲۱۲، ۲۱۲ ح  
 عبيدالله بن سرى ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۸۱  
 عبيدالله بن عباس ۲۹۲، ۱۴۱، ۱۰۷، ۱۰۵، ۷۷  
 عبيدالله بن عبدالرحمان ازدي ۳۶۱  
 عبيدالله بن عبدالله بن طاهر ۵۳۴  
 عبيدالله بن عبدالله بن عتبة بن مسعود ۲۷۴، ۳۰۴  
 عبيدالله بن (عبدالله بن) عبدالمدان حارثى ۳۲۹، ۲۷۲  
 عبيدالله بن علي ۲۰۹، ۱۳۹  
 عبيدالله بن علي بن عبدالله بن عباس ۲۹۲  
 عبدالله بن عمر ۷۰، ۵۵، ۵۱  
 عبدالله بن عمر بن عبدالعزيز ۲۷۴  
 عبدالله بن مأمون ۴۹۴  
 عبدالله بن محمد بن علي بن الحسين ۲۹۱  
 عبدالله بن مروان ۲۰۰  
 عبدالله بن مروان بن محمد ۳۲۵  
 عبدالله بن معمر تيمي ۵۹  
 عبدالله بن موسى بن جعفر ۴۲۱  
 عبدالله بن مهدي ۴۰۴، ۴۲۷ ح، ۴۳۷ ح  
 عبدالله بن يحيى بن خاقان ۵۱۸، ۵۲۲، ۵۲۳  
 ۵۴۱، ۵۲۷  
 عبدالله بن يزيد خطمي ۲۳۵، ۱۷۶  
 عبيدة بن عبدالرحمان قيسي ۲۸۷، ۲۸۷ ح  
 عبيدة بن قيس سلماني ۲۳۵، ۱۷۶  
 عتاب بن اسيد ۱۹  
 عتاب بن عتاب ۵۱۵، ۵۱۹  
 عتبة بن ابي سفيان ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۵۱  
 عتبة بن اخنس سعدى ۱۶۳ ح  
 عتبة بن حميد ضبي ۴۴۵ ح  
 عتبة بن ربيعة بن عبد شمس ۱۴۳  
 عتبة بن غزوان ۲۶، ۲۹، ۲۹ ح، ۲۳ ح  
 عتبة نميري ۲۲۰  
 عثمان (ع) ۵۰۷  
 عثمان بن ابي العاص ثقفى ۱۴، ۵۷، ۱۹  
 عثمان بن اسود ۳۴۹، ۳۸۸  
 عثمان بن افكل ۴۶۱  
 عثمان بن ثمامة عيسى ۴۶۲  
 عثمان بن حنيف ۳۹، ۴۰، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۲۸۰

عرقه بن هرثمه ازدی ۲۵، ۲۷	عثمان بن حیان مری ۲۴۶، ۲۵۲، ۲۷۸، ۲۷۹
عرق الموت = حسین خادم	۳۶۶، ۲۸۲
عروة بن عدیه تمیمی ۹۲	عثمان بن زیاد ۳۲۱
عروة بن زبیر ۱۷۶، ۲۳۵، ۲۴۸	عثمان بن سلیمان بن عبدالملک ۲۶۰
عروة بن ولید صدقی ۳۴۰	عثمان بن عروة بن محمد بن عمار بن یاسر ۳۱۸
عزه (دختر جمیل) ۲۶۸ ح	عثمان بن عفان (ابوعمر) ۱۵، ۱۳ ح، ۱۷، ۳۱
عزیزه خفافی ۵۰۸	ح ۴۱، ۴۶، ۴۸-۵۱، ۵۳-۷۳، ۷۵-۷۸
عصمة بن ابو عصمة سبیمی ۴۵۱، ۴۵۸	۱۸۷، ۸۷، ۸۷، ۸۷ ح، ۹۲، ۱۵۰-۱۵۳، ۱۹۸
عصمة بن مقشع ۳۱۳ ح	عثمان بن عفان ثقفی ۱۶۷
عصمة کردی ۴۹۸	عثمان بن علی ۱۳۹
عطاء بن ابی رباح ۲۷۴، ۲۸۲، ۳۰۴	عثمان بن علی (عثمان اصغر) ۱۳۹
عطاء بن یزید ۴۴۵	عثمان بن علی بن عبدالله بن عباس ۲۹۲
عطاء بن یسار ۱۷۶، ۲۳۵، ۲۴۸	عثمان بن عمر بن عبدالعزیز ۲۷۴
عطیة بن اسود حنفی ۲۲۶	عثمان بن عمر تمیمی ۳۸۷
عطیة بن سعد بن جنادة عوفی ۲۳۰ ح	عثمان بن محمد بن ابی سفیان ۱۷۵، ۱۸۹
عطیة بن عبدالرحمان ۲۹۶	عثمان بن مروان ۲۰۰
عطیه (مولای منصور) ۳۸۰	عثمان بن مظعون ۴۱
عقبه بن ابی معیط ۴۱	عثمان بن مقبل ۵۱۳ ح
عقبه بن ابی هلال نمری ۱۳	عثمان بن نهبک ۳۵۵، ۳۸۷
عقبه بن اسلم (سلم) هنائی ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۹۶، ۷	عثمان بن ولید ۳۰۵
عقبه بن عمرو ۷۴، ۷۷	عثمان بن ولید بن یزید ۳۰۹، ۳۱۳
عقبه بن قدامة تجیبی ۲۸۷	عجیف بن عنبسه ۴۸۹ - ۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۶
عقبه بن مسلم ۳۶۴	۵۰۲، ۵۰۴
عقبه بن نافع فهري ۴۵، ۶۱	عدی بن ارطاة فزاری ۲۶۲، ۲۷۴ - ۲۷۶
عقیل بن ابی طالب ۴۰	عدی بن حاتم ۵۷، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۶۶
عکاشه بن ایوب فزاری ۲۸۸	عدی بن عبدالله ۴۴۵ ح
عکاشه بن محسن ۶ ح	عذاب = میمون مولای حوشب
عکرمه بن ابی جهل ۹ ح، ۱۱	عرفجة بارقی ازدی ۹ ح

- عکرمه (مولای ابن عباس) ۲۷۴، ۲۴۸  
 عکی = مقال بن حکیم  
 علاء بن حضرمی ۱۹، ۱۴  
 علاء بن زیاد ۲۴۹  
 علاء (مولای منصور) ۳۸۰  
 علائه ۱۳ ح  
 علقمه بن عبدالرحمان حکمی ۲۲۵  
 علقمه بن عبدالله مزنی ۲۷۴  
 علقمه بن قیس خثعمی ۱۷۶  
 علقمه بن مجزز مدلیجی ۴۴  
 علی بن ابی سعید ۴۶۳، ۴۶۹  
 علی بن ابی طالب ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۲، ۱۳۷-  
 ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳،  
 ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۸۰، ۱۹۸، ۲۰۶،  
 ۲۰۸ ح، ۲۳۳ ح، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱،  
 ۲۷۲، ۲۹۲، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۶ ح، ۳۴۹ ح،  
 ۳۶۱ ح، ۳۷۹، ۴۴۳ ح، ۴۴۶، ۴۷۳،  
 ۴۹۳، ۴۹۲  
 علی بن بهلول ۴۶۲، ۴۷۴  
 علی بن جراح خزاعی ۴۴۲  
 علی بن جعفر بن اسحاق بن علی بن عبدالله بن جعفر بن  
 ابی طالب ۴۶۱ ح  
 علی بن جعفر ۳۷۸  
 علی بن الحسین (امام) ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۴،  
 ۱۹۰، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۳۷، ۲۶۳ ح، ۲۶۴،  
 ۲۶۷، ۲۶۹ ح  
 علی اصغر ۱۸۴  
 علی اکبر ۱۸۴  
 علی بن حسین بن سباع قیسی ۵۰۰  
 علی بن حسین بن قریش بخاری ۵۳۰، ۵۳۶  
 علی بن ریطه ۴۰۴  
 علی بن سلیمان بن علی ۳۹۹، ۴۰۰  
 علی بن صالح ۴۹۴  
 علی بن ثبیان ۴۴۵  
 علی بن عاصم ۴۵۹  
 علی بن عبدالعزیز جروی ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۸۲  
 علی بن عبدالله بن خالد بن یزید بن معاویه ۴۵۴  
 علی بن عبدالله بن عباس ۲۰۸، ۲۲۴، ۲۴۶، ۲۹۱،  
 ۲۹۲، ۳۲۳ ح، ۳۳۰، ۳۴۰، ۳۵۶، ۳۵۷  
 علی بن عبدالله بن مصاد اسدی ۴۸۶  
 علی بن علی بن الحسین ۲۶۷  
 علی بن عیسی بن ماهان ۴۰۹، ۴۳۶، ۴۴۰، ۴۴۹-  
 ۴۵۳  
 علی بن عیسی (عامل خراج) ۵۱۶، ۵۱۷  
 علی بن مأمون ۴۹۴  
 علی بن محمد بن علی بن الحسین ۲۹۱  
 علی بن محمد بن علی الرضا بن موسی بن جعفر بن محمد  
 (امام هادی) ۵۱۲، ۵۳۵  
 علی بن محمد بن عیسی بن نهبک ۵۵۶  
 علی بن محمد (یاغی بصره) ۵۴۲-۵۴۵  
 علی بن مرطائی ۴۶۱  
 علی بن مسهر ۴۰۵، ۴۴۵  
 علی بن منتصم ۵۰۵  
 علی بن موسی بن جعفر (رضا) ۴۲۱، ۴۶۵-۴۶۷،  
 ۴۶۹، ۴۷۱  
 علی بن مهدی ۴۰۴



٤٩٢، ٤٩١، ٤٨٢، ٢٨٠	علي بن نوح ٥٣٧
عمر بن دينار ٣٠٤	علي بن وائق ٥١١
عمر بن سعد بن ابي وقاص ١٧٩، ٢٠٣	علي بن هارون رشيد ٤٤٣، ٤٥٩
عمر بن سليمان بن عبد الملك ٢٦٠	علي بن هاشم فقيه ٤٤٥
عمر بن عامر سلمى ٣٨٧	علي بن هشام ٤٧١، ٤٨٥، ٤٨٩، ٤٩٠، ٤٩٤
عمر بن عبد الرحمن ازدي ٣٦٠، ٣٨٧	علي بن يحيى ارمني ٤٨٦، ٥٠٠، ٥٢٠، ح ٥٢٨
عمر بن عبد العزيز ٢٣٧، ٢٣٨، ٢٤٧، ٢٤٨	علي بن يقطين ٤٠٢، ٤٠٣
٢٥٠، ٢٥٨، ٢٥٩، ٢٦١ - ٢٦٣، ٢٦٧	عمار بن عبد العزيز جشمي ٢٢٠ ح
٢٧٥، ٢٩٥، ح ٣٠٤ ح	عمار بن عمير ليثي ٢٣٥
عمر بن عبد العزيز سامي ٥٢٠	عمار بن ياسر ٤٣، ٦٥، ٦٧، ٦٩، ٧٩، ٨٩
عمر بن عبدالله اقطع ٥٢٧	٣١٨
عمر بن عبدالله بن عبد الملك بن مروان ٣١١	عمار بن تميم لثمي ٢٣١
عمر بن عبيد الله بن معمر تميمي ٥٩، ١٩٢، ٢٢٢	عمار بن حمزه ٣٨٠
عمر بن عثمان ٧٣	عمر بن ابي خالد حميري ٤١٨
عمر بن علا ٣٨٣، ٣٩٨	عمر بن ابي ربيعة مخزومي (عمر بن ابي ربيعة)
عمر بن علي ١٣٩، ٥٣٩	٢١٠، ٢١٠ ح
عمر بن عميش بن مسعود ١٠٢، ١٠٢ ح	عمر بن ابي سلمة مخزومي ١١٢، ١٢٢ ح
عمر بن فرج رنجي ٤٧٦، ٤٧٧، ٥٠٨، ٥١١	عمر بن اسماعيل حارثي ٣٢٥
٥١٣	عمر بن ايوب كناني ٤٣٧
عمر بن مروان ٢٠٠	عمر بن جميع ٤٤٥
عمر بن مسلمة ارحبي ١١٧، ١١٧ ح	عمر بن حسن ١٥٩
عمر بن وليد ٢٤٧، ٢٤٨، ٢٤٨، ح ٣١٠	عمر بن حفص بن عثمان بن ابوصفرة ٣٦٣، ٣٦٤
عمر بن هبيرة فزاري ٢٥٨ - ٢٦٠، ٢٧٨، ٢٧٨ ح	٣٦٤ ح، ٣٨٠
٢٨٠، ٢٨١، ٢٩٥	عمر بن حفص مهلبى = عمر بن حفص بن عثمان
عمر بن يزيد ٣٨٨	عمر بن خطاب ١، ٢، ٦، ١٠، ١٢، ١٥، ١٧ -
عمران بن اسماعيل (ابو النجم) ٣٠٧ ح	٢٦، ٢٩ - ٣٧، ٣٩ - ٤٧، ٤٩ - ٥٧، ٥٩
عمران بن خالد ٤٤٥	٦٦، ٧٠، ٧١، ٨٤، ٨٧، ٩٢، ٩٣، ١٢٨
عمران بن فضيل برجمي ٦٠، ١٩٢	١٤٦، ١٥٠، ١٥١، ١٧٣، ١٩٦، ٢٦٤

عمر بن لحي ۲۶۸ ح	عمران بن موسى بن يحيى بن خالد برمكى ۴۷۸،
عمر بن مالك خزاعى ۶۰	۵۰۷
عمر بن محمد بن قاسم ثقفى ۲۸۵، ۲۹۵، ۲۹۶،	عمران بن مهران ۵۳۲، ۵۳۴
۳۰۸	عمرده (خواهر شاه كنده) ۱۱ ح
عمر بن مرة جهنى ۱۷۶	عمر بن اعين (مولای خزاعه) ۳۰۷ ح
عمر بن مسعده ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۸	عمر بن بجير ۲۸۹
عمر بن مسلم ۲۴۰	عمر بن جرموز تمیمی ۸۱، ۱۵۳
عمر بن ميمون اوردى ۱۷۶، ۲۳۵	عمر بن حمق خزاعى ۷۲، ۱۶۲ - ۱۶۵
عمر بن هشام فقيه ۴۴۵	عمر بن دينار ۳۲۸
عمر بن يزيد جهنى ۱۷۶	عمر بن زبير ۲۱۰
عمر بن حزون ۴۸۲	عمر بن زرارۃ قسرى ۳۰۶
عمر ويشكرى ۲۹۳ ح	عمر بن سعيد بن عاص ۱۲، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۰۰،
عمرى = احمد بن محمد	۲۰۱، ۲۱۰، ۲۱۸، ۲۱۹
عمر (از اسيران عين التمر) ۱۳ ح	عمر بن سفیان = ابوالاعور سلمى
عمر بن سعد انصارى ۵۲	عمر بن سليمان بن عبد الملك ۲۶۰
عمر بن عباد كنانى ۹۱	عمر بن شرحبيل ۱۷۶
عمر بن وليد ۴۸۷	عمر بن عائذ بن عمران بن مخزوم ۳۵۹
عميس خثعمى ۱، ۱۸، ۴۱، ۱۳۹	عمر بن عاص ۳، ۳ ح، ۴، ۱۲، ۲۱، ۲۲، ۲۴،
عنبسة بن اسحاق ضبى ۵۰۷، ۵۱۵، ۵۱۷	۳۱-۳۴، ۴۱ ح، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۵۱، ۵۲،
عنبسة بن سعيد ۲۱۹	۵۶، ۷۰، ۷۲، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۸۹ -
عنبسة بن عبد الملك ۲۳۳	۹۸، ۹۹، ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۱
عنزى (بخترى) ۲۹۳ ح	۱۷۴، ۱۶۷
عوام بن يزيد بن عبد الملك ۲۸۱	عمر بن عبدود ۴۸
عون بن عبدالله بن عتبة بن مسعود ۴۴۵، ۴۵۹	عمر بن عبید ۳۵۰، ۳۸۹
عياض بن حارث ۱۷۶	عمر بن عتبة بن فرقده ۱۷۶
عياض بن عمرو ۲۳۰	عمر بن عثمان بن عفان ۷۳، ۱۵۸، ۲۲۲، ۲۶۹ ح
عياض بن غنم فهري ۳۶، ۳۷	عمر بن قيس كندى ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۷۴،
عياض بن هيمان بن هشام سدوسى ۲۳۰	۳۸۹ ح، ۲۷۴

عیسی عنزی ۳۰۶ ح	عیاض حرشی مذحجی ۱۹۹
عیهله بن کعب = اسود عنسی	عیسی بن ابراهیم بن نوح ۵۳۶ - ۵۳۸
عیینه بن حسن فزاری ۴، ۶۰۵ ح	عیسی بن ابی خالد = عیسی بن محمد بن ابی خالد
عیینه بن موسی بن کعب تمیمی ۳۶۳، ۳۶۴	عیسی بن اعین ۳۰۷ ح
<b>غ</b>	عیسی بن جعفر بن منصور ۴۱۴، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۴۴
غالب بن عبدالله عقیلی ۳۸۹	عیسی بن رشید ۴۷۳
غالب رومی ۴۶۹، ۴۷۰	عیسی بن روضه ۳۸۷
غالب مسعودی ۴۶۹ ح	عیسی بن سلیم رستنی ۵۲۸ ح
غزاله (دختر یزدگرد) ۴۶۴	عیسی بن شیخ بن شلیل ربیع ۵۳۲ - ۵۳۴، ۵۳۹
غزاله (زن شیب خارجی) ۲۲۵	۵۴۱ - ۵۴۳
غزوان (مولای منصور) ۳۸۰	عیسی بن صالح بن علی ۴۲۷
غزوان ۷۳ ح	عیسی بن علی بن عبدالله بن عباس ۲۹۲، ۳۲۳ ح،
غسان بن عباد ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۹۵	۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۴۸، ۳۴۷، ۳۳۰
غظریف بن عطا (دای هارون) ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۶	۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۴
غطفیف بن نعمه کلبی ۵۲۹، ۵۳۳	عیسی بن مأمون ۴۹۴
غلام ثقفی = یوسف بن عمر	عیسی بن محمد بن ابی خالد ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۸۳
عمر بن یزید بن عبدالملک ۲۸۱، ۳۰۴	۴۸۴
عوث بن سلیمان حضرمی ۴۰۳	عیسی بن مریم ۱۴۰
غوزک طرخون ۲۴۲	عیسی بن معقل عجلی ۳۰۰
غیاث بن ابراهیم ۱۰۹، ۱۰۹ ح، ۱۱۶، ۱۱۹	عیسی بن منصور ۳۸۶ ح
غیلان بن جامع محاربی ۳۲۸	عیسی بن منصور افقی ۴۸۹
<b>ف</b>	عیسی بن موسی خراسانی ۳۸۲
فارس بن یفا ۵۳۶	عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس
فازی بن ربیع حرشی ۲۴۷	۳۲۳ ح، ۳۳۰، ۳۴۹، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۵۸
فاطمه (دختر اسد بن هاشم) ۷۴، ۲۰۷، ۳۵۹	۳۶۸، ۳۷۰ - ۳۷۳، ۳۷۹، ۳۸۴، ۳۹۵
	عیسی بن موسی هادی ۴۱۰، ۴۲۷، ۴۴۳
	عیسی بن یزید جلودی ۴۶۴ - ۴۶۶، ۴۷۴
	۴۸۲، ۴۸۷

- ۳۵۹ ح  
 فاطمه (دختر امام حسین) ۲۷۹، ۳۵۹، ۳۶۰  
 فاطمه (دختر رسول خدا) ۱، ۱۷، ۳۵، ۱۳۹،  
 ۱۵۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۲۰۷، ۲۶۹، ۲۶۹ ح،  
 ۳۵۹، ۳۵۹ ح، ۴۹۲، ۴۹۳  
 فاطمه (دختر علی بن جعفر بن اسحاق) ۴۶۱ ح  
 فاطمه (دختر عمرو بن عائد مخزومی) ۲۰۷، ۳۵۹  
 فاطمة طلحیه (دختر محمد) ۳۷۱، ۳۸۶، ۳۸۶ ح  
 قتح بن خاقان ۵۲۲، ۵۲۳  
 قتح بن ولید بن یزید ۳۰۹  
 قتیان (مادر معتمد) ۵۴۱ ح  
 فحشاء سلمی ۱۷  
 فراضة بن اسبغ بن ذؤاله ۳۱۳  
 فرج بفواری ۴۷۹  
 فرج دیلمی ۴۶۹ ح  
 فردوسی ۳۸ ح  
 فرزوق ۲۴ ح  
 فرعون ۱۶، ۲۳۴، ۲۷۲  
 فرمانروای بیجه ۳۲۶  
 فرمانروای نوب ۳۲۶  
 فروة بن نوفل اشجعی ۱۴۴  
 فضالة بن عبید ۷۵ ح، ۱۷۵  
 فضل بن اسحاق بن سلیمان ۴۴۹  
 فضل بن ربیع ۴۰۹، ۴۲۷، ۴۴۲، ۴۴۶، ۴۴۷،  
 ۴۵۰، ۴۵۸، ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۷۳  
 فضل بن روح بن حاتم مهلبی ۴۱۶  
 فضل بن سهل سرخسی (ذوالریاستین) ۴۵۲، ۴۶۵،  
 ۴۶۷، ۴۶۹، ۴۶۹ ح، ۴۷۰، ۴۹۳
- فضل بن صالح بن علی بن عبدالله بن عباس ۳۳۰، ۳۷۹،  
 ۳۸۷، ۳۸۸، ۴۰۲، ۴۰۵، ۴۰۸، ۴۴۴  
 فضل بن عباس بن حسن بن اسماعیل بن عباس بن  
 محمد ۵۴۴، ۵۴۵  
 فضل بن عباس بن عبدالمطلب ۳، ۳ ح، ۳۷  
 فضل بن عباس بن محمد بن علی ۴۴۴  
 فضل بن عبدالرحمان بن عباس بن ربیعة بن حارث بن  
 عبدالمطلب ۴۳۳ ح  
 فضل بن عبدالله خزاعی ۴۶۳  
 فضل بن عبدالله بن عباس ۲۰۸  
 فضل بن قارن طبری ۵۲۷، ۵۲۸  
 فضل بن مأمون ۴۹۴  
 فضل بن محمد ۴۴۴  
 فضل بن مروان ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۴، ۵۱۳  
 فضل بن موسی بن جعفر ۴۲۱  
 فضل بن موسی بن عیسی ۴۵۵  
 فضل بن یحیی بن خالد بزمکی ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۳۷،  
 ۴۳۸، ۴۴۱  
 فضیل بن عیاض ۴۲۲  
 فطر بن خلیفه ۱۰۹  
 فففور چین ۳۸ ح، ۳۹۸  
 فلانه (دختر حریش) ۲۹۲  
 فور (شاه هند) ۳۹۸  
 فهر بن ولید بن یزید ۳۰۹  
 فیروزان (فیروزان) ۲۴، ۲۵  
 فیروز بن یزدجرد ۴۱، ۳۱۰، ۳۱۰ ح  
 فیروز دیلمی ۷، ۱۶۷  
 فیلان شاه ۶۱ ح، ۲۸۶ ح

فیلکان ٢٩

## ق

قارظ ١٠٧

قارن بن بنداد هرمز ٤٣٦، ٤٣٦ ح

قاسم بن ثعلبة بن عبدالله بن حصن طائی ٢٤٥ ح

قاسم بن حسن ١٥٩

قاسم بن ربیع ٤٢٧

قاسم بن ربیعة ثقفی ٧٣

قاسم بن سلیمان بن عبدالملک ٢٦٠

قاسم بن عبدالرحمان ٣٠٤

قاسم بن مالک مزنی ٤٤٥

قاسم بن مجاشع نیمی ٣٠٧ ح

قاسم بن محمد بن ابی بکر ١٥٥، ١٧٦، ٢٣٥،

٢٤٨، ٢٥٨، ٢٧٣، ٢٧٤

قاسم بن محمد بن اشعث ٢٣١ ح

قاسم بن محمد بن جعفر بن محمد ٤٢١

قاسم بن موسی بن جعفر ٤٢١

قاسم بن نصر بن مالک ٤٤٢

قاسم بن هارون رشید ٤٣٣، ٤٣٥، ٤٤٣، ٤٤٤

قبیحه (مادرمعتز) ٥٣٢، ٥٣٩

قبیصة بن جابر ٢٣٥

قبیصة بن ضبیعة، عسی ١٦٣

قنادة بن دعامة سدوسی ٣٠٤

قتیبة بن مسلم ٢٢٨، ٢٣٩-٢٤٢، ٢٤٤، ٢٥٣

٢٥٤

قثم بن عباس بن عبدالملک ١٧، ١٣٩، ١٤٠،

١٧٢، ١٧٢ ح، ٣٩٨

قثم بن عبدالله بن عباس ١٠٧

قحطبة بن شیب طائی ٣٠٠، ٣٠٧، ٣٠٧ ح،

٣٢٠-٣٢٢، ٣٣٤

قدامة بن زیاد ٥١٩

قدامة بن مظلوم ٧٤ ح، ٧٥ ح

قدد بن اصغر ٣٤٢ ح

قراطیس (مادر واثق) ٥٠٦

قرب (مادر مهتدی) ٥٣٨

قرظة بن کعب انصاری ٤٦، ١١٨

قرفة بن زاهر نیمی واثلی ٢٧، ٢٧ ح

قریب ازدی خارجی ١٦٥، ١٦٥ ح

قریش بن هشام ٣٠١

قریش دندانی ٤٥٧

قسطنطین ٣٠٣، ٣٤٩

قسطنطین رومی ٤٦٩ ح

قسی بن ولید بن یزید ٣٠٩

قصب = یوسف بن ابراهیم تنوخی

قطامی ٥٢٦

قطری ٢٢٦، ٢٢٧

قطری (غلام ولید) ٣٠٩

قطن (دربان ولید) ٣٠٩

قعقاع بن زرارہ ١٤٥

قمامة بن یزید ٤٣٤، ٤٤٨

قنبر ١٣٥

قیس بن سعد فقیه ٣٢٨

قیس بن سعد بن عباده ٧٧، ٨٧، ١١٥، ١١٦،

١٤١، ١٤٣، ١٤٤

قیس بن طریف بن حسان هلالی ١٩٨

کلیس بن هيثم بن صلت سلمی ۶۱، ۶۰  
 قیس بن عبد یغوث = قیس بن مکشوح  
 قیس بن مکشوح مرادی ۷، ۷ ح  
 قیصر ۳۱۰ ح  
 قیل ۲۴۲

ك

کابل شاه ۳۹۸  
 کتاره = بهلول بن بشر  
 کثیر بن حصین عبدی ۳۶۸  
 کثیر بن سلم بن قتیبه ۴۱۳، ۴۱۴  
 کثیر بن صلت ۱۷۰ ح  
 کثیر بن عبدالرحمان (کثیر عزه) ۲۶۸، ۲۶۸ ح  
 کدام بن حیان عنزی ۱۶۳  
 کراچکی ۱۷۰ ح  
 کرمانی ۱۶ ح  
 کرمانی = جدید بن علی  
 کرزبن ربیع بن حبیب بن عبدشمس ۵۳  
 کریم بن عقیف خثعمی ۱۶۳ ح  
 کسری ۱۴۵  
 کعب بن حامد عسی ۲۴۷، ۲۵۹، ۲۸۱، ۳۰۱  
 کعب بن عجره ۷۵ ح  
 کعب بن مالک ۷۴ ح، ۷۵ ح، ۱۲۰، ۳۸۷  
 کعب البقر = احمد بن اسماعیل بن یعقوب  
 کلبی ۲۶۸ ح  
 کلثوم بن عیاض ۲۸۷، ۲۸۷ ح، ۳۰۳ ح  
 کلدة بن حنبل ۶۹ ح  
 کلکاتکین ۵۲۹

ل

لازمین قریظہ (قریظ) تمیمی ۳۰۷ ح، ۳۱۹  
 لعی = ربیعہ بن حارثه  
 لقمان ۱۵  
 لقیظ بن مالک ازدی ۹، ۹ ح  
 لوط ۱۸۹  
 لوط بن یحیی = ابومخنف  
 لؤی بن غالب ۳، ۴  
 لؤی بن ولید بن یزید ۳۰۹  
 لیث بن طریف ۳۹۹، ۴۱۳  
 لیث (مولای منصور) ۳۸۳  
 لیرانشاه ۲۸۶ ح  
 لیلی حنظلی تمیمی ۱۳۹  
 لیلی (دختر ابومره) ۱۸۴



- عباس (ابو حمید) ۳۲۳، ۳۲۳، ح ۳۳۰، ۳۳۰،  
 ۳۷۹، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۴۳، ۴۴۴  
 محمد بن ابی بکر ۱۹، ۷۱، ۷۲، ۹۹، ۱۰۰  
 محمد بن ابراهیم ۵۰۳  
 محمد بن ابراهیم افریقای ۴۷۹  
 محمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن حسن بن حسن بن  
 علی بن ابی طالب ۴۶۱، ۴۶۱ ح  
 محمد بن ابراهیم بن اغلب ۵۰۷، ۵۱۶  
 محمد بن حارث تیمی ۲۷۴، ۲۸۲  
 محمد بن ابوالعباس سفاح ۳۳۰  
 محمد بن ابوالعباس طوسی ۴۸۹  
 محمد بن ابی بکر بن محمد بن عمرو بن حزم ۳۰۴،  
 ۳۲۷  
 محمد بن ابی حذیفه ۷۱، ۷۲  
 محمد بن ابی خالد ۴۵۴، ۴۶۷، ۴۶۸  
 محمد بن احمد بن ابی دؤاد ۵۱۳، ۵۱۸  
 محمد بن احمد بن مدبر ۵۲۱  
 محمد بن اسحاق بن ابراهیم ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۲۳  
 محمد بن اسحاق بن یسار ۳۴۹  
 محمد بن اسرائیل ۵۳۸  
 محمد بن اشعث خزاعی ۳۲۰، ۳۷۹، ۳۸۲، ۵۳۳  
 محمد بن بعیت ۴۹۸، ۵۱۹  
 محمد بن جابر یمامی ۴۰۵  
 محمد بن جریر بن عبدالله بجلی ۲۷۲ ح  
 محمد بن جعفر علوی ۳۷۸، ۴۶۱، ۴۶۴  
 محمد بن حاتم ۵۳۱  
 محمد بن حازم نایینا ۴۵۹  
 محمد بن حسن (سلق) ۴۶۱، ۴۶۴  
 محمد بن حسن (فقیه) ۴۴۵  
 محمد بن حصین عدی ۳۲۳ ح، ۳۳۷، ۳۵۱، ۳۷۰  
 محمد بن حماد ۵۰۴  
 محمد بن حمزه بن مالک ۴۵۸  
 محمد بن حمید طوسی ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۹  
 محمد بن حمید همدانی ۴۶۱  
 محمد بن حنفیه = محمد بن علی  
 محمد بن خالد بخارا خذاه ۵۰۰  
 محمد بن خالد بن عبدالله قسری ۳۲۲، ۳۲۲ ح  
 محمد بن خالد بن یزید بن مزید شیبانی ۵۰۹،  
 ۵۱۹  
 محمد بن خنیس ۲۷۳  
 محمد بن داود (ابن الصغیر) ۵۳۳  
 محمد بن راشد ۴۴۵  
 محمد بن رضا ۴۷۳  
 محمد بن رواد ازدی ۴۶۱، ۴۸۴  
 محمد بن زکریا ۳۳۹  
 محمد بن زهره ۴۶۲  
 محمد بن زهیر بن مسیب ضبی ۴۴۱  
 محمد بن سائب کلبی ۳۸۸  
 محمد بن سعید بن سرح کنانی ۴۴۹  
 محمد بن سلیمان ازدی سمرقندی ۵۰۰  
 محمد بن سلیمان بن علی هاشمی ۳۹۸، ۳۹۸ ح  
 محمد بن سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس ۳۳۰،  
 ۳۷۰  
 محمد بن سیرین ۱۳ ح، ۲۴۸، ۲۷۴  
 محمد بن صالح بن منصور ۴۶۷، ۴۷۳  
 محمد بن صغیر ۴۵۵



محمد بن عبدالملك زیات ٥١٢، ٥١١، ٥٠٤	محمد بن صول ٣٤١، ٣٤١ ح
محمد بن عبدویة بن جبلة ٥١٩، ٥٠٧	محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر ٥٤١، ٥٢٦
محمد بن عبدالله ورنائی ٥٠٤، ٥٠٠	محمد بن طلحة ٧٩
محمد بن عتاب ٤٨٥، ٤٦١	محمد بن عباد مهلبی ٤٧٨
محمد بن عدی ثعلبی ٤١٤	محمد بن عبدالحمید (ابورازی) ٤٨٢، ٤٧٣
محمد بن علی (محمد بن حنفیه) ١٥٤، ١٣٩	محمد بن عبدالرحمان ٤٢٧، ٣٩٥
٢١٦، ٢٠٨-٢٠٥، ٢٠١	محمد بن عبدالرحمان بن ابی ذئب ٤٠٥، ٣٨٨
محمد بن علی (محمد اصغر) ١٣٩	محمد بن عبدالرحمان بن ابی طوالة ٣٨٨
محمد بن علی بن الحسین (ابوجعفر) ٢٨٩، ٢٦٧	محمد بن عبدالرحمان بن ابی لیلی ٣٨٨، ٣٥٠
٢٩١، ٢٩٠	محمد بن عبدالرحمان ١٧٥
محمد بن علی بن سلیمان نوفلی ٣٤٧	محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن ٣٣٠، ٣٢٩ ح
محمد بن علی بن عبدالله بن عباس ٢٥٧، ٢٥٦	٣٣٥، ٣٤٥، ٣٤٦، ٣٥٩، ٣٦٠، ٣٦٥
٣٠٧، ٣٠٠، ٢٩٣، ٢٩٢، ٢٨٨، ٢٧٣	٣٧١، ٣٦٩، ٣٦٨، ٣٦٦
٣٢١ ح ٣٠٧	محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن حسین بن علی بن
محمد بن علی بن یحیی ارمنی ٥٤٥	ابی طالب ٤٩٣
محمد بن علی معروف ٥١٦	محمد بن عبدالله بن طاهر ٥٢٦، ٥٢٣، ٥١٧
محمد بن عمر بن واقد ٤٥٩	٥٣٤، ٤٣٢-٥٢٩
محمد بن عمران ٤٧٩	محمد بن عبدالله بن عباس ٢٠٨
محمد بن عمران بن ابراهیم ٤٤٤	محمد بن عبدالله بن عمرو بن عثمان ٣٦٦
محمد بن عمرو بن عاص ٨٥، ٨٤	محمد بن عبدالله عزمی ٣٨٨
محمد بن عمرو بن علقمة بن وقاص لیشی ٣٤٩، ٣٤٩ ح	محمد بن عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس
٣٨٨	= مهدی
محمد بن عمرو شیبانی خارجی ٥١١، ٥١٠	محمد بن عبدالله بن نصر بن حمزة خزاعی
محمد بن عمرو نصیبی تغلبی ٣٥٤	محمد بن عبدالله قاری ٢٢٤
محمد بن عیسیٰ ٥٠٣	محمد بن عبدالله قسری = محمد بن خالد بن عبدالله
محمد بن فرج بن ابی اللیث بن فضل ٤٩٠	قسری
محمد بن فرج رنجی ٥١٣	محمد بن عبدالملك بن مروان ٣١٠، ٢٣٣، ٢٢١
محمد بن فرخ عمر کی ٤٧٧	٣٢٧

- محمد بن فروخ ازدی ۴۰۸  
محمد بن فضیل منشی ۵۱۷  
محمد بن قارن بن بنداد هرمز = مازیار  
محمد بن قاسم بن علی بن عمر بن علی بن حسین بن  
علی ۴۹۶  
محمد بن قاسم بن محمد بن حکم بن ابی عقیل ثقفی  
۲۴۳ - ۲۴۶ ، ۲۵۵  
محمد بن کثیر کوفی ۴۵۹  
محمد بن کعب قرظی ۲۷۴ ، ۲۸۲ ، ۳۰۴  
محمد بن لیت ۴۰۲ ، ۴۷۳  
محمد بن مالک ۱۷۵  
محمد بن مأمون (محمد اصغر) ۴۹۴  
محمد بن مأمون (محمد اکبر) ۴۹۴  
محمد بن مأمون ۴۹۴  
محمد بن متوکل = منتصر  
محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین ۴۶۱ ،  
۴۶۱ ح، ۴۶۴  
محمد بن مروان ۲۰۰ ، ۲۳۴ ، ۲۴۸  
محمد بن مروان بن محمد ۳۲۵  
محمد بن مروان سدی ۴۰۵ ، ۴۴۵  
محمد بن مسروق قاضی ۴۴۵  
محمد بن مسلم بن شهاب زهری ۲۷۴ ، ۲۸۲  
۳۰۴ ، ۳۲۸  
محمد بن مسلمة بن عبدالملک ۳۳۶  
محمد بن مسلمة انصاری ۷۴ ح، ۷۵ ح  
محمد بن مسیب ۴۵۸  
محمد بن معاویة بن ابی سفیان ۱۷۴  
محمد بن معتز ۵۳۷  
محمد بن معتصم ۵۰۵  
محمد بن مقاتل عکلی ۴۱۷  
محمد بن منصور = مهدی  
محمد بن موسی بن جعفر ۴۲۱  
محمد بن موسی ثقفی ۳۰۹  
محمد بن مولد ۵۳۳  
محمد بن مهلب ۲۵۵  
محمد بن نافع ۴۸۲  
محمد بن واثق ۵۱۱ ، ۵۱۲  
محمد بن واثق (محمد اصغر) ۵۱۱  
محمد بن ولید ۲۴۷  
محمد بن هارون (امین ، مخلوع) ۴۱۱ ، ۴۱۳ ،  
۴۲۱ - ۴۲۳ ، ۴۲۶ - ۴۳۰ ، ۴۳۵ ، ۴۴۳  
۴۴۶ ، ۴۴۷ ، ۴۴۹ - ۴۵۸ ، ۴۶۰ ، ۴۶۲  
۴۷۲ ، ۴۸۲ ، ۴۸۳ ، ۴۹۳  
محمد بن هارون = معتصم  
محمد بن هارون بن ذراع نمری ۲۲۸ ، ۲۲۸ ح  
محمد بن هرثمة بن اعین ۵۴۲ ، ۵۴۴  
محمد بن هشام بن اسماعیل مخزومی ۳۰۲ ، ۳۰۲ ح،  
۳۰۶  
محمد بن هشام بن عبدالملک ۳۰۱ ، ۳۰۸  
محمد بن هلال ۵۳۶ ، ۵۳۸ ، ۵۴۲  
محمد بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن حسین بن  
علی بن ابی طالب ۴۹۳  
محمد بن یزید بن حاتم ۴۵۵  
محمد بن یزید بن عبدالملک ۲۸۱  
محمد بن یزید بن مزید شیبانی ۴۴۰ ح  
محمد بن یزید (مولای قریش) ۲۵۲

مرزبان مرو = ماهویه	محمد بن یزید واسطی ۴۴۵
مرضی = ابن شکله	محمد بن یوسف ۴۸۵
مرقال = هاشم بن عتبہ	محمد بن یوسف ثقفی ۲۷۴ ح، ۳۰۵
مروان بن حکم بن ابی العاص ۶۷، ۵۸، ۶۷ - ۶۹، ۷۲، ۷۴	محمد بن یوسف طائی (ابوسعید) ۴۸۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۸
۱۵۵، ۱۵۲، ۸۶، ۸۳، ۸۰، ۷۶ - ۷۴	محمد مولد ترک ۵۲۹، ۵۴۳، ۵۴۴
۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۳	مخارق (مادر مستعین) ۵۲۵ ح
۱۹۶ - ۲۰۱، ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۶۹، ۲۶۹ ح	مخارق بن غفار ۳۵۲ ح
۲۷۵، ۳۱۰ ح، ۳۶۷	مختار بن ابی عبید ۲۰۱ - ۲۰۳، ۲۰۵، ۱۱۱
مروان بن عبدالملک ۲۳۳	۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵
مروان بن محمد بن مروان بن حکم (مروان حمار)	مختار بن عوف حروری اباضی ۳۱۵، ۳۲۷
۲۸۶ - ۲۸۸، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۱۱ - ۳۱۹ ح	۳۲۷ ح
۳۲۲، ۳۲۴ - ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۲ - ۳۳۴	مخرم بن نوفل ۴۰
۳۳۷، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۴ ح، ۴۴۹، ۳۵۲	مخلد بن یزید بن مهلب ۲۵۵، ۲۶۲
مروان بن مهلب ۲۷۶	مخلوع = امین
مروان بن ولید ۲۴۸	مخوس (مخوس، شاه کننده) ۱۱، ۱۱ ح
مروان بن هشام ۳۰۱	مدرك بن مهلب ۲۵۵
مروان بن یزید بن مهلب ۲۹۶	مدعی اتساب به آل ابی طالب (مدعی) = علی بن
مرثه بن ابی ردینہ ۴۶۲	محمد یاغی بسرہ
مرثه بن شراحیل ہمدانی ۲۳۵	مذعور بن عدی عجلی ۲۷، ۲۷ ح
مرید (مولای منصور) ۳۸۰	مرین علی طائی ۳۶۱
مریم ۱۶	مراجل (مادر مأمون) ۴۶۰
مزاحم بن خاقان ۵۲۷، ۵۳۳، ۵۳۵	مراد بن انس ضبی ۳۳۴
مسافر بن کثیر ۳۱۴، ۳۴۱	مراد بن انس ضبی ۳۳۴ ح
مساور بن عبدالحمید ۵۳۵	مرجانہ (مادر عبید اللہ) ۱۸۸
مساور بن ہند بن قیس ۲۰۹	مرزبان بن جستان ۴۳۶ ح
مستمعین ۵۲۵ - ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۳۱ ح، ۵۳۳	مرزوق (ابوالخصیب) ۳۸۰، ۵۴۲، ۵۴۲ ح
۵۳۷	مرزبان مذار ۲۵، ۲۵ ح
مستورد بن علفہ تیمی ۱۴۹	

- مصعب بن زبیر ۲۰۹-۲۱۳، ۲۲۰، ۲۲۲  
 مصعب زبیری ۲۸۲ ح  
 مصقلة بن هبيرة شيباني ۱۰۰، ۱۱۳، ۱۱۴  
 مضاع بن علوان ۲۱۲  
 مضارب بن يزيد عجلي ۲۷، ۲۷ ح  
 مطرف بن طريف حارثي ۳۵۰  
 مطرف بن عبدالله بن شخير ۱۷۶، ۱۷۶ ح  
 مطلب بن عبدالله خزاعي ۴۵۵، ۴۶۰، ۴۶۳، ۴۶۸  
 مطلب بن وداعة سهمي ۲۹۹ ح  
 معاذ بن جبل ۱۹، ۲۲، ۳۷، ۵۱  
 معاذ بن جوين طائي (ابوالمستورد) ۱۴۹  
 معاوية بن ابي سفيان بن حرب ۳۷، ۴۰، ۴۶، ۵۲، ۵۸  
 ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۷۳، ۷۷، ۸۳-  
 ۹۲، ۹۴، ۹۸-۱۰۱، ۱۰۳-۱۰۵، ۱۱۳،  
 ۱۱۶، ۱۳۸، ۱۴۱-۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۵،  
 ۱۵۸، ۱۶۰-۱۶۸، ۱۷۰-۱۷۶، ۱۸۲ ح  
 ۱۸۹، ۱۹۵، ۲۶۹، ۲۶۹ ح، ۲۷۵، ۳۸۴  
 ۴۹۱  
 معاوية بن حديج كندی ۴۲، ۹۹، ۹۹ ح، ۱۰۶  
 معاوية بن صخر = معاوية بن ابي سفيان  
 معاوية بن عبدالله = ابو عبيدالله  
 معاوية بن عبدالله سكسكي ۳۱۳، ۳۱۳ ح  
 معاوية بن عبدالملك ۲۳۳  
 معاوية بن مروان ۲۰۰  
 معاوية بن مغيرة بن ابي العاص بن اميه ۲۱۷  
 معاوية بن هشام ۳۰۱-۳۰۳  
 معاوية بن يزيد ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۸
- مسرور بن وليد ۲۴۸، ۳۱۲  
 مسرود خادم ۴۱۹، ۴۴۳  
 مسروق بن اجدع ۱۷۶  
 مسعدة ۱۸۵ ح  
 مسمر بن كدام ۳۵۰، ۳۸۹  
 مسعود بن ابي مسعود ۱۷۶  
 مسعود تميمي ۱۳۹  
 مسعودي ۴۴۳ ح  
 مسلم بن زياد ۱۹۲  
 مسلم بن سعيد كلابي ۲۷۸، ۲۷۸ ح  
 مسلم بن عقبه مري ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۳۶۶  
 مسلم بن عقيل ۱۷۸، ۱۷۹  
 مسلم بن قتيبة باهلي ۳۲۳، ۳۷۰  
 مسلم بن نصر (بن) اعور انباري ۴۶۳، ۴۸۷  
 مسلمة بن خالد ۷۵ ح  
 مسلمة بن عبدالملك ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۸، ۲۴۸ ح،  
 ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۷۶ ح؛  
 ۲۷۷، ۲۸۵، ۲۸۵ ح، ۲۸۶، ۲۸۶ ح،  
 ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۳ ح  
 مسلمة بن عمر بن عبدالعزيز ۲۷۴  
 مسلمة بن مخلد ۳۳، ۷۵ ح، ۸۹، ۱۶۱ ح  
 مسلمة بن هشام ۳۰۱-۳۰۳  
 مسور بن مخرمة زهري ۱۷۶، ۲۳۵  
 مسيب بن زهير ضبي ۳۸۰، ۳۸۷، ۴۴۲  
 مسيب بن نجبة فزاري ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۹۹  
 مسيح ۴۰۷ ح  
 مسيلمة بن حبيب حنفي (مسيلمة كذاب) ۴، ۸، ۷  
 مشرح بن معدی كرب (شاه كنده) ۱۱، ۱۱ ح، ۲۹۲